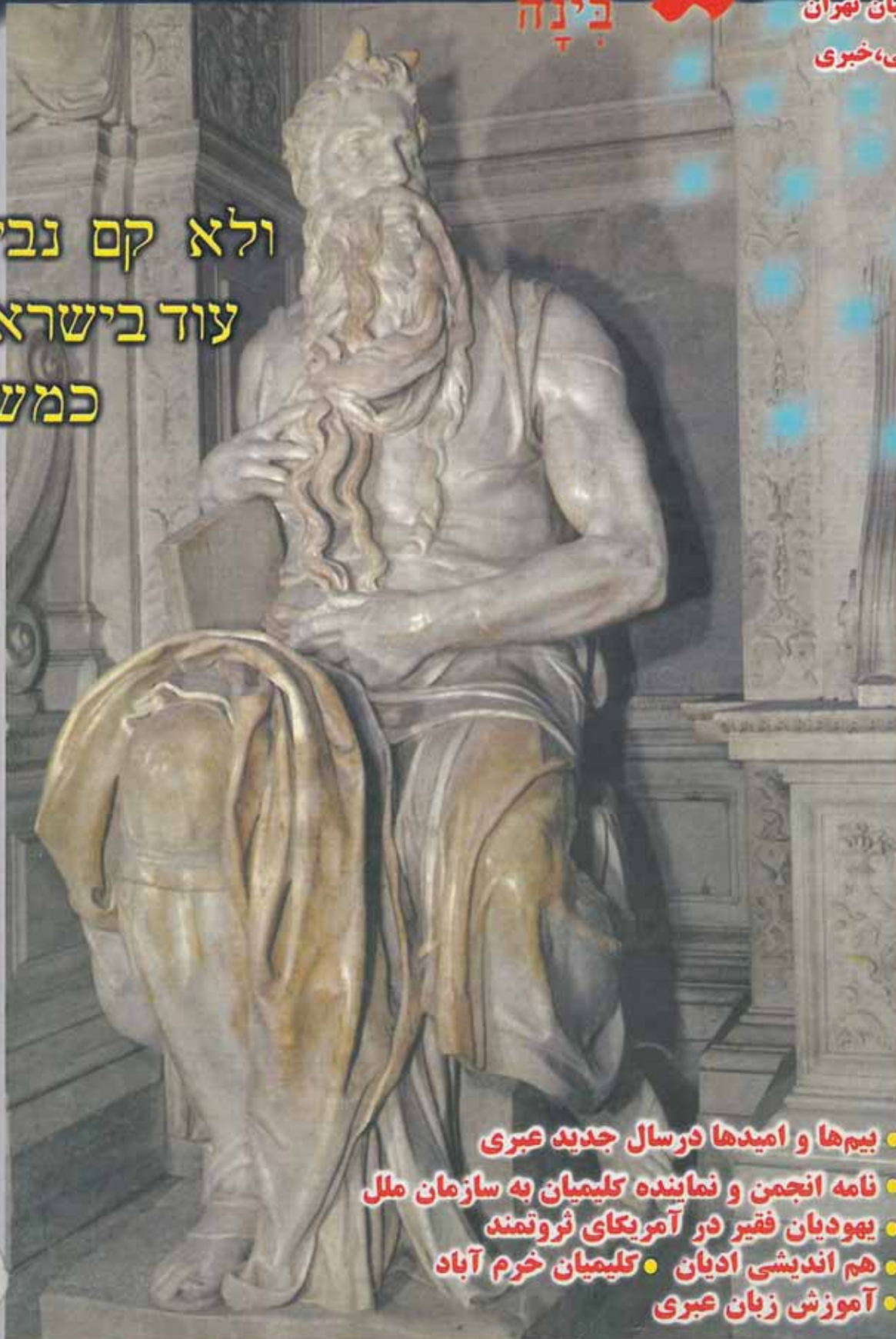


אָפּק

בינה

ارکان انجمن کلیمیان تهران
فرهنگی، اجتماعی، خبری

ולא קם נביא
עוד בישראל
כמשה



- بیم‌ها و امیدها در سال جدید عبری
- نامه انجمن و نماینده کلیمیان به سازمان ملل
- یهودیان فقیر در آمریکای ثروتمند
- هم اندیشی ادیان • کلیمیان خرم آباد
- آموزش زبان عبری

Comité Central

de la
COMMUNAUTE JUIVE DE TEHRAN

Tel : 6702556 - 6707612
Fax : 6716429

Teleg. Andjooan Kalmin

le 19

ב"ה
בית
ועד הקהילה היהודי טהראן

TEHRAN
Central Jewish Committee

انجمن کلیمیان تهران

شماره ثبت ۶
عنوان تلگرافی: انجمن کلیمیان
تلفن: ۶۷۰۲۵۵۶ - ۶۷۰۷۶۱۲
فکس: ۶۷۱۶۴۲۹
تاریخ: ۱۳۸۰/۸/۸
شماره: ۹۳۱۶۰

بیانیه انجمن کلیمیان تهران درباره حادثه تاسف بار حمله به کلیسای مسیحیان در پاکستان

آنچه امروز بر ملت مظلوم و ستمدیده افغانستان می‌گذرد قلب مردم جهان را جریحه‌دار کرده و اعتراض جهانیان را برانگیخته است.

بمب‌های هواپیماهای آمریکایی مردمی را کشته، آواره و بی‌خانمان کرده است که هیچ نقشی در وقوع حوادث تروریستی در آمریکا نداشته‌اند.

زنان و کودکان افغانی تاوان گناه تروریست‌های بی‌رحمی را می‌دهند که دست پرورده قدرت‌های شیطانی هستند.

از همان روز واقعه تروریستی در آمریکا یعنی ۱۱ سپتامبر جریاناتی سعی داشتند با استفاده از وضعیت پیش آمده جنگ بین تروریست‌ها و قدرت‌های جهانی را به جنگ بین اقوام و ادیان مختلف تبدیل نمایند.

در غرب و در آمریکا کسانی هستند که بر طبل جنگ‌های صلیبی کوبیدند و مناسفانه اینک در پاکستان کسانی هستند که زیر پوشش اعتقادات دینی به کلیسای مسیحیان حمله می‌کنند و با کشتار بی‌رحمانه نمازگزاران مسیحی، عملاً به اعلان جنگ‌های قومی و دینی از طرف بعضی تنوریسین‌های غرب کمک می‌کنند.

ما جامعه کلیمیان ایران که همواره با سایر اقلیت‌های دینی از جمله مسیحیان در کنار هموطنان مسلمان خود در ایران زندگی می‌کنیم به خوبی می‌دانیم که نظام فکری جمهوری اسلامی و مسئولین نظام همواره به زندگی مسالمت آمیز ادیان مختلف اعتقاد داشته و قانون اساسی جمهوری اسلامی بر حق زندگی اقلیت‌های دینی تاکید نموده است. و این شیوه زندگی الهی - انسانی نشانه رشد و تعالی ملت بزرگوار ایران است.

امروز اگر کسانی به نام اسلام نمازگزاران مسیحی را در نمازخانه آنها به رگبار گلوله می‌بندند با توجه به درک ما از اسلام و رویه ایرانیان مسلمان و مسئولین نظام جمهوری اسلامی پیدا است با اسلام و نظام فکری آن بیگانه‌اند.

جامعه کلیمیان ضمن همدردی با مسیحیان پاکستان و ملت مظلوم افغانستان، تفسر خود را از بمباران مردم بی‌گناه افغانستان اعلام می‌دارد.

نماینده کلیمیان ایران در مجلس شورای اسلامی

هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران

سرفتن

آفک

בינה

♦ سرمقاله: روش‌هشانا، آغاز سال نو عبری، بیم‌ها و امیدها: هارون یشایایی ۲

♦ نامه سرگشاده انجمن کلیمیان و نماینده کلیمیان به دبیرکل سازمان ملل متحد ۳

♦ اخبار و رویدادها ۴

♦ گزارش مسابقات فوتسال ۱۳

♦ بررسی کیفی فعالیت کلاس‌های تابستانی ۱۴

فرهنگی، دینی

♦ گزیده مناسبت‌های سال ۵۷۶۲ عبری: دکتر یونس حمامی لاله‌زار ۱۵

♦ شخص معنوی، شخص نورانی: محسن قانع مجیدی ۱۶

♦ جشن سوکوت (سایان‌ها): رحمن دل‌رحیم ۱۷

♦ ختنه (میلا) در روز هشتم تولد: مریم عرب‌زاده ۱۸

♦ هم‌اندیشی ادیان، بیگانه می‌مانیم اگر گفتگو نکنیم ۱۹

♦ نظری بر عدد هفت: آلبرت شادپور - لیورا سعید ۲۲

♦ گزارش سمینار بین‌المللی محیط زیست، دین و فرهنگ: آرش ابائی ۲۳

♦ در آمدی بر کشاورزی در دین یهود: نوید یمینی ۲۶

♦ جشنواره جهانگردی، ادیان، اقوام و گفتگوی تمدن‌ها: آرش ابائی ۲۷

♦ حقوق اقلیت‌های دینی در اندیشه و سیره امام علی (ع): مصطفی دلشاد تهرانی ۲۹

♦ دایره‌المعارف جودائیکا (فرهنگنامه یهود): حسین سلیمانی ۴۸

ادبی، هنری

♦ نوازنده کلیمی، یحیی زرنیجه (هارون جزاسند): بهروز مصری ۳۱

♦ درآمدی بر موسیقی در دین یهود: آرزو ثانی ۳۳

♦ شعر ۳۴

♦ آمدنو مودیلیاتی، نقاش سرگردان یهودی: ماریتا ماهگرفته ۳۶

♦ روزی که من گم شدم: ایساک سینگر ۳۹

اجتماعی، گوناگون

♦ یهودیان نامرئی: مهناز سلیمان تهرانی ۳۷

♦ کلیمیان خرم‌آباد: ایرج کانلمی ۴۱

♦ سونیس و یهودیان در جنگ جهانی دوم: سیما مقتدر ۴۴

♦ مردان مریخی، زنان ونوسی (۲): شرکان انورزاده ۴۵

♦ با مخاطبان ۴۶

♦ فیبر در غذاها: مژده یمینیان ۵۲

♦ اشتباه آمریکا و اسرائیل در کنفرانس دوریان: حاخام مایکل لرنر ۵۶

♦ کودکان جنگ، بی‌گناهان: کیارش یشایایی ۵۷

♦ بخش نوجوانان ۵۸

♦ مجری پیام‌زیم ۶۰

♦ بخش کودکان ۶۲

♦ جدول: شیرین آذری - فرم اشتراک ۶۴



سمینار محیط زیست، دین و فرهنگ



هم‌اندیشی ادیان



جشنواره جهانگردی، ادیان، اقوام و گفتگوی تمدن‌ها



آمدنو مودیلیاتی
نقاش سرگردان یهودی

تبریک

سال نو عبری ۵۷۶۲

هیئت مدیره انجمن کلیمیان
تهران و هیئت تحریریه نشریه افق
بینا آغاز سال نو عبری ۵۷۶۲ را
به عموم همکیشان تبریک گفته
و سالی همراه با سلامتی و صلح
را برای تمام جهانیان آرزو دارند

افق بینا

فرهنگی - اجتماعی - خبری
ارگان انجمن کلیمیان تهران
سال سوم - شماره ۱۴
مرداد - مهر ۱۳۸۰ شمسی
او ۵۷۶۱ - تیشری ۵۷۶۲ عبری

آگوست - اکتبر ۲۰۰۱ میلادی
مدیر مسئول: هارون یشایایی
سر دبیر: آرش ابائی
همکاران این شماره: لیورا سعید
سارا حی، دکتر یونس حمامی لاله‌زار
ماهیار کهن‌باش، فرهاد افراهمیان
طناز ستاره‌شناس، ماریتا ماهگرفته
نظارت و کنترل صفحه‌آرایی:

فرید طویبان
حروفچینی و صفحه‌آرایی: رزیتا شمسیان
(مرکز کامپیوتر انجمن کلیمیان تهران)
طراحی جلد: کادوس نگاره
لیتوگرافی: رامین

چاپ: ابلاغ
نشانی نشریه: خیابان شیخ‌هادی -

شماره ۳۸۵ - طبقه سوم -
کد پستی ۱۱۳۹۷-۳-۳۳۱۷

تلفن: ۶۷۰۲۵۵۶ - فاکس: ۶۷۱۶۴۳۹

نشانی الکترونیکی:

ofegh_bina@hotmail.com

روی جلد: مجسمه حضرت موسی
اثر میکل آنژ (قرن ۱۵ میلادی)

♦ شوره در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است

♦ نقل مطالب از نشریه یا ذکر منبع و نویسنده

بلامانع است

بینا בינה - در عبری به معنای

آگاهی و بصیرت است

سرمقاله

روش هشانا،

آغاز سال نو عبری

بیم‌ها و امیدها در سال جدید

هارون یشایایی

صدای «شوفار» پژواک حقیقتی ابدی است
که می‌کوشد انسان را از بی‌خبری و
خودخواهی و کینه‌توزی دور سازد و او را به
پیمودن راه حق، تفاهم با یکدیگر و صلح و
برادری و پرهیز از گناه دعوت نماید

آگاهی پیدا کرد، ولی گناه و غفلت همواره دامن‌گیر او است و به همین دلیل است که روزهای روش‌هشانا صدای «شوفار» (دمیدن در شاخ قوچ) در کنیساها به گوش می‌رسد. در واقع صدای «شوفار» پژواک حقیقتی ابدی است که می‌کوشد انسان را از بی‌خبری و خودخواهی و کینه‌توزی دور سازد و او را به پیمودن راه حق، تفاهم با یکدیگر و صلح و برادری و پرهیز از گناه دعوت نماید. در مزامیر حضرت داوود همین انگیزه با پیانی زیبا و ملکوتی ذکر شده است:

«آسمان از شکوه و عظمت خداوند حکایت می‌کند و صنعت دست‌های او را نشان می‌دهد، روز و شب حکمت خداوند را اعلام می‌دارند و بی آنکه سخنی بگویند ساکت و خاموش پیام خود را به سراسر جهان می‌رسانند. آفتاب هر صبح از خانه‌ای که خداوند در آسمان برایش قرار داده است مانند تازه دامادی خوشحال و چون قهرمانی که مشتاقانه منتظر دویدن در میدان است، بیرون می‌آید و از یک سوی آسمان به سوی دیگر می‌شتابد و حرارتش همه جا را فرا می‌گیرد. احکام خداوند کامل است و جان آدمی را تازه می‌سازد. کلام خداوند عدالت است و به مردمان خوب حکمت می‌آموزد ... پس خداوند را شادمانه ستایش کنید».

در آن تاریکی‌ها و این روشنائی انسان امروز چه می‌تواند و چه باید بکند؟

اول اینکه اعتقاد قطعی بر این اصل که در نهایت عدالت بر ظلم و حق بر ناحق و روشنائی بر تاریکی غلبه خواهد کرد، به آدمیان نیرو می‌دهد تا توان خود را در راه حق و خویی به کار گیرند، از مشکلات و موانع بیمی به دل راه ندهند و امیدوار باشند آینده بهتری و روزهایی خوش‌تر در انتظار جهانیان است.

دوم خود را به نیروی عقل و تدبیر و سلامت نفس مجهز کنیم. تعصب، همه چیز را برای خود خواستن، خود را در همه حال صاحب حق دانستن، غرور و خودستایی از قدرت، فرصت‌طلبی، گزافه‌گویی و هزار درد بی‌درمان دیگر بلای جان بشر امروزی است. ولی آیا صاحبان قدرت، ستیزه‌جویان حرفه‌ای، استیلاگران قرن‌ها و دیوهای آدم‌نما به ندای حق توجه خواهند کرد ...؟

ایمان به حقیقت به ما نوید می‌دهد که اگر انسان‌ها بیدار و متحد شوند و در مقابل ظلم و بیدادگری مقاومت کنند، بشریت روزهای بهتری پیش رو خواهد داشت. انشا... ■

سال نو عبری ۵۷۶۲ متاسفانه در شرایطی آغاز شد که غفرت شوم ترور و جنگ در نقاط مختلف جهان سایه افکنده است.

حمله وحشیانه تروریستی به نیویورک و واشینگتن که موجب قتل هزاران نفر از مردم بی‌گناه از جمله شمار فراوانی از یهودیان امریکا شد، جهان را در بهت و حیرت فرو برد. ترس از برخورد بین ادیان و تمدن‌ها همه اجتماعات را فرا گرفت، بی‌خردان از خدا، بی‌خبر و دنیازده بر طبل جنگ‌های صلیبی کوبیدند و حساب چند نفر عصیان زده ناامید را به حساب پیروان این یا آن دین توحیدی گذاشتند و اجساد قربانیان حادثه آسمان‌خراش‌های نیویورک و واشینگتن را وثیقه این فکر جهنمی خود قرار دادند. از طرفی هنوز اجساد قربانیان از زیر آوارها بیرون کشیده نشده بود که هواپیماهای امریکایی در جستجویی موهوم، خانه‌های خشت و گلی مردم مظلوم افغانستان را بر سر زنان و کودکان بی‌دفاع فرو ریختند و آنها را آواره دشت و بیابان کردند.

در گوشه‌ای دیگر از جهان نبرد دائمی و کشت و کشتار روزانه بین فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها همچنان ادامه دارد. زبان گفتگو به تبادل آتش تبدیل شده و تشییع جنازه‌های ظاهراً بی‌پایان و خط و نشان کشیدن جاهلانه، زندگی را برای همه تلخ و ناگوار کرده است. رعایت حقوق دیگران که دستور الهی و انسانی همه ادیان است به فراموشی سپرده شده و گویا انسان به تلخی خو گرفته است. این بخش تاریک زندگی امروز انسان‌هاست که آنها را از صفت انسانی خود دور می‌سازد.

اما همه زندگی چنین نیست، علیرغم تابسانمانی‌های فراوان، زندگی جاری است و زیبایی‌های جهان هستی پابرجا و ابدی است، هر روز طلوع آفتاب با ستایش مومنان آغاز می‌شود و کودکان شادمانه به مدرسه می‌روند و سرود می‌خوانند، انسان‌ها جهانی را که گاه خود خراب کرده‌اند دوباره می‌سازند. این آفرینش توقف‌ناپذیر از آغاز هسی تا ابد ادامه خواهد داشت، گویی بی‌خبری و جهل و نابودی در شریطی جهان را فرا می‌گیرد و در مقابل آن نیرویی ناشناخته دوباره انسان را از خواب غفلت بیدار می‌کند و فرمان می‌دهد که بشتابید زندگی جاری است.

در اعتقادات دینی ما یهودیان گفته شده است که خداوند جهان را در ایام «روش‌هشانا» آفرید و انسان در همین روز به وجود خود

نامه سرگشاده انجمن کلیمیان

و نماینده کلیمیان ایران در مجلس شورای اسلامی

به کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل متحد

جامعه کلیمیان ایران بزرگترین جامعه یهودیان در قلمرو کشورهای اسلامی است و اگر ما توانسته‌ایم با هموطنان خود قرن‌ها با تفاهم و برادری زندگی کنیم و اگر یهودیان در تمام نقاط جهان با مردمان هر کشور زندگی مشترک دارند، چگونه است که حکومت صهیونیست‌ها تحمل زندگی مسالمت آمیز با مردم فلسطین و سایر همسایگان خود را ندارد

جناب آقای کوفی عنان دروهای صادقانه ما را بپذیرید.

آنچه ما را بر آن داشته است تا این نامه را برای شما بنویسیم تاثیر وقایع دردناکی است که این روزها در منطقه خاورمیانه و مخصوصا بین مردم فلسطین و نظامیان اسرائیل می‌گذرد.

آقای دبیر کل! عواملی که موجب نوشتن این نامه شده یکی این است ما خود در این منطقه زندگی می‌کنیم و آنچه را که در پیرامونمان می‌گذرد لمس می‌نمائیم و به عنوان بخشی از ملت بزرگ ایران در این مورد دارای حساسیت ویژه بوده و به سرنوشت مبارزات مردم فلسطین و حقوق آنها علاقه فراوان داریم و دیگر این که ما یهودیان ایرانی هستیم که به لحاظ تعلقات دینی و وجود اقوام و آشنایان خود در کشور اسرائیل نمی‌توانیم چشم بر وقایعی که در آنجا می‌گذرد ببندیم.

آقای کوفی عنان! شما خود آگاهید که دولت‌های قدرتمند چگونه آتش نفاق و جنگ بین ملت‌ها را برافروخته‌اند و اینک موزیانه به تماشا نهشته‌اند.

به عقیده ما همان روزی که آقای شارون قدم زدن در حیاط مسجد الاقصی را آغاز کرد تا موجب جریحه‌دار شدن احساسات فلسطینی‌ها، اعراب و مسلمانان شود و شرایط یک جنگ طولانی را فراهم سازد، به پشتیبانی امپریالیست‌های تجاوزکار اطمینان کامل داشت.

آقای دبیر کل! با کمال تاسف باید پذیرفت که جامعه جهانی و دولت‌های قدرتمند در مقابل این تحریکات عکس العملی نشان ندادند و خصوصا آمریکا که خود را همه‌کاره این ماجرا می‌دانست ناگهان پا پس کشید تا «پسر عموها» هر چه می‌خواهند از یکدیگر کشتار کنند و نابود سازند. گفتنی است که چرا دولت‌های اروپایی و آمریکا سرعت عملی را که مثلا در تصرف کویت از طرف عراق و یا وقایع بالکان و سایر نقاط جهان از خود نشان داده‌اند در مسئله فلسطین نشان نمی‌دهد.

آقای کوفی عنان! جهانیان می‌دانند صهیونیست‌ها و بلندگوهای تبلیغاتی آنها همواره هر اقدام مردم فلسطین را برای احقاق حق خود با واژه تروریزم معنی کرده‌اند و نظام ارزش‌های دینی و تاریخ دیرپای ما یهودیان و همچنین نتیجه فجایع رژیم نازی‌ها در کشتار یهودیان در جنگ جهانی دوم و ستم سایر فاشیست‌های رنگ و وارنگ را در تمام تاریخ وثیقه اثبات ادعای خود اعلام داشته‌اند تا فلسطینی‌ها را از حق خویش محروم سازند.

ولی هر انسان با انصافی می‌تواند از خود بپرسد وقتی که حاکمان اسرائیل اجرای بیش از صد قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل و شورای امنیت و کمیسیون‌های حقوق بشر و حتی توافقنامه‌هایی را که خود آن را امضا کرده‌اند نادیده می‌گیرند و بر طبل جنگ می‌کوبند، ملت فلسطین جز آن که می‌کند چه می‌تواند بکند؟

ما به عنوان شهروندان ایرانی و یهودیان راستین نمی‌توانیم باور کنیم

که جواب فریاد خشم مردمی که دو نسل است در اردوگاه‌ها زندگی می‌کنند با بمب‌های هواپیماهای اف ۱۶ و هلی‌کوپترهای کبرا داده شود. چگونه یهودیان مومن و با فرهنگ می‌توانند کشتار مردمی را تحمل کنند که به موجب اسناد و مدارک دینی ما دارای سابقه زندگی تاریخی در سرزمین‌هایی هستند که به خاطر آن مبارزه می‌کنند.

آقای دبیر کل! ما اندوه بی پایان پدران، مادران و فرزندان که در این جنگ ظاهرا بی پایان عزیزان خود را از دست می‌دهند به خوبی احساس می‌کنیم و به همین دلیل از شما می‌خواهیم تمام امکانات خود را برای قطع این خونریزی‌ها به کار گیرید.

ما از شما می‌خواهیم فریاد اعتراض ما را علیه خشونت و بیدادگری به گوش جهانیان برسانید.

ما می‌خواهیم تاکید کنیم جامعه کلیمیان ایران بزرگترین جامعه یهودیان در قلمرو کشورهای اسلامی است و اگر ما توانسته‌ایم با هموطنان خود قرن‌ها با تفاهم و برادری زندگی کنیم و اگر یهودیان در تمام نقاط جهان با مردمان هر کشور زندگی مشترک دارند، چگونه است که حکومت صهیونیست‌ها تحمل زندگی مسالمت آمیز با مردم فلسطین و سایر همسایگان خود را ندارد.

آقای دبیر کل! جوهره اصلی دین یهود، توحید و احترام به ارزش‌های انسانی است و ما یقین داریم که خودخواهی‌ها و بی توجهی‌های گروهی از یهودیان به حقوق دیگران راه به جایی نخواهد برد.

حاکمان اسرائیل با قلدری و آتش توپ‌ها و تانک‌های خود قادر به تسلیم نمودن ملت قهرمان فلسطین نخواهند بود. هر چشم بینایی می‌بیند که راهی جز برادری و تفاهم و درک یکدیگر برای زندگی صلح‌آمیز و شرافتمندانه وجود ندارد و مسلمانان و یهودیان و مسیحیان با رعایت حقوق یکدیگر و تکیه بر نظام ارزش‌های دینی و اخلاقی خود می‌توانند مبانی یک صلح پایدار را در منطقه و در تمام جهان استوار نمایند.

ما می‌خواهیم شما وجود جامعه یهودیان ایرانی و همبستگی آنها را با ملت دلیر فلسطین به گوش جهانیان برسانید. ما تاکید می‌نمائیم که یهودی بودن ما مانع آن نخواهد بود که حقایق را درک نموده و به گوش جهانیان برسانیم.

ما یقین داریم اولین قدم برای جلوگیری از خونریزی این است که نظامیان اسرائیلی به قوانین بین‌المللی احترام بگذارند و تعرض خود را علیه ملت فلسطین متوقف سازند.

آقای دبیر کل! سیاست‌گذار خواهیم بود اگر این نامه را به عنوان سندی در آرشیو سازمان ملل ثبت نموده و آن را بین اعضای سازمان توزیع نمائید. (۱۳۸۰/۵/۳۰)

موریس معتمد (نماینده کلیمیان ایران در مجلس شورای اسلامی)
هارون یشایایی (رئیس انجمن کلیمیان تهران)



اخبار و رویدادهای داخلی

انتخابات

هیئت مدیره و بازرسان

انجمن کلیمیان تهران

مجمع عمومی عادی سالانه انجمن کلیمیان تهران (نوبت دوم) روز جمعه ۲۶ مرداد در کنسای ابریشمی با حضور جمعی از همکیشان و همچنین خانم فرحناز توکلی، مسئول امور اقلیت‌های دینی وزارت کشور برگزار شد. پس از انتخاب شکرااله خرمی به عنوان رئیس سنی جلسه بازرسین و همچنین مسئولین مختلف کمیته‌های انجمن کلیمیان تهران گزارش عملکرد یکساله خود را به مجمع عمومی ارائه کردند. پس از آن داوطلبین عضویت در هیئت رئیسه، مجمع، خود را معرفی نمودند و اعضای هیئت رئیسه با رای کبی حضار به شرح زیر انتخاب شدند:

دکتر منصور شاریم (رئیس) - شهرام فروزانفر (نائب رئیس) - دکتر ابراهیم برال (ناظر) - ادموند معلمی (ناظر) - ماهیار کهن باش (منشی).

در انتهای جلسه پس از برنامه پرسش و پاسخ میان حضار و اعضای هیئت مدیره و بازرسین انجمن، هیئت رئیسه تاریخ جمعه ۱۶ شهریور را جهت برگزاری انتخابات هیئت مدیره و بازرسین انجمن کلیمیان تهران تعیین کرد. طبق اعلام هیئت رئیسه، ثبت نام از کاندیداهای هیئت مدیره و بازرسی انجمن کلیمیان تهران از روز ۲۸ مرداد شروع و تا پایان وقت اداری روز یکشنبه ۱۱ شهریور ادامه یافت. انتخابات هیئت مدیره و بازرسین انجمن کلیمیان، روز جمعه ۱۶ شهریور در ۶ حوزه انتخابیه در

تهران (کنسایهای یوسف آباد، ابریشمی، پل چوبی، باغ صبا، گیشا و کوروش) رأس ساعت ۹ صبح آغاز گردید. اعضای هیئت رئیسه مجمع عمومی، نمایندگان فرمانداری، نماینده وزارت کشور و همچنین نمایندگان بعضی از کاندیداها بر روند انتخابات و شمارش آرا نظارت کامل داشتند.

نتایج شمارش آرا در ۶ حوزه انتخابیه (۸ صندوق) به این شرح است: مجموع آرا: ۷۴۸ رای.

هیئت مدیره: اسکندر میکائیل جهانگیر جواهری - آقاجان شادی حمیده مسجدی - هارون یشاپایی اسحق کهن صدق - فیض‌اله ساکت‌خو کاوه دانیالی - پرویز اهویم - یهودا آصاف فریدون طوبی - پرویز شب بویی.

اعضای علی‌البدل هیئت مدیره: سعید کامیار - ابراهیم نقرئیان - داوید یومطوبیان - یحیی طالع - نوراله شمیمان - بنیاهو سنبلیان.

بازرسان: فرزاد طوبیان - منوچهر عمرانی - سعید فروزانفر.

عضو علی‌البدل بازرسان: جمشید زرنقیان.

اسامی مسئولان صندوق‌های انتخابات و شمارش آراء به این شرح است:

شهرام شهزاد - شیمعون پورستاره -

دوریتا ریحانیان - بهاره خاکشوی - سیاوش دقیقی نیک - فرشید مرادیان - کیارش دقیقی نیک - پریسا اوریل - مهران خلیل نسب - شیوا رحیمیان - فرید یشار - شهاب شهامی‌فر - صنم داهی - آلفرد شمیمان - دانیل ذریمانی - موسی ثانی - کیوان هارونیان - الهام آبایی - مرجان روضه‌زاده - نگین سلیمانی - امید ماخانی - نوید هارون‌شلی - آزاده ماخانی - میخائیل نقره‌ئیان - داود گوهریان - بهروز مرغزار - فرحناز مرغزار - پیمان ماه‌خاتم - بهروز کدخدازاده - آرش دقیقی نیک - فرهاد افرامیان - پیمان سلیمانی - یوسف نیکوفر - پدرام کهن - نوید یمینی - مریم روضه‌زاده - دانیال داویدیان مقدم - سامان خلیل نسب.

دیدار خانواده‌های زندانیان

یهودی شیراز با رئیس مجلس

خانواده‌های زندانیان یهودی به همراه رئیس انجمن کلیمیان تهران و موریس معتمد نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی روز ۱۴ شهریور با رئیس مجلس دیدار و گفت‌وگو کردند. در این دیدار ابتدا رونوشت نامه نماینده کلیمیان ایران در مجلس و رئیس انجمن کلیمیان تهران خطاب به آقای کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل متحد در محکومیت جنایات رژیم نژادپرست صهیونیستی در کشتار

♦ نشست مقدماتی کنگره بین المللی
دو بانوی مقدس (۲۵ و ۲۶
شهریور)

این کنگره به مناسبت تقارن میلاد دو
بانوی مقدس - حضرت فاطمه و حضرت
مریم - در سال آینده، به همت سازمان
فرهنگ و ارتباطات اسلامی و با حضور
اندیشمندان ادیان توحیدی از سراسر
جهان در محل مجتمع امام خمینی (ره)
برگزار شد.

«چگونگی پیوند نسل حاضر با
الگوهای دینی»، موضوع اصلی دین کنگره
بود.

هارون یشایایی (رئیس کمیته
فرهنگی)، دکتر یونس حمامی لاله زار،
مهندس آرش آبائی و الناولیان هیئت
کلیمی شرکت کننده در این اجلاس را
تشکیل دادند.

آرش آبائی به نمایندگی از جناب
حاجام همدانی کهن (مرجع دینی کلیمیان
ایران)، دیدگاه کلیمیان ایران را درباره
«نقش دینداران در جالش و رویارویی با
بحران معنویت در جهان معاصر» با ارائه
مقاله‌ای بیان کرد. جالب توجه است که
در قطعنامه پایانی کنگره به دبیری دکتر
طوبی کرمانی، نظرات پیشنهادی هیئت
کلیمی، مورد استفاده قرار گرفت.

عنوان دبیر این هیئت از میان پانزده
داوطلب انتخاب شد و قرار شد این
هیئت در اسرع وقت با پژوهش و مشاوره
با افراد صاحب نظر، پیش نویس اساسنامه
فرهنگستان را تدوین و مقدمات تشکیل
مجمع عمومی را فراهم کند.

حضور فعال کمیته فرهنگی در مراسم و سمینارهای فرهنگی اخیر کشور

نهادینه شدن فضای گفتگوی تمدن‌ها
در کشور، از یکسو افزایش چشمگیر
همایش‌ها و فعالیت‌های فرهنگی را با
همفکری و مشارکت تمام گروه‌های
قومی - دینی به دنبال داشته و از سوی
دیگر توجه ویژه به نمایندگان فرهنگی و
دینی جامعه یهودی را برای حضور در
این فعالیت‌ها موجب گشته است.

در ماه‌های گذشته، کمیته فرهنگی
انجمن کلیمیان تهران علیرغم ضعف در
کادر اجرایی، با تمام توان در چندین
برنامه فرهنگی دینی شرکت فعال نموده
است. مشروح دو برنامه «سمینار دین و
محیط زیست» و «همایش اقوام، ادیان و
جهانگردی» در گزارش‌های جداگانه این
شماره درج شده است. در ادامه، فهرست
فعالیت‌های دیگر این کمیته ذکر و در
شماره آتی، مشروح گزارش آنها ارایه
خواهد شد.

مردم بی دفاع فلسطین، تقدیم رئیس
مجلس گردید. سپس خانواده‌های
زندانیان یهودی با اشاره به درخواست
ارائه شده خطاب به مقام معظم رهبری
جهت عفو این زندانیان خواستار پیگیری
این مسئله از سوی رئیس مجلس شورای
اسلامی شدند. همچنین با توجه به در
پیش بودن عید بزرگ کلیمیان و انجام
مراسم روزه بزرگ، خانواده‌های زندانیان
درخواست کردند تا این زندانیان بتوانند با
مساعدت قوه قضائیه و استفاده از مرخصی
در این مراسم مذهبی شرکت کنند.

بر اساس این گزارش، آقای کروی در
این دیدار با اشاره به اینکه در نظام
جمهوری اسلامی ایران همه آحاد مردم با
هر دین و مذهب از حقوق مساوی
برخوردار هستند، اظهار امیدواری کرد که
با کمک و مساعدت قوه قضائیه و سایر
مسئولان ذربسط مسئله و وضعیت این
زندانیان هر چه زودتر روشن گردد.

هارون یشایایی

عضو هیئت مؤسس

فرهنگستان سینمای ایران

روز چهارشنبه هفتم شهریورماه
همزمان با برگزاری پنجمین جشن بزرگ
سینمای ایران با حضور ۳۳ داور جشن
خانه سینما، ۹ نفر به عنوان اعضاء هیئت
مؤسس فرهنگستان سینمای ایران به شرح
زیر تعیین شدند:

هارون یشایایی (رئیس انجمن
کلیمیان تهران و مدیر مسئول نشریه بینا) -
ناصر تقوایی - بزرگمهر رفیعی - جواد
طوسی - محمد تهامی نژاد - محمدرضا
اصلانی - پروانه معصومی - نورالدین
زرین کلک - عباس گنجوی.

همچنین مسعود جعفری جوزانی به





اولین نمایشگاه سراسری فرهنگ و دفاع مقدس



غرفه کلیمنان در نمایشگاه جهانی گفتگوی تمدن‌ها- اصفهان

♦ سومین همایش گفتگوی دینی با واتیکان (۲۷ تا ۳۰ شهریور)

این همایش تحت عنوان «جوانان، هویت و تعلیم و تربیت دینی» با همت مرکز گفتگوی ادیان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با حضور نمایندگان واتیکان در امور گفتگوی بین ادیان برگزار شد. هارون یشایایی، آرش آبائی و افشین سله در مراسم افتتاحیه و جلسات علمی این همایش حضور یافتند.

به همین مناسبت نیز عصر روز یکم مهرماه ضیافت شامی از سوی حجت الاسلام محمد مسجد جامعی مدیر کل هماهنگی‌های امور فرهنگی وزارت امور خارجه به افتخار حضور عالیجناب «فرانسیس آرنیزه» رئیس شورای پاپی گفتگوی بین ادیان واتیکان و هیئت همراه برگزار شد و از نماینده کمیته فرهنگی نیز دعوت به عمل آمد.

♦ اولین نمایشگاه سراسری فرهنگ و دفاع مقدس (۳۰ شهریور تا ۱۰ مهر)

کمیته اجرایی این نمایشگاه که در محل مصلای امام خمینی تهران برگزار شد، از انجمن کلیمنان تهران دعوت کرد تا در بخش ویژه مشارکت‌های مردمی نمایشگاه، غرفه‌ای را به حضور جامعه کلیمنان در دوران دفاع مقدس اختصاص دهد.

کمیته فرهنگی انجمن با تهیه عکس‌های شهیدان کلیمی، اسناد کمک‌های مردمی به جبهه‌های و پوسترها و تابلوهای مرتبط با دفاع مقدس، غرفه‌ای را برای دیدار عموم آماده کرد. آماده سازی غرفه توسط فرهاد افرامیان، پیمان سلیمانی و با نظارت هارون یشایایی (رئیس انجمن) و مهندس موریس معتمد (نماینده کلیمنان در مجلس) انجام شد و تصدی غرفه در مدت برپایی نمایشگاه به عهده فرهاد افرامیان بود.

♦ جشن سال تحصیلی جدید- دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد تهران (۵ مهر)

به دعوت کانون دانشجویان دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، نماینده کمیته فرهنگی انجمن کلیمنان در جشن شروع سال تحصیلی دانشجویان جدید (ورودی ۱۳۸۰) شرکت کرد و در حاشیه برنامه، با مسئول بخش مذهبی کانون و نیز سردبیر مجله «نقطه» از انتشارات آن کانون گفتگو و تبادل نظر کرد.

♦ پنجمین هم اندیشی دین از چشم سینما (۱۶ تا ۱۸ مهر)

به دعوت حوزه هنری پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، هارون یشایایی رئیس انجمن و کمیته فرهنگی، بعدازظهر ۱۶ مهر در محل حوزه در میزگرد «دین، سینما و سازوکارهای اقتصادی» به سخنرانی پرداخت. در این جلسه، جمعی از اندیشمندان همکیش کلیمی و اعضای کمیته فرهنگی حضور داشتند. ■

همچنین مسئولان و متصدیان این نمایشگاه روز ۱۵ مهرماه دیداری با رهبر معظم انقلاب داشتند که از طرف کمیته فرهنگی، آرش آبائی و فرهاد افرامیان در این دیدار حضور یافتند.

♦ نمایشگاه جهانی گفتگوی تمدن‌ها- اصفهان (۵ تا ۹ مهرماه)

کلیمنان اصفهان برای اولین بار در نمایشگاه جهانی گفتگوی تمدن‌ها، غرفه‌ای را به آثار مذهبی و فرهنگی خود اختصاص دادند. آماده سازی این غرفه حاصل تلاش مشترک کمیته فرهنگی انجمن کلیمنان تهران، رئیس انجمن کلیمنان اصفهان (صیون ماهگرفته) و جمعی از جوانان متعهد کلیمی اصفهان به ویژه مهندس موریس یشاریم بود. علیرغم تقارن ایام برپایی نمایشگاه با ۳ روز تعطیلات مذهبی کلیمنان، تلاش پیگیر موجب برپایی به موقع غرفه و استقبال چشمگیر شهروندان اصفهانی شد.

انتخاب نوجوان کلیمی به عنوان داور طلایی

هفته نامه دوچرخه (ضمیمه
همشهری) با همکاری انجمن نویسندگان
کودک و



نوجوان اقدام
به برگزاری
فراخوان
«دوچرخه
طلایی» کرده
است. در این

فراخوان از میان هزاران داوطلب نوجوان
تهرانی و شهرستانی، ۱۱۰ داور طلایی در
دو مرحله برگزیده می‌شوند که آنها
بهترین کتاب سال نوجوانان را انتخاب
می‌کنند.

سبا گرامی نوجوان فعال و کوشای
جامعه کلیمی و دوست وفادار مجله پینا
نیز یکی از این ۱۱۰ داور برگزیده و
جوانترین آنها می‌باشد. وی نیز همچون
دیگر داوران پس از ارسال برگه
درخواست شرکت در فراخوان و برگزیده
شدن در آن، به مطالعه کتاب‌های
مشخصی پرداخته تا به این وسیله ۴۰
کتاب به مرحله نهایی دست یافته و از
میان آنها بهترین کتاب سال برگزیده شود.
ضمن آرزوی موفقیت برای این نوجوان
موفق، شرح برنامه‌ها و فعالیت‌های داوران
طلایی و سبا گرامی در شماره آینده
خواهد آمد.

تشکیل کلاس‌های تابستانی انجمن کلیمیان تهران

پایگاه‌های تابستانی دانش آموزان
کلیمی تهران در تابستان ۸۰ به همت
کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران در ۴
حوزه کنسایهای ابریشمی، کوروش و

مجتمع‌های فرهنگی باغ صبا و سرابندی
تشکیل شدند.

کلاس‌های آموزشی شامل مکالمه
عبری، سیدور و تفیلا، زبان انگلیسی و
آموزش‌های هنری و ورزشی بودند.

کلاس‌ها سه روز در هفته برگزار
شدند، که ۲ روز آن به آموزش و یک روز
به گردش دستجمعی اختصاص داشت.

دانش آموزان در جلسات گردشی از
موزه طبیعی هفت چنار، باشگاه ورزشی
گیبور، کتابخانه مرکزی کلیمیان، «افلا دیو»
تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و
نوجوانان دیدار کردند و چندین جلسه را
نیز در پارک‌های مختلف گذراندند.

شروع دوره ۳ تیرماه و پایان آن ۳۰
مرداد ماه بود و جمعا ۳۲۰ نفر دانش آموز
در مقاطع ابتدایی و راهنمایی در آن
شرکت کردند.

مدیریت اجرای این دوره نابستانی و
نیز سرپرستی پایگاه ابریشمی بر عهده
مهندس روبرت خالدار بود و خانم‌ها
پری حنوکایی، سرور الیاسی و ژیللا
کرمانشاهی سرپرستی سایر پایگاه‌ها را بر
عهده داشتند.

برنامه‌های اخیر

انجمن بانوان کلیمی

♦ ۴ تیرماه: نکاتی از خانه‌داری
(نسرین شکوری) - گزارش سفر
مجارستان (مرجان یشایایی).

♦ ۱۱ تیرماه: نکاتی از خانه‌داری
(نسرین شکوری).

♦ ۱۸ تیر: ایجاد رابطه (دکتر نامور)
- موسیقی سنتی تنبور (شعبانی).

♦ ۲۵ تیر: معنویت (مهندس فرشید
مرادیان).

♦ اول مرداد: تاریخچه ماه آو، ۱۷

تموز، زندگینامه بخت النصر، یشعیا،
یرمیا، گدلیا (النا لایوان).

♦ ۸ مرداد: بدنسازی (ژیللا کهن
کبریت) - موسیقی (رازی).

♦ ۱۵ مرداد: تغذیه و بدنسازی (ژیللا
کهن کبریت) - موسیقی.

♦ ۲۲ مرداد: جشن انجمن بانوان در
تالار محبان، شامل: دکلمه و شعر (النا
لایوان) - گزارش سفر و کنفرانس بانوان
یهود (مرجان یشایایی) - فرح داورپناه -
اجرای موسیقی سنتی.

♦ ۲۹ مرداد: نکاتی درباره آرایش
صورت (فروغ ستهی) - شعر (طالع همدانی).

♦ ۵ شهریور: مسائل یائسگی (دکتر
پروین پدوئیم) - موسیقی سنتی.

♦ ۱۲ شهریور: بحث درباره انتخابات
انجمن کلیمیان (فرنگیس حصیدیم).

گزارش خانه جوانان

یهود تهران

برنامه‌های اخیر خانه جوانان یهود
تهران:

♦ برگزاری پیک نیک به صورت
دسته جمعی (۸ تیر)

♦ مسابقات جدول فارسی و
انگلیسی همراه با جوایز نفیس

♦ برگزاری فیلم‌های سینمایی در
تالار محبان نمایش - فیلم سیب سرخ حوا
(۱۲ تیر)

♦ برگزاری جشن‌های شاد ویژه جوانان
♦ کنسرت موسیقی (۲۵ مرداد)

♦ روز ۳۰ شهریور و در آخرین
جمعه فصل تابستان عده‌ای از جوانان و
نوجوانان همکیش همراه با اعضا و هیئت
مدیره خانه جوانان یهود تهران با در
دست داشتن شاخه‌های گل و شیرینی در
فضایی آکنده از مهر و محبت به دیدار

یادآوری کرد که انسان هنگامی از دیگر موجودات متمایز می‌شود که از عقل و اندیشه خود استفاده کند.

در پایان سخنرانی، رئیس اداره آموزش و پرورش به پرسش‌های حضار پاسخ داد.

جلسه بحث پیرامون گفتگوی تمدن‌ها در کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان

دو تن از محققان رشته مردم‌شناسی دانشگاه تهران با هماهنگی سازمان بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها در ۱۵ شهریورماه جلسه بحث و گفتگویی را با حضور چهار تن از دانش‌آموزان کلیمی برگزار کردند. این محققان که در میان نوجوانان مذاهب مختلف و یا دارای شرایط اجتماعی و فرهنگی گوناگون پرسش‌های خود را مطرح می‌کردند به منظور آشنایی با عقاید نوجوانان کلیمی اقدام به برگزاری این گفتگو کردند.

در این جلسه که در انجمن کلیمیان تهران برگزار شد موضوع گفت‌وگو میان

ارزش خاصی برای فعالیت‌های فرهنگی- اجتماعی قائل هستند با پرسش‌های متعدد، علاقه خود را به آینده گروه دانش‌آموزان نشان دادند. پس از معرفی کاندیداها و انجام رأی‌گیری مخفی هیئت مسئولین دوره نهم انتخاب شد. اسامی این کاندیداهای منتخب به ترتیب آراء به این شرح است: پویا دانیالی، سالیما سامیح، پریسا شومر، دانیل ذریمانی، دانیل ریحانیان، ربکا مناشه‌آف و مسعود آهوییم. در پایان مجمع سوگندنامه توسط نماینده هیئت مسئولین دوره جدید قرائت شد.

مراسم تشویق دانش‌آموزان منتخب

اداره آموزش و پرورش منطقه ۶، چهارشنبه ۱۷ مردادماه با برگزاری مراسم جشنی به منظور تشویق دانش‌آموزان برگزیده علمی- اخلاقی، به آنها لوح تقدیر اهدا کرد. در این مراسم، دانش‌آموزان ممتاز علمی- اخلاقی دبیرستان اتفاق نیز به شرح زیر دعوت داشتند:

اول دبیرستان: سحر صدیقیم، رامونا نوری، غزاله حنوکایی، سونیا میزراهی.
دوم دبیرستان: مهسا فرهمندپور، سارا حی، نازلی حله‌لویان، مونیکا ملکان.
سوم دبیرستان: بهاره نوبهارستان، دبور شومر، مریم پورستاره، مهسا هارونیان.

در این جشن که در سالن اجتماعات اداره برپا شد ابراهیم سلیمی، رئیس اداره آموزش و پرورش منطقه ۶ به ایراد سخنرانی پرداخت. وی دانش‌آموزان را به پویایی و تلاش، تشویق کرده و تأکید نمود که محیط مدرسه باید از صورت معلم محوری خارج شده و شرایط گفت‌وگو به وجود آید. وی همچنین

پدران و مادران خود در مجتمع سرای سالمندان یهودی رفتند و سال نو عبری را به این عزیزان تبریک گفتند.

♦ گروه نوجوانان خانه جوانان تابستان گذشته با برگزاری جلسات مشاوره درسی و کنکور برای دانش‌آموزان و نیز نمایش فیلم به فعالیت مستمر پرداخته است.

♦ بعدازظهر ۱۴ مهرماه در محل خانه جوانان جشنی به مناسبت موعد سوکا برگزار شد. این جشن در سوکایی که توسط اعضا گروه نوجوانان در حیاط خانه جوانان یهود تهران طبق سنوات گذشته برپا شده بود با استقبال زیادی از طرف همکیشان عزیز روبرو شد. در این برنامه پس از سخنان نماینده خانه جوانان و آقایان جلال یاشار، اسکندر میکائیل و آرش آبابی، به تعدادی از نوجوانان که به سن تکلیف رسیده بودند (برمیصوا و بت میصوا) هدایایی اهدا شد.

برگزاری مجمع عمومی گروه دانش‌آموزان

مجمع عمومی عادی گروه دانش‌آموزان (تحت پوشش سازمان دانشجویان یهود) ۹ شهریورماه در ساختمان سرابندی برگزار شد. در این مجمع عمومی که یکی از پربرترین مجمع عمومی‌های این گروه و با استقبال چشمگیر اعضا همراه بود، نمایندگان منتخب دانش‌آموزان برای فعالیت ۶ ماهه (یک دوره) برگزیده شدند. پس از قرائت گزارش نماینده هیئت مدیره و مسئول گروه دانش‌آموزان، جلسه پرسش و پاسخ از هیئت مسئولین دوره هشتم (دوره پیش) صورت گرفت. از آنجا که نوجوانان عضو گروه دانش‌آموزان همواره



اقشار و افراد مختلف جامعه و حتی جهان مورد بحث قرار گرفت و نوجوانان کلیمی این موضوع را امری فرامرزی دانسته و وجود آن را برای بقای جامعه امروزی، امری لازم دانستند.

دانیل ذریمانی، نغمه عرب‌زاده، پویا دانیالی و سارا حی در این گفتگو شرکت کردند.

گفت و گوی تمدنها میان پیروان ادیان الهی منجر به گسترش دوستی ملتها می شود

«گارگین نرسیان» سراسقف اعظم کلیسای ارمنستان، در دیدار با «حسین روحانی» دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران در ایروان گفت: «گفت و گوی تمدنها میان پیروان ادیان الهی، به گسترش دوستی میان ملت ها و کشورها منجر می شود». وی با اشاره به برگزاری هزار و هفتصدمین سالگرد گرایش مردم ارمنستان به دین مسیحیت گفت: «تمام دولت ها و پیروان ادیان الهی باید همت گماشته و زندگی مبتنی بر دوستی و آرامش را برای بشریت تامین و خداپرستی را ترویج کنند».

دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران نیز که ۲۷ تیرماه به صورت رسمی از ارمنستان دیدار می کرد، گفت: «اسلام برای همه ادیان الهی احترام قائل است و آینده جهان را براساس عدالت و صلح دانسته و بازگشت حضرت عیسی (ع) در آن دوران را خبر داده است».

وی پیروان ادیان الهی در ایران را در انجام امور مذهبی کاملاً آزاد خواند و وجود نمایندگان پیروان ادیان الهی در مجلس شورای اسلامی را نشانه همزیستی مسالمت آمیز مسلمانان و پیروان ادیان الهی در ایران دانست. (اطلاعات ۸۰/۴/۲۶)

امنیت بازگشت ایرانیان مقیم خارج

کلیه ایرانیانی که به صورت غیرقانونی از کشور خارج شده اند به دستور رئیس قوه قضاییه بدون هیچ مشکلی می توانند وارد کشور شوند.

ناصر سراج، معاون دادگستری استان تهران و سرپرست مجتمع قضایی امور جنایی و فرودگاه با اعلام مطلب بالا گفت: پیرو حکم ویژه رییس قوه قضاییه که در سال ۷۹ درباره رسیدگی به امور

ایرانیانی که بدون مجوز از کشور خارج شده اند، به من تأکید کردند تا با رأفت اسلامی درباره آنان تصمیم گیری شود.

وی افزود: بر اساس این دستور، با هماهنگی وزارت امور خارجه فرمی برای این منظور تهیه کردم که در آن مشخصات و نحوه خروج هر شخص در آن ثبت می شد، سپس طی بخشنامه ای از تمامی سفارتخانه های ایران در سراسر دنیا درخواست کردیم تا مهاجران غیرقانونی ایرانی را دعوت کرده و در این باره با آنها صحبت کنند. سراج ادامه داد: با توجه به این فرم در مدت یک روز پس از تکمیل کردن آن توسط مهاجر غیرقانونی، حکم درباره او صادر می شود که حداکثر جزای آن براساس ماده ۳۴ قانون گذرنامه ۵۰ هزار تومان است.

وی با اشاره به اینکه تاکنون برای ۳۶۰۰ ایرانی در سراسر دنیا حکم صادر شده است، افزود: این تعداد ایرانی پس از ابلاغ حکم و واریز کردن مبلغ جریمه، از دفاتر کنسولی ایران پاسپورت دریافت کرده اند و بدون هیچگونه منعی وارد ایران شده اند. سراج با تأکید بر این نکته که این فرم ها و صدور حکم تنها برای ایرانیانی است که بعد از ۳۱ شهریورماه سال ۱۳۷۵ اقدام به خروج غیرقانونی از کشور کرده اند، ادامه داد، تمامی مهاجران غیرقانونی ایران که قبل از این تاریخ از کشور خارج شده اند بدون پرداخت هیچ وجهی می توانند به دفاتر کنسولی مراجعه کرده و تنها با پرداخت فرم، پاسپورت دریافت کنند تا بدون هیچ مشکلی وارد کشور شوند.

در همین راستا یک مقام آگاه در وزارت امور خارجه در این باره گفت: هر ایرانی که به دفاتر کنسولی در سراسر دنیا مراجعه کند، خدمات کنسولی برای او انجام می شود و تنها افرادی که کار مؤثر تروریستی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران انجام داده اند و یا در داخل کشور شاکی خصوصی داشته باشند، تحت

تعقیب قضایی قرار می گیرند ولی بقیه افراد ایرانی مقیم خارج کشور که به هر دلیلی حتی مخالفت با نظام خروج غیرقانونی کرده باشند، مجاز به ورود به کشور هستند. (ایران ۸۰/۷/۶)

اخبار و رویدادهای خارجی

یهودیان در شورای مذاهب

بوسنی و هرزگوین

سید همایون امیر خلیلی سفیر جمهوری اسلامی ایران در بوسنی اعلام داشت که هیأتی از اعضاء شورای مذاهب بوسنی و هرزگوین که متشکل از رهبران مسلمانان، مسیحیان کاتولیک، ارتودوکس و یهودیان است، در ماه نوامبر سال جاری میلادی (آبان) به تهران سفر خواهد کرد.

وی افزود: کتاب «امید و تغییر» آقای خاتمی که توسط دکتر مصطفی سربچ به زبان بوسنیایی ترجمه شده است به زودی توسط این هیأت تقدیم رئیس جمهوری ایران خواهد شد.

وی سفر شورای مذاهب به ایران را گامی مهم و مثبت برای گسترش روابط بین تهران و بوسنی بویژه در زمینه فرهنگی دانست.

عذرخواهی

رئیس جمهور لهستان

از یهودیان پس از ۶۰ سال

الکساندر کواسنیوسکی (Alexander Kwasniewski) رئیس جمهور لهستان به نیابت از مردم این کشور به خاطر قتل عام تعدادی یهودی در شصت سال پیش به طور رسمی عذرخواهی کرده است.

شصت سال پیش در روز دهم ژوئیه ۱۹۴۹ بسیاری از اهالی لهستانی شهرک جدوابنه (Jedwabne) واقع در شرق

معماران توافق نامه‌های اسلو و «یوسی سارید» رهبر حزب «میرتس» که از مخالفان چپ دولت فعلی است در تظاهرات حضور داشتند.

(اطلاعات ۸۰/۵/۱۴)

پست الکترونیکی مقدس!

بنابر سستی دیرینه، یهودیان و بسیاری از مسیحیان، تقاضاهای صلح و سلامتی خود به درگاه خداوند را روی کاغذهایی نوشته و داخل شکاف‌های «دیوار غربی» بیت المقدس قرار می‌دهند.

به دنبال افزایش تنش‌ها در منطقه خاورمیانه و شدت یافتن درگیری‌ها در اسرائیل، سفرهای زیارتی به این مکان نیز کاهش یافته است و حاجت‌مندان مشتاق بیت المقدس، دعاها را از طریق پست الکترونیکی در دیوار غربی (ندبه) قرار می‌دهند.

پسایگاه اینترنتی «virtual jerusalem. Com» ماهانه بیش از ۱۵۰۰ نامه را از طریق پست الکترونیک (e-mail) از طرف خارجی‌ها با اعتقادات گوناگون دریافت می‌کند. «دانیلا اسلون» مسئول این پایگاه، طریقه قرار دادن درخواست‌ها را چنین معرفی می‌کند: «متن دعاها در فایل‌های جداگانه در یک فلاپی دیسک ذخیره شده، سپس قاب آن را باز می‌کنند و صفحه مغناطیسی حاوی فایل‌ها را در شکاف سنگ‌های این دیوار مقدس قرار می‌دهند».

(نیوزویک، ۹ جولای ۲۰۰۱)

بنیاد اسپیلبرگ

و نسل کشی یهودیان

بنیاد مبارزه با یهودستیزی اسپیلبرگ، اقدام به تهیه یک فیلم ویدیویی مستند از شرح حال بیش از ۵۰ هزار یهودی کرده

حضور بسیاری از بستگان قربانیان و نمایندگان انجمن‌های یهودی، تایید کرد که کشتار ساکنان یهودی این شهر روز دهم ژوئیه ۱۹۴۱ به وسیله لهستانی‌ها صورت گرفته است.

از یک سال پیش به این طرف، روزنامه‌های آلمان و نویسندگانی در لهستان و آلمان، اشاره‌هایی کرده بودند که نازی‌ها در سوزاندن یهودیان روستای «یدواونه» دخالتی نداشتند و این عمل به وسیله خود شهروندان و همسایگان این یهودیان تدارک دیده شده و به آن صورت انجام پذیرفته است.

(ایترنت (B.B.C))

تظاهرات ضد جنگ در

تل آویو

بعد از ظهر روز شنبه چهارم آگوست ۲۰۰۱ برابر سیزدهم مردادماه جاری هزاران نفر از یهودیان اسرائیلی در تل آویو در اعتراض به افزایش سیاست نظامی‌گری رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های فلسطینی تظاهرات کردند. به گزارش خبرگزاری فرانسه از تل آویو این تظاهرات که شعار آن «جنگ بی فایده با فلسطینی‌ها پس است» بود، به درخواست جنبش ضد استعماری «اکنون صلح» در برابر وزارت دفاع اسرائیل برگزار شد.

«موریا شلمو» مسئول جنبش «اکنون صلح» گفت: «ما امروز دیگر نمی‌توانیم همانند کبک باشیم و چشم خود را بر واقعیات ببندیم. برخلاف تبلیغات جناح راست، گزینه‌ای دیگر برای قطع جنگ وجود دارد و آن آتش بس نظارت شده از سوی ناظران بین المللی و بازگشت به میز مذاکرات است».

«یوسی بیلین» وزیر سابق و یکی از

لهستان تعداد ۱۶۰۰ نفر از ساکنان یهودی منطقه را با توسل به زور به سوی یک کاهدان متروکه راندند و آنها را که تمام جمعیت یهودی آن شهر را تشکیل می‌دادند، زنده زنده آتش زدند.

ده‌ها سال است که کشتار یهودیان «یدواونه» به حساب نیروهای آلمان نازی که در آن موقع لهستان را تحت اشغال خود داشتند، گذاشته شده بود.

تحقیقاتی که اخیراً به طور رسمی در لهستان به عمل آمده نشان می‌دهد که هر چند نازی‌ها مشغول کشتارهای



دسته‌جمعی ۳ میلیون یهودی در لهستان بودند؛ اما قتل عام ۱۶۰۰ یهودی شهر «یدواونه» به دست اهالی محلی صورت گرفته است.

در مراسمی که ۱۸ تیر به همین مناسبت در این روستا برپا شد آقای کواشنیوسکی از این موضوع به عنوان یک واقعه دردناک که وجدان ملت لهستان را عذاب می‌دهد یاد کرد.

وی که سخنانش به طور مستقیم از تلویزیون لهستان پخش می‌شد افزود: «این یک جنایت خشونت بار بود، آن یهودیان، قربانیان بی‌دفاعی بودند. ما برای این جنایت هولناک از ارواح و خانواده قربانیان طلب بخشش می‌کنیم. امروز من به عنوان یک انسان، یک شهروند و رئیس جمهور لهستان به خاطر این واقعه پوزش می‌خواهم.» او با عذرخواهی رسمی و در

که همه آنها موفق به نجات از واقعه یهودی کشتی نازی‌ها (هولوکاست) در جنگ جهانی دوم شده‌اند.

به گزارش رویتر، این بنیاد که به استیون اسپیلبرگ (کارگردان مشهور هالیوود) تعلق دارد از شرح حال یهودیان و خانواده‌های قربانیان برای ساخت یک مدرک تاریخی مستدل به منظور نگرش تبعیض و تعصب موجود در قرن گذشته بهره گرفته است.

اسپیلبرگ به این خبرگزاری گفته است: «هر بازمانده به عنوان یک شاهد زنده حرف‌های زیادی برای گفتن دارد و می‌تواند از تکرار محدود چنین جنایاتی در قرن بعد جلوگیری کند». رویتر در پایان به نقل از سخنگوی این بنیاد یادآور شد: «هدف از تهیه این فیلم ویدیویی، آگاه‌سازی افکار جهانی نسبت به یکی از نسل‌کشی‌های قومی در قرن اخیر است». (ایران ۸۰/۵/۲۸)

گروه‌های یهودی خواستار افشای اسناد هولاکاست توسط واتیکان شدند.

گروه‌های کثیری از یهودیان سراسر جهان از سازمان‌های بین‌المللی خواستند تا واتیکان را مجبور به افشای اسناد خود کند. این گروه‌های یهودی معتقدند که واتیکان اطلاعات بسیاری درباره کشتارهای دسته جمعی یهودیان در زمان جنگ جهانی دوم موسوم به هولاکاست دارد که ارایه آنها به محققان می‌تواند حقایق بسیاری را روشن نماید.

کاردینال والتر کاسپر (walter kasper) یکی از اعضای دفتر اسناد واتیکان، در این باره اعلام کرد که براساس مصوبه اعضا در ۲۱ ژوئن، این

دفتر اجازه ندارد تا اسناد پس از سال ۱۹۲۳ را در دسترس عموم قرار دهد. (بولتن اخبار دین - مهر ۸۰)

سرقت سازهای موسیقی یهودیان به دستور هیتلر

بر پایه آخرین اطلاعاتی که از یک سری اسناد نظامی تازه منتشر شده آمریکایی به دست آمد، مشخص شد که مجموعه نفیسی از اسباب و آلات موسیقی بسیاری از نوازندگان، در جریان جنگ جهانی دوم، توسط نازی‌های آلمان به سرقت رفته بود.

این آلات موسیقی نفیس که هم اکنون قیمت هر یک بیش از یک هزار پوند برآورد شده، به دستور هیتلر، توسط هیئت اعزامی ویژه‌ای در جریان جنگ جهانی دوم، از منازل بسیاری از یهودیان مصادره شد. گفتنی است این هیئت ویژه با عنوان Music Action Team در جریان نسل‌کشی یهودیان، به همراه ارتش آلمان در سراسر اروپا با یورش به منازل مسکونی نوازندگان، اموال با ارزش آنها را، مصادره کرده و سپس آنها را به اردوگاه‌های کار اجباری می‌فرستادند.

فرانسیس آکس، نوازنده ویلون ارکستر سمفونی شیکاگو، از جمله یهودیانی بود که پس از محاصره منزلش توسط نیروهای هیتلر، به اردوگاه‌های کار اجباری فرستاده شد. او می‌گوید: «وقتی جنگ به پایان رسید، به جستجوی دوستان قدیمم پرداختم، اما هیچک را نیافتم. نه دوستانم را و نه سازهایم را، همه چیز تباہ شده بود.» (جام جم ۸۰/۷/۱۱)

اعطای کمک‌های دولتی به گروه‌های مذهبی آمریکا جورج بوش، رئیس جمهوری آمریکا

در سالگرد استقلال این کشور، بار دیگر کمک به گروه‌های مذهبی را در جهت اجرای طرح‌های اجتماعی مطرح ساخت. بوش در ویلادلفیا، در مدخل یک بنای تاریخی موقعیت را مغتنم دانست و بر طرح کمک به گروه‌های مسلمان، مسیحی و یهودی در رفع معضلات اجتماعی تاکید کرد. بر اساس پیام رئیس جمهوری آمریکا، آزادی مذهبی می‌تواند به مفهوم آزادی برای گروه‌های مذهبی باشد که با کمک مالی دولت، طرح‌های اجتماعی را اجرا کنند.

بوش گفت: اسناد بنیان‌گذاران آمریکا در اصل به ما آزادی مذهبی اعطا می‌کند، این بنیان‌گذاران در عمل به ما آزادی مذهبی را نشان می‌دهند.

بوش پیشنهاد کرد که کلیساها، مساجد و کنیسه‌ها بدون نفی اصول دینی خود، قادر باشند در خدمات اجتماعی رقابت کنند.

رئیس جمهوری آمریکا افزود: امروز من از کنگره خواهم خواست قوانینی را تصویب کند که گروه‌های مذهبی را در کارهای مهم عالم المنفعه تشویق و ترویج نمایند و هرگز علیه آنها تبعیض قابل نشود. پیشنهاد بوش، با انتقادات شدید کنگره روبرو شده است.

(همشهری ۸۰/۴/۱۶)

اینترنت و رهبران جهان اسلام

روزنامه لیبراسیون چاپ پاریس در مقاله‌ای تحت عنوان «اینترنت و قوانین اسلام» نوشت هم اکنون استفاده از اینترنت به یک موضوع بحث‌برانگیز بین رهبران مذهبی مسلمان جهان تبدیل شده است.

طالبان :

غیر مسلمانان باید نشانه‌ای را به لباس خود وصل کنند تا از مسلمانان شناخته شوند.



(نیوزویک، ۴ ژوئن ۲۰۰۱)

در این مقاله آمده است به تازگی سوالی مطرح شده است که چگونه می‌توان نماز و عبادات را بوسیله اینترنت انجام داد.

به نوشته لیبراسیون احتمالاً بر روی این سوال فتوایی نیز از سوی رهبران مذهبی صادر خواهد شد. در این مقاله آمده است، تابحال فتوای زیادی از سوی رهبران مذهبی مسلمان جهان بر علیه و یا موافقت با اینترنت صادر شده است.

به نوشته لیبراسیون از نظر شریعت اسلام و اظهار نظر چه به حرف، چه با نامه، چه با تلفن و یا با اینترنت در مورد طلاق اشکالی ندارد. این مقاله می‌افزاید در کشورهای امارات متحده عربی و کویت نیز معتبر بودن پیام‌های الکترونیکی در اجرای طلاق بحث زیادی بین رهبران مذهبی برانگیخته است. در بخش دیگری از این مقاله در ارتباط با کشور افغانستان آمده است، وکیل احمد متوکل وزیر امور خارجه طالبان از اواسط ژوئیه استفاده از اینترنت را ممنوع اعلام کرده است.

(نوروز ۸۰/۵/۱۱)

گروه ضد غیبت

واشنگتن - گروهی از کشیش‌ها، سیاستمداران و فیلمسازان آمریکایی قصد دارند با تشکیل یک گروه منسجم، عمل زشت غیبت کردن را در میان مردم کاهش دهند. این گروه در آینده‌ای نزدیک از طریق تبلیغات تلویزیونی، پخش و نصب پوستر در اتوبوس‌ها و قطارهای مترو، مردم را تشویق به ترک کردن این عادت زشت می‌نمایند. در این گروه هنرمندان مشهوری چون تام کروز و نیکول کیدمن و چند سناتور سرشناس عضویت دارند.

(مهری ۸۰/۷/۱۴)

تابلو در ازای صلح

یک گروه ناشناس که اثری معروف از «مارک شاگال»، نقاش یهودی فرانسوی را در اواخر ژوئن از موزه یهودی «نیویورک» به سرقت برده است، در نامه‌ای اعلام کرده فقط در ازای صلح خاورمیانه، تابلو را پس خواهد داد.

این نامه را موزه یهودی چند روز پس از سرقت تابلوی معروف نقاش روس تبار فرانسوی که در سال ۱۹۱۴ کشیده شده، دریافت کرده است. روزنامه «نیویورک تایمز» به نقل از منابع پلیس نوشته است، این گروه که خود را «کمسیون بین‌المللی هنر و صلح» می‌خواند، اطمینان داده است که تابلو در جایی امن و در شرایط خوب نگهداری می‌شود. موزه یهودی نیویورک برای پیدا کردن این تابلو که در ۸ ژوئن دزدیده شده، ۲۵ هزار دلار جایزه تعیین کرده بود. تابلوی «شاگال» یک نقاشی رنگ روغن به ابعاد ۱۰ در ۲۵ سانتیمتر است و صحنه زمستان را در «ویتبسک» (روسیه سفید)،

شهر زادگاه نقاش، نشان می‌دهد. این تابلو به یک کلکسیون خصوصی تعلق دارد و ارزش آن حدود یک میلیون دلار برآورد شده است.

فوائد نماز خواندن برای بیماری فشار خون

براساس تحقیقات جدید افراد مومن و مذهبی بیش از سایرین عمر می‌کنند، و دلیل آن مرتب نماز خواندن است که باعث کاهش فشار خون آنان می‌شود. به گزارش خبرگزاری آلمان از فرانکفورت، محققان فشار خون ۱۵۵ آمریکایی مسلمان آفریقایی تبار را که ۲۵ تا ۴۵ سال سن داشتند بطور ۲۴ ساعته اندازه‌گیری کردند و دریافتند فشار خون این افراد پایین‌تر از حد متوسط است. این افراد دارای اعتقادات راسخ مذهبی بوده و بطور مرتب نماز می‌خوانند.

(جمهوری اسلامی ۸۰/۵/۹)

برخی از تهیه کنندگان اخبار:

فرهاد افرامیان - فرهاد روحانی -
روبرت شیرازیان - روبرت خالدار -
سارا حی - مهرنوش آسیابان -
ماهیار کهن‌باش - النالاولیان



گزارش مسابقات فوتسال

روبرت شیرازیان

کمیته جوانان انجمن کلیمیان تهران به مناسبت تعطیلات تابستانی و همبستگی و وحدت کلیمیان و مسلمانان مسابقه‌هایی در مجموعه ورزشی حیدرآباد برگزار کرد. روز سه‌شنبه ۱۹ تیرماه در سالن شهید شیخ اسلامی مجموعه ورزشی حیدرآباد سه مسابقه برگزار شد که نتایج آنها به شرح زیر است:

دیدار اول: تیم فوتسال جوانان گیبور کلیمیان تهران ۲ (۲ گل شیمعون دانیالی)، تیم فوتسال جوانان خرمشاد ۳. بازیکنان تیم فوتسال جوانان گیبور کلیمیان تهران: ناتان نامدار - بنیامین دانیال مفرد - فرزاد یهودااف - فرشید سعیدیان - سفیر قاطان فرد - گاد ابراهیمی - شیمعون دانیالی - شهرام پورستاره - گبریتل گیدانیان - دیوید بنایزدی (کاپیتان) - بنیامین ریحانیان - شهرام شادمان - مربی: فرهاد دانیال مفرد - سرپرست: مهران دانیال مفرد. در این دیدار امید محمدزاده دروازه‌بان تیم خرمشاد بهترین بازیکن شناخته شد.

دیدار دوم: تیم بسکتبال نوجوانان گیبور کلیمیان تهران ۲۹، تیم بسکتبال نوجوانان جانباز ۳۹.

اسامی تیم بسکتبال نوجوانان گیبور کلیمیان تهران: الیاهو رفوا - نادر کی‌پور - امید عاقلیان - مازیار اخوان - نوید شمیمان - پدرام یاشارئل - ژاکوب ملایم - مسعود آهویی - (کاپیتان) - فرشاد افرامیان - پویا یاشارئل - پرهام یاشارئل - آرش طلاسازان - مانی شب‌بویی - مربی و سرپرست تیم: روبرت شیرازیان. در این دیدار نادر کی‌پور از تیم گیبور بهترین چهره میدان انتخاب شد.

دیدار سوم: تیم فوتسال بزرگسالان گیبور کلیمیان تهران ۶ (۲ گل فرید دانیال مفرد - ۲ گل فرهاد دانیال مفرد - دیوید ابراهیمی و دانیل شمیمان)، تیم بزرگسالان فوتسال خرمشاد ۵.

اسامی تیم بزرگسالان فوتسال گیبور کلیمیان تهران: هومن جواهری - میشل آبگینه‌ساز - دیوید ابراهیمی - کامبیز حمای

(کاپیتان) - بنیامین ریحانیان - مربی: فرهاد دانیال مفرد - سرپرست: مهران دانیال مفرد. در پایان این دیدار علی جان شفاتیان از تیم جوانان خرمشاد بهترین بازیکن شناخته شد.

دیدار دوم تیم فوتسال بزرگسالان گیبور: ۱۲ گل (۹ گل فرهاد دانیال مفرد - ۲ گل فرید دانیال مفرد - موریس حکیمیان)، تیم فوتسال بزرگسالان خرمشاد: ۵ گل. در مجموع رفت و برگشت، تیم گیبور ۱۸ بر ۱۰ پیروز شد.

اسامی تیم فوتسال بزرگسالان گیبور کلیمیان: ناتان نامدار - فرید دانیال مفرد (کاپیتان) - فرهاد دانیال مفرد - دانیال نقره‌ئیان - دیوید ابراهیمی - موریس حکیمیان - امید شمیمان - دانیال شمیمان - مربی: فرید دانیال مفرد - سرپرست: مسعود دانیال مفرد.

در این دیدار فرهاد دانیال مفرد بازیکن موفق و با تکنیک تیم گیبور کلیمیان که به تنهایی زننده ۹ گل بود، چهره برتر زمین شناخته شد.

در این مسابقه هارون یشایایی ریاست انجمن کلیمیان و پرویز گرامی، مسئول کمیته جوانان حضور داشتند و از ورزشکاران قدردانی کردند.

الهام حکیمی مجری مسابقات و روبرت شیرازیان مسئول برگزاری مسابقات از طرف کمیته جوانان بودند. در این دو دوره مسابقات از داوران برجسته و بین‌المللی کشور استفاده شده بود و حسن میرزا آقاییک و ناصر فریادشیران برای برگزاری مسابقات با کمیته جوانان انجمن همکاری داشتند.

گزارش مفصل این بازی در روزنامه کیهان ورزشی ۸۰/۶/۱۹ به چاپ رسید.

همچنین در دیدار دوستانه دیگری در سالن همام، تیم بسکتبال نوجوانان گیبور ۱۹ بر ۳۳ بازی را به تیم بسکتبال نوجوانان جانباز واگذار کرد.

نسب - امید شمیمان - فرید دانیال مفرد (کاپیتان) - دانیال شمیمان - موریس حکیمیان - آرش اسنادی مقدم - فرهاد دانیال مفرد - مربی: فرید دانیال مفرد - سرپرست: مسعود دانیال مفرد. در پایان این بازی آقای فرید دانیال مفرد به عنوان بهترین بازیکن شناخته شد.

در این مسابقه مهندس موریس معتمد نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی ضمن حضور در ورزشگاه به سخنرانی پرداخت و به وحدت بیشتر مسلمانان و کلیمیان اشاره و از ورزشکاران تشکر نمود.

روبرت شیرازیان مسئول این مسابقات از طرف کمیته جوانان و مهرنوش آسیابان منشی مسابقات بود.

مشروح گزارش این مسابقات همراه با عکس در هفته‌نامه دنیای ورزش مورخ ۶ مرداد به چاپ رسید.

کمیته جوانان در ادامه برنامه‌های ورزشی خود مسابقات برگشت فوتسال با تیم‌های خرمشاد را نیز برگزار نمود.

این مسابقات اول شهریور در سالن ورزشی حیدرآباد با حضور عده کثیری از تماشاچیان کلیمی و مسلمانان برگزار شد. از نکات قابل توجه، تشویق مسلمانان برای تیم گیبور بود.

دیدار اول: تیم فوتسال جوانان گیبور کلیمیان تهران ۷ گل (۳ گل شیمعون دانیالی - ۲ گل امید شمیمان - گبریتل گیدانیان - شهرام پورستاره)، تیم فوتسال جوانان خرمشاد ۸ گل. در مجموع دیدار رفت و برگشت، تیم خرمشاد ۱۱ بر ۹ به پیروزی دست یافت.

اسامی تیم فوتسال جوانان گیبور کلیمیان: ناتان نامدار - سفیر قاطان فرد - بنیامین دانیال مفرد - فرشید سعیدیان - گبریتل گیدانیان - شیمعون دانیالی - شهرام پورستاره - تنن ماه‌گرفته - فرزاد یهودااف - دیوید بنایزدی - گاد ابراهیمی - دانیال نقره‌ئیان - امید شمیمان

بررسی کیفی فعالیت کلاس‌های تابستانی

گروه گزارش

سازمان دانشجویان یهود ایران



اشاره: دانش‌آموزان کلمیسی تهران در مقاطع ابتدایی و راهنمایی تابستان ۸۰ را در پایگاه‌های فرهنگی که به همت کمیته فرهنگی انجمن کلمیسیان تهران در ۴ حوزه کنیسه‌های ابریشمی، باغ صبا، کوروش و مجتمع سرابندی برپا شده بود، سپری کردند. گزارش زیر، فعالیت‌های این پایگاه‌ها را مورد نقد قرار می‌دهد.

۱- کنیسه‌ای ابریشمی

در این پایگاه حدود ۶ کلاس عبری و کلاس‌های آموزشی-تفریحی شامل: آموزش زبان انگلیسی و ورزش برگزار می‌شود. از نکات مثبت این پایگاه می‌توان به برنامه‌ریزی دقیق و کلاس‌بندی مناسب اشاره کرد. لازم به ذکر است که هر روز صبح بعد از قرائت تفیلای شحریت به دانش‌آموزان و هنرجویان صبحانه داده می‌شود و در خلال این برنامه، مراسم پراخاها و دیگر فرایض مذهبی اجرا می‌شود. سپس کلاس‌ها یکسره ادامه دارد.

اکثر دانش‌آموزان از این نکته ناراضی بودند که زمان کلاس‌های این پایگاه کم است و در دو ماه نمی‌توان به نتیجه مطلوب دست پیدا کرد.

علاوه بر این در کنار این زمان محدود، برنامه‌های گردش متنوع نیز وقت زیادی را از آنان طی روز می‌گیرد و برای رفع این مشکل پیشنهاد شد که کلاس‌ها تا اواخر شهریور ادامه داشته باشد.

علیرغم بهبود امکانات، از تعداد دانش‌آموزان این پایگاه کاسته شده که ریشه‌یابی

این امر می‌تواند در بالا بردن سطح فرهنگی-علمی و هنری جامعه موثر باشد. همچنین می‌توان به کاسته شدن روزهای کلاس از ۵ روز در هفته به ۳ روز نسبت به سال گذشته اشاره نمود.

۲- مجتمع سرابندی

انجمن کلمیسیان در محل ساختمان سرابندی اقدام به برگزاری کلاس‌های متفاوت نموده است. سه کلاس عبری در سطوح مختلف و کلاس‌های آرایش و زبان انگلیسی.

از عمده مشکلات این پایگاه آن است که زمان برگزاری کلاس‌های عبری با بقیه کلاس‌ها تداخل دارد. از این رو دانش‌آموزانی که مایل باشند همزمان در کلاس عبری و یکی دیگر از کلاس‌های فوق شرکت کنند نمی‌توانند بهره لازم را از کلاس‌ها ببرند، زیرا هر کلاس در یک زمان برگزار می‌شود و وی می‌تواند صرفاً در یک کلاس حضور داشته باشد. و مورد دیگر این که دو کلاس تفریحی این پایگاه فقط مختص دختران می‌باشد و امید است که برنامه‌هایی برای پسران این پایگاه نیز در نظر گرفته شود. از دیگر ایرادهای این پایگاه آن که کلاس زبان انگلیسی که برای سنین زیر ۱۲ سال برگزار می‌شود، هماهنگی و برنامه زمان‌بندی شده مشخصی ندارد و گاه مدرسی که در این کلاس‌ها تدریس می‌کنند مجبورند در وسط ساعت درسی، جای خود را عوض کنند تا دیگر کلاس‌های تفریحی برگزار شود. در کنار تمام مسائل فوق وجود نظم در محل یادگیری تأثیر مهمی در امر آموزش و شکل‌گیری شخصیت نوجوانان خواهد داشت

که متأسفانه در ساختمان سرابندی توجه زیادی به این امر نمی‌شود.

در انتها توجه به این نکته ضروری است که کودکان و نوجوانان با توجه به اقتضای سشان در طول روز احتیاج به تفریح و بازی نیز دارند و لازم است برای کسانی که در طول تابستان در کلاس‌های فوق العاده شرکت می‌کنند این امکان فراهم آمده باشد که مابین کلاس‌های مختلف ساعتی هم به بازی بپردازند.

در گفتگویی که با معلمان و مدرسان آن پایگاه انجام شد، ایشان بر این نکته تأکید داشتند که در گردش‌های علمی و محیط آموزشی، گاه وظایفی خارج از مسئولیت‌ها به ایشان محول می‌شود که این خود می‌تواند باعث دلسردی این عزیزان و پایین آمدن کیفیت مطلوب آموزش شود.

۳- کنیسه‌ای کوروش

کلاس‌های این مجتمع در محل کنیسه‌ای کوروش برگزار می‌شود که به دو رده تقسیم شده‌اند و برای هر رده یک آموزگار در نظر گرفته شده است. گروه اول شامل دانش‌آموزان اول تا چهارم ابتدایی و گروه دوم شامل دانش‌آموزان پنجم ابتدایی و مقطع راهنمایی می‌باشد. همانطور که ملاحظه می‌شود در هر گروه چهار تقسیم‌بندی از لحاظ سنی و سطح دانش وجود دارد که این امر دارای نارسایی‌هایی نیز می‌باشد.

کلاس‌های مجتمع کوروش شامل مکالمه انگلیسی، مکالمه عبری، نقاشی، کاردستی (گوبلن) و ورزش هستند.

از مشکلات موجود در این کلاس‌ها فقدان تقسیم‌بندی صحیح از لحاظ سطح

گزیده مناسبت‌های مذهبی کلیمیان در سال ۵۷۶۲ عبری

تنظیم: دکتر یونس حمامی لاله‌زار

۱- روش هشانا ۶/۱۵/۱۵۶۲ آغاز سال نو عبری ۵۷۶۲/۱۵/۱۵۶۲

سه‌شنبه و چهارشنبه ۲۷ و ۲۸ شهریور ۱۳۸۰ - اول و دوم تیشری. نخستین روزهای سال جدید عبری هستند که طبق عقیده یهود اعمال سال گذشته انسان‌ها در محکمه الهی مورد بررسی قرار می‌گیرند و سرنوشت سال آینده آنها تعیین می‌گردد. هر دو شب مراسم ویژه‌ای در خانه‌ها اجرا می‌شود.

۲- تعنیت (روزه) واجب گدلیا ۱۵/۱۵/۱۵۶۲

پنج‌شنبه ۲۹ شهریور - ۳ تیشری - این تعنیت به یادبود کشته شدن «گدلیا بن اخیقام» برگزار می‌شود.

۳- یوم کیور ۱۵/۱۵/۱۵۶۲

پنج‌شنبه ۵ مهر - ۱۰ تیشری - در این روز تعنیت (روزه) بزرگ یهودیان برای پذیرش توبه همراه با مراسم باشکوهی در کنیساها برگزار می‌شود. در شب و روز کیور مجموعاً پنج نوبت تظلم به همراه مراسم سلیحوت برگزار می‌شود. همچنین دو نوبت نیز تورا قرائت می‌گردد. پایان مراسم کیور با نواختن شوقار، خواندن عرویت و انجام هودالا صورت می‌گیرد.

۴- جشن سوکوت ۱۵/۱۵/۱۵۶۲

سه‌شنبه ۱۰ مهر - ۱۵ تیشری - جشن سوکوت به یادبود معجزه ابراهیم الهی در محافظت بنی‌اسرائیل در سال‌های حضور در بیابان، برگزار می‌شود. مهمترین ویژگی‌های این موعود، سکونت دائمی در سوکا (سایبانی که سقف آن با شاخ و برگ یا حصیر پوشیده و در فضای باز احداث شده است) و تهیه مجموعه چهار محصول (لؤلؤ) می‌باشد. این موعود هفت روز به طول می‌انجامد.

۵- هوشناربا ۱۵/۱۵/۱۵۶۲

دوشنبه ۱۶ مهر - ۲۱ تیشری - در هفتمین روز سوکوت، رسم است که از شب قبل در کنیساها حضور می‌یابند و تا صبح به قرائت متون تعیین شده می‌پردازند. خلاصه‌ای از مراسم سلیحوت نیز در این شب برگزار می‌شود.

۶- شמיני عصرت و سیمحا تورا ۲۱/۱۵/۱۵۶۲

سه‌شنبه و چهارشنبه ۱۷ و ۱۸ مهر - ۲۲ و ۲۳ تیشری - «شמיני عصرت» یک موعود جدید است و دعای باران خوانده می‌شود. در روز سیمحاحاتورا، ضمن هفاقا (گردش) به دور سفرتورا، جشن پایان قرائت آخرین پاراشای تورا و آغاز دوباره آن، برگزار می‌شود.

۷- جشن حنوکا ۱۸/۱۵/۱۵۶۲

دوشنبه ۱۹ آذر - ۲۵ کیسلو - این جشن به مناسبت پیروزی یهودیان حشمونائی به رهبری «متتیا کهن گادول» بر شرکین یونانی برگزار می‌شود. در این واقعه معبد بت‌همیقداش (بیت المقدس) از تصرف یونانیان خارج و دوباره افتتاح شد. این جشن به مدت هشت روز ادامه می‌یابد.

۸- تعنیت واجب طوت ۲۵/۱۵/۱۵۶۲

سه‌شنبه ۴ دی - ۱۰ طوت - این تعنیت به مناسبت محاصره اورشلیم توسط سپاه بختالنصر برگزار می‌شود. این تعنیت از نیمه شب شروع و تا تاریکی کامل روز سه‌شنبه ادامه می‌یابد.

۹- جشن ایلاتوت ۱۰/۱۵/۱۵۶۲

دوشنبه ۸ بهمن - ۱۵ شواط - ایلاتوت به عنوان آغاز سال درختان مشهور است و آن را شروع حیات دوباره درختان نیز دانسته‌اند. در شب ایلاتوت از میوه‌های متنوع به یادبود این جشن استفاده می‌کنند.

۱۰- تولد و وفات حضرت موسی

سه‌شنبه ۳۰ بهمن - ۷ آذر - مشه ربنو (حضرت موسی) در ۷ آذر سال ۲۴۶۸ عبری متولد شد و ۱۲۰ سال بعد در همان روز در سال ۲۴۸۸ عبری رحلت نمود.

۱۱- شبات زاخور ۷/۱۵/۱۵۶۲

شنبه ۴ اسفند - ۱۱ آذر - طبق فرمان خداوند در تورا، باید خاطره مبارزه عمالقی با بنی‌اسرائیل و معجزه الهی در آن واقعه یادآوری شود. در این شبات، قسمتی از تورا که مربوط به این موضوع است قرائت می‌شود و کلیه افراد جامعه (به شرط رعایت قوانین شبات) موظف به استماع آن هستند. در این شبات متن «ظلم می‌کردم» درباره واقعه پوریم خوانده می‌شود.

۱۲- تعنیت واجب استر ۱۳/۱۵/۱۵۶۲

دوشنبه ۶ اسفند - ۱۳ آذر - این تعنیت یادبود فرمان مردخای به پیشنهاد استر در واقعه پوریم است که جهت خنثی کردن توطئه هامان (وزیر آشوروش پادشاه ایران) یهودیان سه شبانه‌روز تعنیت گرفتند و در چنین روزی با گرفتن تعنیت به مبارزه با دشمنان خود پرداختند. تعنیت استر از نیمه‌شب شروع و تا تاریکی هوا در دوشنبه شب ادامه می‌یابد.

۱۳- جشن پوریم ۱۳/۱۵/۱۵۶۲

سه‌شنبه ۷ اسفند - ۱۴ آذر - این جشن به یادبود توطئه هامان برگزار می‌شود. شرح واقعه پوریم در یکی از متون مقدس یهود به نام «مگیلات استر» ثبت شده است که این متن را در دو نوبت، شب و روز پوریم در کنیساها (یا هر مکانی از اجتماعات یهودی) قرائت می‌کنند. شنیدن این متن و براخای آن در هر دو نوبت بر کلیه افراد واجب است. در کنار این موضوع، فرستادن هدیه برای دوستان و کمک به مستمندان از دیگر فرایض این جشن است.

۱۴- تعنیت نخست‌زادگان ۱۴/۱۵/۱۵۶۲

چهارشنبه ۷ فروردین ۱۳۸۱ - ۱۴ نیسان - در این روز نخست‌زادگان ذکر به یادبود معجزه الهی در آخرین ضربت به مصریان، تعنیت (روزه) می‌گیرند. این تعنیت از نیمه‌شب شروع و تا تاریکی کامل هوا و شروع مراسم قیدوش ادامه می‌یابد. کسانی که صبح ادینه پسخ در مراسم خاصی شرکت کنند از ادامه تعنیت معاف خواهند شد. همچنین روز چهارشنبه تا حدود ساعت ۱۰ مجاز به خوردن حامص هستند و تا حدود یک‌ساعت بعد می‌توان حامص در اختیار داشت.

۱۵- جشن پسخ ۱۴/۱۵/۱۵۶۲

پنج‌شنبه ۸ فروردین - ۱۵ نیسان - این جشن یادآور واقعه عظیم خروج بنی‌اسرائیل از مصر و آزادی از ظلم و ستم فرعون و شرکین می‌باشد. این جشن به مدت هشت روز ادامه می‌یابد و در تمام این ایام، استفاده از مواد حامص (کندم و جو یا فراورده‌های ورامده شده آنها) ممنوع است. دو روز اول و دو روز آخر آن یوم‌طوو و تعطیل کامل (مانند شبات) هستند.

در شب‌های اول و دوم پسخ مراسم قیدوش، آیین ویژه «سدر» طبق مندرجات کتاب هگادا شل پسخ برگزار می‌شود. پایان ایام پسخ و زمان مجاز برای خرید و استفاده از حامص پس از تاریکی کامل هوا در عصر روز پنج‌شنبه ۱۵ فروردین است.

۱۶- جشن شاوووعوت ۱۵/۱۵/۱۵۶۲

جمعه ۲۷ اردیبهشت - ۶ سیوان - این جشن که به مدت دو روز برگزار می‌شود به یادبود اعطای تورا (ده فرمان) به بنی‌اسرائیل در کوه سینای می‌باشد. شب ششم سیوان، جماعت در کنیساها گرد هم آمده و تا صبح به قرائت تورا و سایر متون می‌پردازند و در صبح مراسم ویژه شاوووعوت برگزار می‌شود. این دو روز یوم طوو (تعطیل کامل مذهبی) می‌باشند.

۱۷- تعنیت واجب هفدهم تموز ۶/۱۵/۱۵۶۲

پنج‌شنبه ۶ تیر - ۱۷ تموز - این تعنیت به مناسبت‌هایی چون شکسته شدن دو لوح اولیه ده فرمان و ورود رومیان به شهر اورشلیم برگزار می‌شود. تعنیت از نیمه شب آغاز و تا تاریکی روز بعد ادامه می‌یابد. از این تاریخ تا دهم ماه آو، ایام سوگواری بوده و از برگزاری مراسم شادی خودداری می‌شود.

۱۸- تعنیت واجب نهم آو ۱۷/۱۵/۱۵۶۲

پنج‌شنبه ۲۷ تیر - ۹ آو - مهمترین مناسبت این روز، دو بار ویرانی معابد اول و دوم بت‌همیقداش می‌باشد. این تعنیت از قبل از غروب آفتاب بعدازظهر چهارشنبه شروع و تا تاریکی کامل روز پنج‌شنبه ادامه می‌یابد.

۱۹- آغاز ایام سلیحوت ۹/۱۵/۱۵۶۲

یکشنبه ۲۰ مرداد - ۳ آو - دوره چهل روزه اول آو تا دهم تیشری (یوم کیور) به عنوان ایام ویژه توبه شناخته می‌شوند. در این ایام، مراسم ویژه‌ای به نام سلیحوت (بخشایش) در کنیساها (و معمولاً قبل از تقیلا شحریت) برگزار می‌شود. زمان شرعی سلیحوت از نیمه‌شب شرعی (حدود ساعت ۱:۱۰ بامداد) شروع می‌شود.

۲۰- روش هشانا ۳۰/۱۵/۱۵۶۲

شنبه ۱۶ شهریور ۱۳۸۱ - اول تیشری

شخص معنوی ۶

شخص نورانی

محسن قانع مجیدی

چندی پیش دوست عزیز سؤالی کرد که خود عمری را با آن سؤال سر کرده بودم. سؤال این بود: شخص معنوی و نورانی چگونه شخصی است؟ ویژگی‌های شخص معنوی چیست؟ گفتم معلوم است، مرده را زنده و زنده را عاشق می‌کند و عاشق بستری می‌شود برای وصال پی در پی. او گفت: آیا واقعا مرده را زنده می‌کند؟ گفتم: ناچه تعریفی از این جمله داشته باشیم. آیا آنگاه که معرفت بر چیزی ندادی نسبت به آن چیز و حتی خودت، مرده محسوب نمی‌شوی، و اگر بتوانی آن معرفت را در خود بیافرینی، دگربار زنده نمی‌شوی؟ معرفت ورزی نسبت به یک پدیدار نه تنها تو را نسبت به او نزدیک می‌کند، بلکه آن پدیدار را نیز دگربار نو و نوتر می‌کند. پس فرد اهل معرفت هم خود را نو می‌کند و هم آن پدیداری را که با او رابطه برقرار کرده است، هم خود را می‌میراند و دگربار زنده می‌کند هم آنچه که به آن می‌اندیشد. اما با کدام ویژگی؟ به نظر می‌رسد با این دو ویژگی:

اولین خصوصیت شخص معنوی آن است که حضوری امنیت‌آفرین دارد. یعنی در کنارش احساس امنیت و آرامش می‌کنی. به اصطلاح رفتار قابل مکاشفه و باز می‌شود. بدین ترتیب حجاب‌ها را پس می‌زند و تو را به خودت می‌شناساند. البته توجه داشته باش که این حضور امنیت‌آفرین، حس احترام متقابل را نیز ایجاد می‌کند. به عبارت بهتر شخص معنوی از طریق نیرویی درونی که در تو پدید

شخص معنوی دو ویژگی دارد:

حضور امنیت‌آفرین

و مدام نو شونده

حضور در کنار شخص معنوی آشکار می‌شود. حضوری که می‌تواند نسبتی مستقل میان آدمی با پدیدارهای اطرافش به وجود آورده و او را از دام تکرار و توهم برهاند. پس شخص معنوی آن نیست که شیشه می‌خورد، یا با گذاردن دستش بر روی بدن یک بیمار غده بزرگی سرطانی او را غیب می‌کند، اینان شخص معنوی نیستند، دست آخر می‌توانند فردی تلقی شوند که دارای قدرت ویژه‌ای است. همانطور که گفتیم، شخص معنوی دو ویژگی دارد: حضوری امنیت‌آفرین و مدام نو شونده.

نه در زندان تکرارم: که سنگی در دامنش بت می‌شود.
نه در بند تقلیدم: که حیوانی به سرانجامش می‌پوسد.
نه از تبار انتظارم: که تمامی منتظران بی‌دست زاده شدند.
نه در پی تاجرانم: که در بازار تجربه‌ای فردای خود را حراج می‌کنند.
نه مشتاق زهدم: که در اضطراب گناه ناکرده‌ای بزم حال را انکار می‌کنند.
نه همسفره عابدانم: که هستی را به کفاره گناه کوچکی زندان کرده‌اند.
نه همسان عالمانم: که در بازی تجربه‌ای خود را فرزند حقیقت می‌پندارند.
من از تبار عاشقانم، آنان که به بام معرفت می‌روند و در شکوه هماغوشی آفتاب و باران، تولدی دوباره می‌یابند.

می‌آورد، نمی‌گذارد در مقابلش بی‌ادبی کنی. البته ابزار او شلاق و زندان نیست، ابزار او ایجاد حس خشیت در ماست. توجه داشته باشیم که خشیت ترس نیست، ترس پدیده‌ای است که حاصل اعمال زور بیرونی است، حاصل شلاق و مقام است. اما خشیت حسی است که در مقابل فرد معنوی از درون آدمی برمی‌خیزد. فرد معنوی تنها با این بدن مادی رابطه برقرار نمی‌کند، او بدن دیگری هم دارد. بدنی که آن را نمی‌بینی. اما آن را احساس می‌کنی، چون تشنه‌ای که صدای پای آب را احساس می‌کند.

دومین خصوصیت فرد معنوی آن است که دائما از کیسه خود هدیه‌ای جدید بیرون می‌کشد. او همیشه حرف و معرفت نویسی در آستین دارد. در کنارش کسل نمی‌شوی، چرت نمی‌زنی، غر نمی‌زنی، به اصطلاح نمی‌خواهی فلنگ را ببندی و بگریزی. گذر زمان را احساس نمی‌کنی، انگاری هر لحظه افقی جدید و بیکران در معنویت پیدا می‌کند، مدام دریچه‌های جدید به سوی خودآگاه خلاق درونیت گشوده می‌شود، برای مثال حافظ یا مولانا، شکسپر و پتهوون افرادی معنوی‌اند. هنوز هم که به سراغشان می‌روی اندیشه و معرفتی نو به ما عرضه می‌کنند.

می‌گویند روزی گروهی به نزد عارف بزرگوار «شیخ ابومدین» رفتند و در صحبت‌هایشان مدام از این و آن نقل قول می‌کردند، شیخ گفت: ما در اینجا گوشت مرده نمی‌خوریم! گوشت زنده چه دارید؟ از خودتان بگویید! در اینجا است که نتیجه

HAPPY SUKKA



جشن سوکوت [سایه بان ها]

חג הסוכות

رحمن دلرحیم

یکی از مظاهر این طرز تفکر قربانی کردن ۷۰ گاو نر در ۷ روز عید بود. این گاوها را برای سلامت ۷۰ ملل جهان قربانی می نمودند. این عمل، همبستگی یهودیان را با تمام ملل جهان نشان می دهد

امسال پانزدهم ماه عبری تیشری برابر ۱۰ مهرماه مصادف با اولین جشن مذهبی سوکوت می باشد.

کلمه سوکوت جمع کلمه عبری «سوکا» است که معنی آن سایه بان می باشد. روز پانزدهم ماه عبری تیشری جشنی است بمناسبت خروج بنی اسرائیل از مصر، که سوکوت (سایه بان ها) نام گرفته است به معنای بیرون آمدن از خانه بندگی به سایه بان آزادی. در حالی که خروج از مصر در ۱۵ ماه نisan بوده است ولی به ما دستور داده شده است که سوکوت در ماه تیشری اجرا گردد.

(تورات سفر لاویان فصل ۲۳ آیات ۳۳ و ۳۴ و ۴۲ و ۴۳):

«خداوند به حضرت موسی فرمود: به بنی اسرائیل متکلم شده، بگو در پانزدهم ماه هفتم (تیشری) جشن سوکوت هفت روز برای خدا می باشد. هفت روز در سایه بان ها ساکن شوید همه یهود در سایه بان ها ساکن شوند تا نسل های شما بدانند که زمانی که بنی اسرائیل را از مصر خارج کردم آنها را در سایه بان ها نشاندم.»

کتاب ذخریا (ذکریای نبی) فصل ۱۴ آیه ۱۶:

«روزی می شود که از تمام ملت ها به اورشلیم می آیند، هر سال به زیارت خواهند آمد و به حضور خداوند سلطان لشکریان سجده و عبادت نمایند و عید سایه بان ها را جشن بگیرند.»

«امر نشستن در سوکا این است که انسان در مدت هفت شبانه روز همان طوری که در منزل خود سایر ایام سال را می خورد و می نوشد و زندگی می کند

همانطور هم در سوکا آن را عملی کند. مدت هفت روز (در سرزمین مقدس) و مدت هشت روز (خارج از سرزمین مقدس) در سوکا چه در روز و چه در شب می خورند و می نوشند و می خوانند» (کتاب هارامبام قوانین سوکا).

برگزاری عید سوکوت به یادگار چهل سالی است که یهودیان پس از خروج از مصر بطور مداوم در حرکت بودند. عید سوکوت علاوه بر معنی و خصوصیت اصلی اش به عنوان یک عید یهودی، دارای یک جنبه جهانی هم می باشد. این جشنی است که در آن یهودیان پیام مخصوصی برای افراد بشر می فرستند و در آن هسته ای از اعتقاد به ماسیح موعود (ناجی جهان) دارد. یکی از مظاهر این طرز تفکر قربانی کردن ۷۰ گاو نر در ۷ روز عید بود. این گاوها را برای سلامت ۷۰ ملل جهان قربانی می نمودند. این عمل، همبستگی یهودیان را با تمام ملل جهان نشان می دهد. بدین طریق یهودیان به تمام ملت های جهان اعلام می داشتند که بدون رضایت خدا و دخالت او در سرنوشت انسان ها، جهان نمی تواند باقی بماند.

سوکوت در ایام جمع آوری محصول برگزار می شود. عید شاوروعوت (اعطاء تورات) اولین برداشت حاصل است، حاصلی که در بهار کاشته شده است. سوکوت هم عید جمع آوری محصول در پاییز است. نام دیگر سوکوت «حگ هاآسیف» است یعنی عید جمع آوری محصول. در این عید پدران ما به خانه خدا در اورشلیم می رفتند تا از خداوند از حاصل زمین که به آنها داده است شکرگزاری نمایند.

سوکوت ۵ روز بعد از یوم کیپور (روژه بزرگ) شروع می شود، یعنی ۱۵ ماه عبری تیشری و این جشن ۹ روز ادامه دارد. از این ۹ روز، هفت روز آن سوکوت است و روز هشتم به نام «شمینی عصرت» خوانده می شود و تورات مقدس در کتاب لاویان فصل ۲۳ آیه ۳۶ می فرماید:

«در روز هشتم اجتماع مقدس برای شما باشد و هدیه آتشین برای خداوند بگذرانید، این تکمیل عید است، هیچ کاری (غیر از پخت و پز) نکنید.» علمای یهود می گویند که روز هشتم سوکوت روز مخصوصی است و ارتباطی به عید سوکوت ندارد و همینطور روز نهم که «سیمحت تورا» یعنی شادی تورا می نامند به عید سوکوت اضافه شده است. جشن سیمحا تورا به مناسبت به انجام رسیدن قرائت پنج جلد تورات در عرض یک سال برگزار می شود. در همان روز اولین فصل از جلد اول تورات بلافاصله قرائت می شود. بدین وسیله علاقه یهودیان به خدا و قوانینش ابراز می شود.

گفته شد که عید سایه بان ها (سوکوت) عید جمع آوری محصول هم می باشد، چون جشن جنبه کشاورزی دارد پس از جمع آوری محصول به پاس نعمت های بیکرانی که خداوند به ما ارزانی داشته است، چهار نوع از محصولات زمین را در دست گرفته و براخا (دعای مخصوص را می خوانیم. این چهار نوع عبارتند از ترنج، شاخه درخت خرما، شاخه درخت مورده و شاخه درخت بید.

این عمل را طبق فرمانی که در تورات (سفر لاویان فصل ۲۳ آیه ۴۰) داده شده است انجام می دهیم:

«در روز اول میوه درخت مرکبات (نیکو)، شاخه درخت خرما، شاخه های

بریت مילה

ختنه (میل) در روز هشتم تولد

دکتر مریم عربزاده

ویتامین K یکی از عوامل ضروری جهت لخته شدن خون می باشد و بدون وجود آن خونریزی متوقف نمی شود.

بدن ما قادر به ساخت این ویتامین نمی باشد، بلکه این ماده توسط باکتری های مفید موجود در روده ساخته می شود و توسط بدن ما جذب می شود. در هنگام تولد، روده نوزاد استریل و فاقد هرگونه باکتری می باشد، به همین دلیل نوزاد نیز فاقد این ویتامین ضروری جهت انعقاد خود است. با مرور زمان و تغذیه نوزاد، تعدادی از باکتریها از جمله باکتریهای مولد ویتامین K از طریق دهان وارد دستگاه گوارش نوزاد می شوند و ویتامین K را تولید می کنند. بطوریکه تقریباً یک هفته زمان لازم است تا میزان ویتامین K در بدن نوزاد به حد مورد نیاز جهت انعقاد طبیعی برسد و روز هشتم زمانی اطمینان بخش از نظر سطح خونی این ویتامین و امکان انجام عمل جراحی بر نوزاد می باشد. (به خصوص در زمانی که بشر فاقد علم کافی در مورد فرآیند انعقاد خون و عوامل دخیل در آن بوده است). بعید نیست که با دستاوردهای جدید پزشکی در آینده پرده از رازهای بیشتری در تأیید این قانون و قوانین دیگر الهی برداشته شود ■

همراه با برداشتی از "نوزادی بهترین سن ختنه است" نوشته دکتر فاطمه اعلمی (همشهری ۱۰/۳/۲۹)

خد.اوند در تورات، سفر برشیت (پیدایش)، فصل ۱۶، آیه ۱۲ می فرماید: «هر مذکری را نسل اندر نسل، هشت روزه برای خود میل (ختنه) کنید.»

مذهباست که پزشکان در مورد لزوم ختنه و فواید آن به باور رسیده اند. در کشور امریکا بدون آنکه الزام مذهبی داشته باشند، اغلب نوزادان پسر در همان روزهای اول تولد ختنه می شوند؛ بطوریکه شایع ترین عمل جراحی در امریکا، ختنه است. سازمان بهداشت جهانی نیز این عمل ساده را برای حفظ کلیه ها در پسرچه ها مفید دانسته و انجام آن را در دوران نوزادی توصیه می کند. از فواید شناخته شده ختنه می توان به کاهش بیماریهای مقاربتی و سرطان اشاره کرد. علاوه بر این، شیوع عفونت ادراری در پسرچه هایی که ختنه می شوند، بسیار کمتر است. آمار مختلف شیوع عفونت ادراری در پسرچه های ختنه نشده را تا ۲۰ برابر ذکر می کند. از آنجا که کلیه ها در سنین پایین آسیب پذیرند و بروز عفونت در سالهای اولیه عمر گاهی منجر به نارسایی مزمن و مادام العمر کلیه ها در کودک می شود، "نوزادی" بهترین سن ختنه است و کلیه پزشکان در این مورد اتفاق نظر دارند، مگر در شرایط خاصی که نوزاد نارس باشد یا به علت بیماری خاصی قادر به انجام آن نباشند.

با توجه به روشن شدن لزوم ختنه در اولین روزهای نوزادی شاید این پرسش مطرح شود که چرا در آیین یهود، روز هشتم برای انجام آن مقرر شده است و برای مثال انجام آن در هفته اول نوزادی تعیین نشده است؟

درخت مورد و بیدهای (کنار) نهر، برای خودتان بگیرید. در حضور خد.اوندتان هفت روز شادی کنید».

علمای یهود بکار بردن این چهار نوع محصول زمین را در نماز عید سوکوت به دو صورت توجیه کرده اند:

توجیه اول: ترنج به شکل قلب است و شاخه نخل خرما شبیه ستون فقرات انسان و برگ مورد به شکل چشم و برگ بید به شکل لب می باشد. اینها اعضای هستند که مجری بیشتر اعمال انسان می باشند. با براخایی (دعایی) که می خوانیم از خد.ا می خواهیم که همواره بتوانیم با عقل سلیم و ایمان کامل، آن اعضاء را تحت اختیار خود بگیریم.

توجیه دوم: مردم دنیا چهار نوع هستند: ۱- کسانی که ایمان کامل و رفتار سالم دارند. «ترنج» طعم خوب و بوی مطبوعی دارد. پس شبیه گروه اول انسان هاست. ۲- کسانی که تحصیلات و اطلاعات کامل دارند ولی مراسم مذهبی را به جا نمی آورند. «شاخه های درخت خرما» هم میوه خوبی دارد ولی معطر نیست پس شبیه گروه دوم است.

۳- کسانی که اطلاعات و معلومات مذهبی کاملی ندارند ولی اعمال و رفتارشان خوب و شایسته است. «شاخه مورد» میوه ندارد ولی بوی آن مطبوع است پس نماینده گروه سوم انسان ها می باشد.

۴- کسانی که معلومات مذهبی ندارند و رفتارشان هم خوب نیست. «شاخه درخت بید» میوه ندارد و بوی مطبوعی هم از آن استشمام نمی شود بنابراین نماینده گروه چهارم از انسان ها است.

پس این چهار نوع محصول زمین چهار گروه از مردم را که در هر جامعه ای وجود دارند نمایش می دهد. انسان هایی که در جامعه زندگی می کنند در برابر همدیگر مسئول هستند زیرا اعمال و رفتارشان و ایمانشان در سرنوشت افراد دیگر جامعه مؤثر است. هر کدام از این افراد معلومات و رفتارهای مختلفی دارند و روی هم جامعه را تشکیل می دهند. با جمع آوردن این چند نوع گیاه در یک بسته، صفات نیکو یعنی اتحاد و همبستگی و همکاری در میان گروه های مختلف جامعه، حتی آنهایی که علم یا عمل مناسب مذهبی نیز ندارند، نمایش داده می شود ■

بیگانه می‌مانیم ؛ اگر گفت‌وگو نکنیم

گزارش از: جعفری (گیو) - نمازی

گوهر ادیان در تضاد و تقابل ذاتی با یکدیگر نیست، بلکه تفسیرها و برداشت‌های پیروان آنها، سبب بروز اختلافات و رویارویی‌ها می‌شود



بپردازیم.

تمامی ادیان، راه‌های مختلف رسیدن به خداوند و همگی رسیدن به وحدت و یگانگی را نوید می‌دهند

آرش آبایی به این سؤال چنین جواب می‌دهد: «دین با گفت‌وگو شروع می‌شود. خداوند در ادیان با بشر سخن می‌گوید. خداوند با پیامبران گفت‌وگو می‌کند و پیامبران نیز مهمترین راه تبلیغ دین را گفت‌وگو دانسته‌اند. تمامی ادیان، راه‌های مختلف رسیدن به خداوند و همگی رسیدن به وحدت و یگانگی را نوید می‌دهند. کما اینکه حضرت ارمیای نبی می‌گوید: «روزی خواهد رسید که خداوند یکی خواهد بود و نام او نیز یکتا خواهد شد». خداوند که یگانه هست، اما چنان می‌شود که حتی همه با یک نام و به یک شیوه خدا را یاد خواهند کرد.»

فرشید مرادیان می‌گوید: گفت‌وگو پایه آگاهی است. آنچه باعث تناقض می‌شود، آگاهی نیست، بلکه بی‌اطلاعی و ناآگاهی هست. آگاهی علاوه بر عقلانی بودن باید حسی هم باشد. تقریباً همان چیزی که عرفا به آن رسیده‌اند. در عرفان، معنویت درونی و اتصال به آن عنصر مطلق است که حائز اهمیت است.»

ادیان گوناگون همگی جوهره مشترکی دارند. آنها انسان را به ایمان آوردن به خدا و آخرت و انجام اعمال نیک دعوت کرده‌اند و همگی به رعایت کرامت انسان معتقدند. پس چگونه است که علی‌رغم این اشتراک‌های اصولی

آمادگی بیشتری پیدا خواهیم کرد.» آربی کشیش‌زاده می‌گوید: «تمامی ادیان الهی از برابر و برادر بودن انسان‌ها صحبت کرده‌اند. و اصلی مهم‌تر از «محبت» در دنیا نیست. ما همه برادر و برابر هستیم و طبق گفته عیسی مسیح، خداوند پدر آسمانی ما است. در کتاب مقدس، در کتاب اشعای نبی چنین می‌بینیم که «و گرگ با بره سکونت خواهد داشت و بزغاله و پلنگ با هم خواهند خوابید و گوساله و شیر با هم، و طفلی کوچک آنها را خواهد راند و گاو با خرس خواهد چرید و بچه‌های آنها با هم خواهند خوابید و شیر چون گاو گاه خواهد خورد.» این صلح جهانی است و ما به عنوان کسانی که آینده را خواهیم ساخت باید دنبال این ایده باشیم، نه جنگ و تقابل.»

سوان شیروانیان می‌گوید: آدم، پیرو هر دین و مکتبی که باشد، قبل از هر چیز یک انسان است. همانطور که فرشاد گفت، هر جا که ادیان الهی مقابل هم ایستاده‌اند، جز خونریزی و زشتی چیزی حاصل نشده است. پس از قرون وسطی، وقتی با انقلاب مارتین لوتر، پروتستان از کاتولیک جدا شد، بسیاری از مسیحیان، در جنگ با هم کشته شدند. حتی در دنیای امروز، که به ظاهر خیلی مدرن است، در ایرلند، کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها که حتی متعلق به یک دین هستند به جنگ و خونریزی مشغولند. ما باید به دلیل این که متعلق به جامعه بزرگ بشری هستیم، به گفت‌وگو و تبادل نظر

اشاره: روز جمعه ۱۹ مردادماه به دعوت هیئت تحریریه روزنامه نوروز (صفحه سی‌و‌ش) جلسه هم‌اندیشی با موضوع گفتگوی بین ادیان در محل تحریریه این روزنامه با شرکت جوانان صاحب‌نظر از ادیان مختلف برگزار شد.

از جامعه کلیسی، خانم آرزو یعقوب‌زاده و آقایان مهندس فرشید مرادیان و مهندس آرش آبائی حضور داشتند. از مسیحیان، آربی کشیش‌زاده، سوان شیروانیان و آرتین شهبازیان، از زرتشتیان، فرشاد فرهی‌فر و از مسلمانان مینا متقی، مهرناز مهاجری و ب. رضازاده شرکت کردند.

در بخش اول این جلسه، حاضران در اهمیت گفتگو و مفاهیم بین ادیان از دیدگاه دینی خود سخن گفتند. در بخش دوم، علل وجود اختلاف و مشکلات بین دین‌ها و مذاهب مختلف، وضعیت اقلیت‌های دینی در ایران و راه‌حل‌های رفع مشکلات و اختلافات برای دستیابی به آرامش و صلح پایدار در جهان بررسی شد. در پایان این هم‌اندیشی که ۳ ساعت به طول انجامید، رابطه ملیت ایرانی و اعتقاد دینی مورد بحث قرار گرفت. چکیده این بحث به نقل از روزنامه نوروز مورخ ۲۱ شهریور ۸۰ در ادامه می‌آید:

هم‌اندیشی سی‌و‌ش با این پرسش آغاز می‌شود که آیا به عنوان جوانان ایران امروز اصلاً به گفت‌وگوی ادیان معتقد هستید؟

فرشاد فرهی‌فر پاسخ می‌دهد: «جمله‌ای هست که می‌گوید: تاریخ معلم انسان‌هاست. با یک نگاه ساده به تاریخ بشر درمی‌یابیم هر جا که ادیان رویاروی هم ایستاده‌اند، هیچ پیروزی‌ای وجود نداشته و تنها به خونریزی انجامیده است و امروز چهره زشتی دارد. من به گفت‌وگوی ادیان معتقدم و فکر می‌کنم به وسیله این گفت‌وگو، من زرتشتی، با شناخت بیشتری که از سایر ادیان خواهم یافت، برای یک زندگی مسالمت‌آمیز

انسان‌ها به جایی می‌رسند که در رابطه با دینشان مقابل هم می‌ایستند و به اختلاف و جنگ می‌رسند؟

آرش آبایی نظر خود را در این خصوص چنین بیان می‌کند: «هر چیزی هدفی دارد، که دور شدن از این هدف، به مفهوم فاصله گرفتن از حقیقت آن چیز است. مثلاً هدف علم پزشکی نجات جان انسان‌هاست. اما آنجا که یک پزشک هدفش تنها کسب درآمد می‌شود، حتی جان انسان‌ها را به خطر می‌اندازد. دین نیز چنین است. هدف ادیان نزدیک کردن مردم به خداوند و به یکدیگر است. اما از آنجا که انسان خطاپذیر است، گاهی دین در واقع گاه برای رسیدن به یک هدف شخصی، تفسیری از دین می‌شود که اصولاً با ماهیت اصلی دین در تضاد است. از دیگر مواردی که اختلاف بین ادیان مختلف را دامن می‌زند، روشن نشدن برخی مفاهیم است. فرض کنید من در حال حاضر یک مدرک علمی معتبر دارم. این مدرک من در دیگر کشورها تا زمانی که ترجمه نشود، هیچ اعتباری نخواهد داشت. شما در یک کشور خارجی تا پولشان را تبدیل نکنید، قادر نخواهید بود چیزی بخرید. ادیان نیز هر یک مفاهیمی دارند که چون ترجمه نشده‌اند، یعنی مفهومشان بیان نشده است، برای دیگران غیر قابل پذیرش و بی‌اعتبار می‌نمایند. گفت‌وگو نکردن، سبب بیگانه ماندن می‌شود.

آنچه باعث تناقض می‌شود، آگاهی نیست، بلکه بی‌اطلاعی و ناآگاهی هست. آگاهی علاوه بر عقلانی بودن باید حسی هم باشد

نکته دیگر، قدرت دین است. هر چه چیزی قدرت بیشتری داشته باشد، ابزارهای کترلی قوی‌تری هم می‌طلبد. یک اتومبیل به ترمز قوی‌تری احتیاج دارد تا یک دوچرخه. دین به انسان قدرت می‌دهد. فرد مؤمن، ابزار قوی‌ای دارد که

دلیل قدرت ناشی از فراوانی نیروی انسانی خود، کمتر با گشودن باب گفت‌وگو با دیگرانی که در اقلیت قرار دارند، علاقه نشان می‌دهد. از دوستان جوانمان که با نام اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند، نظرشان را در این مورد جویا می‌شویم.

تا زمانی که من در کشورم احساس آزادی و راحتی بکنم، مطمئناً تعلق بیشتری به کشورم خواهم داشت. اما اگر بخواهند من را بیگانه و میهمان به حساب بیاورند، مجبورم بیشتر به کلمی بودم اتکا کنم تا ایرانی بودنم

آرش آبایی می‌گوید: «در هیچ جای دنیا چنین نیست که اکثریت، جامعه را طبق خواسته اقلیت اداره کند. به عنوان مثال مسیحیت در ایران اقلیت را تشکیل می‌دهد، اما مثلاً در یک کشور اروپایی اکثریت است.

طبیعی است که در هر یک از این جوامع اقلیت باید زحمت بیشتری بکشد تا خود را با نظام اکثریت وفق بدهد. همیشه در جوامع بی‌ثبات، گروه‌های کوچک اجتماعی آسیب می‌بینند، چه اقلیت نژادی، چه دینی، چه فکری. در ایران نیز به نظر من در طول تاریخ همین وضعیت وجود داشته است. البته در شرایط فعلی و آرام شدن وضعیت اجتماعی، تازه مسئله گفت‌وگو طرح می‌شود. در واقع مشکل اقلیت‌ها در تمام دنیا به یک شکل است و مختص ایران نیست. این که ما احساس می‌کنیم بخشی از مسائل مان مورد توجه قرار نگرفته است، به دلیل کوتاهی‌های خود ماست و از عدم فعالیت فرهنگی ما نشأت گرفته است. ما خودمان را به مردم کشورمان آن طور که واقعاً هستیم نشان داده‌ایم. حالا به این خاطر که امکانات نداشته‌ایم یا اینکه ندانسته‌ایم از چه راهی وارد شویم. همین کاری که ما اینجا داریم انجام می‌دهیم، یعنی گفت‌وگو، یکی از راه‌های آشنایی ما با یکدیگر است. ما حدود دو سالی است

اگر کنترل صحیحی روی آن نداشته باشد، این قدرت مهار نشده، ممکن است سبب فساد در او شود. ما باید گوهر ادیان را درک کنیم. آنجاست که می‌فهمیم علی‌رغم نمادهای متفاوت، همه آنها یک هدف را دنبال می‌کنند.»

سوان شیروانیان می‌گوید: «ما در ظاهر نزدیک به دو میلیارد مسیحی، یک میلیارد مسلمان و حدود سیزده میلیون یهودی در دنیا داریم؛ آیا اینها واقعا همگی جوهره اصلی دین خود را یافته‌اند، یا فقط به اسم مسلمان و مسیحی و یهودی‌اند؟»

مجموعه دلایلی که میهمانان سیواش، برای تضاد و تقابل طرفداران ادیان مختلف با یکدیگر برمی‌شمرند، نشانگر یک چیز است و آن این که گوهر ادیان در تضاد و تقابل ذاتی با یکدیگر نیست، بلکه تفسیرها و برداشت‌های پیروان آنها، سبب بروز اختلافات و رویارویی‌ها می‌شود. از دیدگاه میهمانان جوان ما، دلایل این خصومت‌ها را شاید بتوان در موارد زیر خلاصه نمود:

۱- شناخت سطحی و ناقص پیروان یک دین از اهداف و ذات مکتب خود.

۲- تعصبات خشک و نادرستی که بیشتر به سبب اغراض غیر دینی تشدید می‌شوند و به طور عمده در بستر عوامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی اوج می‌گیرند.

۳- عدم درک صحیح دینداران از گوهر دینی خود و ارجح دانستن برخی ظواهر بر اصل دین.

۴- شناخت سطحی و ناقص پیروان یک دین از باورهای دیگر ادیان.

۵- شرایط تاریخی، سیاسی و اجتماعی متفاوت حاکم بر بستر گسترش ادیان مختلف.

۶- ناآشنایی با تأثیر گفت‌وگو و عدم آشنایی با اصول گفت‌وگو.

۷- استفاده ابزاری ثروتمندان و قدرتمندان از دین.

۸- اختلافات تاریخی قومی و تأثیر آن بر مناسبات و ارتباط ادیان با یکدیگر. بحث دیگری که گفت‌وگوی ادیان را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد، مسأله اکثریت-اقلیت است و این که اکثریت به

را تکرار می‌کند. هیل می‌گوید: «همنوعت را مانند خودت دوست بدار. این چکیده همه محتویات تورات است.» و آن شخص تحت تأثیر همین تعلیم، به دین می‌گردد. من هم فکر می‌کنم، مسئله مهر ورزیدن به همنوعان اصل است. اما در عین حال که ایرانی بودنم برایم بسیار مهم



است، هر جا که احساس کنم دینم در معرض تعرض قرار دارد، به آن سمت گرایش پیدا می‌کنم.

آرتین شهبازیان با همکیشانش نزدیکتر است تا با هموطنانش و سوان شیروانیان می‌گوید: «ببینید، این مسئله کاملاً به موقعیت وابسته است. آنجا که مسئله جنگ ایران و عراق پیش می‌آید، مسئله وطن در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد یعنی در ارتباطات خارج از کشور، ایرانی بودن اهمیت بیشتری دارد، اما در مباحث شخصی و فردی، باور دینی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در کل، هر دوی اینها بسیار مهم و عزیزند.» آری کشیش زاده معتقد است: «ما همه در یک کشور زندگی می‌کنیم و به عنوان هموطن، سرنوشت ملی مشترک داریم. در مبحث دین هم، همکیشان ما با ما سرنوشت مشترک دارند.»

آیا عشق ستودنی جوانان ایرانی به ایران و خداجویی و معنویت‌طلبی آنان، برای آغاز یک گفت‌وگوی همگانی، بین جوانان ادیان مختلف کافی نیست؟

سیاوش معتقد است آنچه درون جوانان ایرانی شکل بگیرد، شکل دهنده آینده کشور است، پس چه نیکوست که تبلور گفت‌وگوی بین ادیان از بین جوانان نجیب ایرانی آغاز شود. ■

مسئله وطن خیلی مهمتر است.»
فرشید مرادیان می‌گوید: «من هم مثل دوست عزیزم فرشاد معتقدم انسان بودن از هر دوی اینها مهمتر است. اما از نظر احساس شخصی خودم، اولویت من در درجه اول ایرانی بودن است. البته عنصر دین هم برای من بسیار مهم است.»

آرش آبابی معتقد است: «این بستگی به شرایط دارد. تا زمانی که من در کشورم احساس آزادی و راحتی بکنم، مطمئناً تعلق بیشتری به کشورم خواهم داشت. اما اگر بخواهند من را بیگانه و میهمان به حساب بیاورند، مجبورم بیشتر به کلیمی بودنم اتکا کنم تا ایرانی بودنم.»

در نهج البلاغه حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «مردم نسبت به آنچه درباره آن جاهل‌اند، خصومت و دشمنی می‌ورزند.» شاید آنچه بیش از هر چیز باعث دوری و خصومت پیروان ادیان مختلف با یکدیگر می‌شود، همین جهل و نادانی نسبت به عقاید هم باشد

آرزو یعقوب‌زاده نظرش را با ذکر یک مثال از کتاب درسی دوران راهنمایی‌اش بیان می‌کند: «دو دانشمند بزرگ دینی به نام‌های «هیل» و «شمای» که یکی خیلی تندخو و دیگری خیلی خوش خلق بوده است، در یک زمان زندگی می‌کردند. یک روز یک فرد کافر، نزد «شمای» تندخو می‌رود و می‌گوید می‌خواهم همین‌طور که روی یک پا ایستاده‌ام تورات را به من بیاموزی. شمای می‌گوید این کافر قصد به سخره گرفتن تورات را دارد و او را بیرون می‌اندازد. آن شخص پیش «هیل» می‌رود و تقاضایش

که به عنوان جامعه کلیمیان ایران در نمایشگاه مطبوعات شرکت کرده‌ایم. من شاهد بوده‌ام که عده‌ای حتی تفاوت مسیحی و کلیمی را نمی‌دانستند.»

مهاجر می‌گوید: «ما در نهج البلاغه از حضرت علی (ع) جمله‌ای داریم که می‌فرمایند: «مردم نسبت به آنچه درباره آن جاهل‌اند، خصومت و دشمنی می‌ورزند.» شاید آنچه بیش از هر چیز باعث دوری و خصومت پیروان ادیان مختلف با یکدیگر می‌شود، همین جهل و نادانی نسبت به عقاید هم باشد.»

در پاسخ به این پرسش که آیا برای انجام فعالیت‌های فرهنگی، در ایران مانعی بر سر راه جوانان اقلیت‌های مذهبی وجود دارد، همگی می‌گویند که خیر، هیچ محدودیتی نداریم ولی معتقدند توان خودشان کافی نیست. دوستان مسیحی ما از چاپ کتاب مقدس در ایران به عنوان یک اقدام خوب که طی سال‌های اخیر انجام شده نام می‌برند.

آرش آبابی می‌گوید: «من معتقدم اصلاً نباید از واژه اقلیت و اکثریت استفاده کرد. فکر می‌کنم اگر بخواهیم شکاف بین این دو دسته را حذف کنیم، قبل از هر چیز باید استفاده از این واژه‌ها را کنار بگذاریم و مثلاً از اصطلاح هموطنان مسیحی، هموطنان زرتشتی، ... استفاده کنیم.

با بگوئیم ایرانیان کلیمی، ایرانیان مسیحی، ... به این شکل آن وجه اشتراک بیشتر از وجه تضاد و تفاوت مورد توجه قرار می‌گیرد.»

می‌پرسیم چه رابطه‌ای بین مسیحی، زرتشتی یا کلیمی بودنشان با ایرانی بودنشان می‌بینید؟

فرشاد فره‌فر پاسخ می‌دهد: «اولویت اول انسان بودن است. ما همه انسان و همنوع یکدیگریم. حس میهن دوستی هم در تمام انسان‌ها وجود دارد. همکیشان نیز به یکدیگر احساس تعلق خاطر دارند. من اینها را موازی هم می‌دانم. البته این بستگی به شرایط دارد. در برخی موارد



نظری به عدد هفت

گردآوری: آلبرت شادپور- لیورا سعید

اعتقاد و اهمیت دادن به برخی از اعداد از رسوم باستانی است که از معتقدات آشوریان و کلدانیان بازمانده است. عددهای ۳، ۴، ۷، ۱۲، ۱۳ و ۴۰ را برخی از ملت‌ها به فال نیک و برخی به فال بد گرفته‌اند.

یهودیان، عددهای هفت و هفتاد را گرامی داشته‌اند. در تورات در سرآغاز آفرینش به عدد هفت حالتی کرامت‌آمیز داده شده است. در سفر پیدایش چنین آمده است: «خداوند روز هفتم را برکت داده، آن را مقدس اعلام فرمود، زیرا روزی بود که خداوند آفرینش جهان را پایان داد». و به روایت تورات اولین تقسیم‌بندی زمان شکل گرفت. این عدد هفت که بدین کرامت در تورات راه یافته، بارها و بارها تکرار شده از جمله اینکه: «چون نوح در کشتی قرار گرفت پس از هفت روز توفان آب بر زمین جاری شد.» و «چون نوح کبوتری را فرستاد تا بر زمین توفان زده خشکی بیابد و نیافت و باز آمد نوح پس از هفت روز بار دیگر آن را فرستاد.» و «چون یعقوب به راحل - دختر لاوان - دل بست، پذیرفت که پدر همسر خویش را هفت سال خدمت کند.» و آنگاه که «یعقوب از پیش لاوان آرامی گریخت و لاوان پس برادران خویش از پی او رفت، هفت روز به دنبال او شتافت تا در کوه «جلعاد» بدو پیوست.» و در ملاقات یعقوب و عساو گوید: «و یعقوب در پیش ایشان رفته هفت مرتبه روی به زمین نهاد تا به برادر خود رسید.» و در داستان یوسف، فرعون در خواب می‌بیند: «ناگاه از نهر، هفت گاو خوب صورت و فربه ... برآمد و اینک هفت گاو دیگر به صورت لاغر...» و موارد بسیار دیگر از این دست...

در تورات حتی در نقل روایات ملل دیگر نیز حضور عدد «هفت» دیده می‌شود. در کتاب «استر» در طی داستان پادشاهی «اخشورش» (خشایارشا) نیز چندین بار عدد هفت تکرار شده است. نخست اینکه پادشاه بر یکصد و بیست و هفت کشور پادشاهی می‌کند و میهمانی‌ای در پایتخت تشکیل می‌دهد که هفت روز به طول می‌انجامد و هفت تن از خواجه‌سرایان در آن خدمت می‌کنند و هفت تن از بزرگان ماد و پارس از نزدیکان پادشاه در مجلس حضور دارند و

«استر» - همسر یهودی پادشاه - در سال هفتم وارد کاخ پادشاه می‌شود.

در تورات از دوره‌های هفت ساله کشاورزی نام برده شده که پس از ۶ سال کار روی زمین، سال هفتم (شمیط)، سال استراحت و تعطیل کار کشاورزی است. نیز پس از گذشت هفت دوره هفت ساله، سال «یبول» فرا می‌رسد که آن هم تعطیل کشاورزی است.

همچنین، در روزگاران گذشته، کشاورزان زمین خود را به هفت قطعه تقسیم می‌کردند. هر سال یکی از این قطعات را بدون کاشتن چیزی در آن رها می‌کردند. در آن قطعه، علف‌های هرز و هر آن چیزی رشد می‌کند که اراده طبیعت بر آن است تا بدون دخالت انسان بروید. بدین گونه زمین در خود گردش کار می‌یابد و می‌تواند در سال بعد، بذر کشاورزی را پذیرا گردد.

در تورات در سرآغاز آفرینش به عدد هفت حالتی کرامت‌آمیز داده شده است

با این همه، عدد هفت و راز آن خاص معارف عبرانی نیست که ریشه در فرهنگ بشری دارد. اقوام آریایی نیز آن را محترم داشته‌اند. چنان‌که در ادبیات باستانی هند و ایران از ویژگی عمده‌ای برخوردار است و در فلسفه روزگاران پس از اسلام نیز پایگاهی والا دارد از آن قبیل که «سهروردی» در «عقل سرخ» خویش از آن یاد کرده است.

راز و رمزهای عدد هفت قابل شمارش نیستند هر چند که با بسیاری از آن رمزها در ایران باستان آشنا هستیم:

هفت پرده چشم (ملتحمه، قرنیه، عنیه، شیکیه، مشیمیه، صلیبه و عنکبوتیه)
هفت خصلت آدمی (کینه‌دوزی - مهرورزی - شجاعت و ...)

هفت اتمام ظاهری آدمی (سر، سینه، شکم، دو دست و دو پای) و هفت اندام درونی (مغز، قلب، جگر، دویخش ریه و دو کلیه)

هفت سین نوروزی، هفت پشت آدمی، هفت اقلیم، یا:

به عقیده پیشینیان زمین هفت دوره هزار ساله را گذرانده است که هر دوره متعلق به

یک سیاره بوده است: (زحل، مشتری، مریخ، آفتاب، زهره، عطارد و قمر)

دوزخ دارای هفت در است که هر یک به طبقه‌ای از طبقات هفت‌گانه جهنم منتهی می‌گردد که پایین‌ترین آن اسفل‌السافلین (ذکرک) نام دارد.

رنگ‌های تشکیل دهنده نور، هفت است. از قدیم هفت قلم آرایش عروسان و زنان معروف بوده است: (حنا، وسمه، سرخاب، سفیداب، سرمه، زرک و خال) که بصورت گسترده‌ای در آرایش زنان در گذشته و هم‌اکنون در صنعت علم زیبایی چه برای مردان چه برای زنان استفاده می‌گردد.

در سنت دانشگاهی، ششمین سال (Ano Sabatico) را در نظر گرفته‌اند. به ازای هر ۷ سال کار، استاد باید یک سال را دور از دانشگاه بگذراند بدین گونه برای گریز از یکنواختی، فضایی برای معرفت‌های نوین می‌گشاید.

هفت طبقه آسمان، هفت طبقه زمین، عجایب هفت‌گانه و ... دیگر «هفت‌ها» جای بحث بسیار دارند که در این مقاله نمی‌گنجند.

از دید شما اعداد چه معنایی دارند؟ زندگی در دنیای بدون اعداد کاملاً بی‌مفهوم است. می‌خواهیم بگوئیم اعداد پدیده‌های پر رمز و رازی هستند که پنداری رابطه‌ها و قوانین حاکم بر آنها چیزی نیست که ساخته ذهن بشر باشد. حتی ساده‌ترین این رابطه‌ها که همان انتظامات یکسان، دهگان و صدگان است، به وسیله نخستین متفکران و اولین هزاره‌های تاریخ پایه‌گذاری نشده است. بلکه این ارتباطات و قوانین همانند سایر قوانین حاکم بر جهان مادی همراه با آفرینش جهان وجود داشته‌اند. این ما انسان‌ها بودیم که با کمال هوشمندی موفق به کشف رابطه اعداد شده‌ایم. باشد تا روزی که دانشمندان زمان به دنیای پر رمز و راز اعداد، پژوهشی دیگر داشته باشند تا با دنیا و پیرامون آن بیشتر آشنا گردیم.

با استفاده از منابع:

- ۱- جلوه‌های زندگی یک زن، جو آن بوریس آنکو ترجمه منیره بهزاد
- ۲- دومین مکتوب، پائولو کوئلیو ترجمه آرش حجازی



گزارش سمینار بین المللی

محیط زیست، دین و فرهنگ

آرش آبانی

حضرت یسعای نبی می‌فرماید: خداوند دنیا را برای ویرانی نیافریده، بلکه آن را برای عمران و آبادی آفرید. خداوند دنیا را برای مسکون شدن و زیست سالم آفرید و نه جنگ و ویرانی، و جهان تنها برای کمال معنوی انسان آفریده شده

اشاره: در اخبار شماره پیشین افق بینا اشاره شد که سمینار بین المللی محیط زیست، دین و فرهنگ از ۲۸ الی ۳۰ خردادماه ۱۳۸۰ در مرکز همایش‌های بین المللی صدا و سیما برگزار شد. در این سمینار، جمعی از اندیشمندان و مسئولان جامعه کلیمیان از جمله جناب حاجام یوسف همدانی کهن، مهندس موریس معتمد (نماینده کلیمیان در مجلس)، هارون یشایایی (رئیس انجمن کلیمیان)، مهندس سلیمان حکاکیان، مهندس آرش آبانی و خانم‌ها النا لاویان و آرزو ثنائی در قالب یک هیئت مذهبی در برنامه‌ها و سخنرانی‌ها شرکت داشتند. در گزارش حاضر، خلاصه‌ای از مقدمات حضور هیئت کلیمی و چکیده‌ای از سخنان شخصیت‌های کشوری، مذهبی و بین المللی بیان می‌شود و پس از آن فعالیت‌ها و سخنان هیئت کلیمی ذکر می‌گردد.

در بهمن ۱۳۷۹ جلسه‌ای خصوصی در سازمان حفاظت محیط زیست با حضور خانم دکتر ابتکار رئیس سازمان و معاونت رئیس‌جمهور، معاونان و حجت‌الاسلام محقق داماد درباره‌ی ادیان و محیط زیست تشکیل شد که در آن از آقای مهندس موریس معتمد، نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی نیز خواسته شد تا برای این همایش که در تهران صورت می‌گیرد، مقاله‌ای ارائه شود. و در ایام برگزاری آن، مقام مذهبی و سخنران کلیمی حضور یابد تا دیدگاه یهود را در محیط

زیست و راهکارهای پاسداری از آن باز گوید.

آقای مهندس معتمد در همان جلسه اعلام کرد که خانم النا لاویان در بهمن ۱۳۷۸ سخنرانی مبسوطی را درباره‌ی آیین یهود، محیط زیست، بانوان و صرفه‌جویی با عنوان "خدای سبز، روح سبز، انقلاب سبز" به دعوت حامیان نگاه سبز NGO دفتر امور زنان ریاست جمهوری در فرهنگسرای اندیشه با حضور اعضای هیئت مدیره سازمان بانوان کلیمی و رئیس انجمن کلیمیان ارائه نموده بود که مورد توجه و تقدیر گروه و حضار قرار گرفت و به دنبال آن از خانم لاویان برای ارائه مقاله و سخنرانی در یکی از پنل‌های پیشنهادی و آقای سلیمان حکاکیان برای سخنرانی در روز افتتاحیه سمینار دعوت شد.

مقاله ۳۷ صفحه‌ای لاویان به نام "عشق سبز، آیین موسی (ع) و محیط زیست" که از جامع و کاملترین مقالات ارائه شده بود، همراه اشعار وی در این زمینه به دبیرخانه اجلاس و آقای دکتر سید حسن صدوق تحویل شد که مورد استقبال قرار گرفت و قرار شد در دفتر مجموعه مقالات و کتاب‌های مربوط به سمینار ثبت و به زبان انگلیسی ترجمه شود.

روز سه‌شنبه ۲۹ خردادماه، جناب حاجام یوسف همدانی کهن مرجع دینی کلیمیان ایران و مهندس موریس معتمد نماینده

کلیمیان در مجلس به همراه دیگر اعضای همایش محیط زیست به حضور رهبر معظم انقلاب رسیدند.

حضرت آیت ا... خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای هیئت علمی همایش و میهمانان خارجی آن، عنصر دین و معنویت را یکی از راه‌های کارآمد و تاثیر گذار در توده مردم برای حفظ محیط زیست دانستند و ضمن تاکید بر این که شکرگزاری صحیح این نعمت الهی، تعادل منطقی انسان‌ها با طبیعت می‌باشد، خاطر نشان کردند:

کفران نعمت طبیعت، عقوبت الهی را در پی خواهد داشت و معضلاتی که به عنوان اثرات ناشی از تخریب محیط زیست در زندگی انسان‌ها بوجود آمده، در واقع نتیجه کفران این نعمت است.

حجت الاسلام سید محمد خاتمی رئیس جمهوری در مراسم افتتاحیه همایش، به هم خوردن تعادل محیط زیست را به زیان انسان و آغاز مصیبت سهمگین نسل‌های امروز و فردا دانست و بحران جهانی کنونی را ضعف معرفت در شناخت همه جانبه هستی و ناآگاهی نسبت به پدیده‌ها و سرگشتگی معنوی اعلام کرد: «این تفکر که با تصرف آزمندانه در طبیعت، پیشرفت و سعادت به دست می‌آید، چشم اندازهایی تیره برای آینده بشر دارد. مگر می‌شود سرچشمه حیات را تخریب کرد و به حیات بالاتری رسید؟

باید با طبیعت باشیم، نه در برابر آن ... طبیعت آفریده زیبای خداوند است و فناوری ساخته و پرداخته انسان. نمی‌توان و نباید آفریده انسان در برابر آفریده خداوند قرار گیرد ... تکیه بر مشترکات ادیان درخصوص محیط زیست و طبیعت یکی از زمینه‌های پیشگیرنده و همگرایانه برای ارتقای کیفیت زندگی در جامعه جهانی است ... اخلاقی و الزام‌های اخلاقی مبنای مشترک همه ادیان است، نه (فقط) در برابر انسان و جهان معنی، بلکه حتی در برابر طبیعت و جهان فاقد حیات ...»

هنگامی که آخرین ماهی دریا صید شد، و آخرین درخت جنگل قطع شد، و آخرین قطره آب آلوده شد، و آخرین جرعه هوا مسموم شد؛ آنگاه می‌فهمیم که پول خوردنی نیست

دکتر معصومه ابتکار، معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست با اشاره به این که این همایش کلیدی است برای تبیین اشتراکات میان ادیان در مسائل مرتبط با محیط زیست، گفت: اینک معضلات محیط زیست که موجب بروز بحران‌های جدی برای حیات بشر در کره مسکونی شده، از حاشیه به متن مباحث توسعه آمده است.

این همایش بی‌تردید بر پایه ایمان و اعتقاد به ادیان الهی استوار شده و با علاقه‌مندی این جمع به محیط زیست و طبیعت که در واقع نوعی عمل صالح تلقی می‌شود، امید است زمینه برای بسیج افکار عمومی جهانی و نهضتی اجتماعی پدید آید.

دکتر سید حسن صدوق، دبیر سمینار، با ابراز نگرانی از فراموش شدن نقش معنویت در حل بحران‌های غیر قابل پیش بینی، گفت: گفتگو درباره محیط زیست، دین و فرهنگ را باید بعدی از روی آوری مجدد به ارزش‌های دینی و فرهنگی دانست. وی

گردد آمدند تا نقش مذهب را در حفاظت و پاسداری از محیط زیست مورد بررسی و ارزیابی قرار دهند و همچنین دریابند حفاظت از منابع طبیعی چگونه می‌تواند از مذهب بهره‌مند شوند.

دکتر جان گریم، از دپارتمان ادیان دانشگاه باکفل آمریکا، پیشینه مجموعه سمینارهای دانشگاه هاروارد درباره مذهب و اکولوژی را بیان کرد و اظهار داشت: دین تنها موضوعی ماورالطبیعه برای جهان آخرت نیست، بلکه بیشتر برای همبستگی جهانی و بهبود زندگی این جهان کاربرد دارد. احترام، قداست و مسئولیت مهمترین خصوصیات هستند که مذاهب می‌توانند در هر زمینه فکری در انسان ایجاد کنند و برای حفاظت محیط زیست نیز همین سه عامل، بسیار موثر خواهند بود.

فقر مهمترین عامل ویرانی محیط زیست است.

در تعلیمات تورات آمده است که هر یک از موجودات را خداوند با حق مخصوص خود آفریده و برجسته‌ترین نوع بندگی و عبودیت نسبت به فرامین الهی این است که اعمال را صرفاً به جهت قبول دین انجام ندهیم، بلکه با نیت هم‌پیمانی و وحدت با خدا آنها را به جا آوریم

بخش دوم سمینار محیط زیست، دین و فرهنگ در روز اول به سخنرانی‌های نمایندگان ادیان اختصاص داشت.

خانم دکتر لی، (نماینده دین بودایی) بر مشارکت فعال زنان برای حفاظت محیط زیست و لزوم شرکت دادن جوامع مذهبی در فعالیت‌های زیست محیطی تأکید کرد.

آقای هاپرتسما، (نماینده اعتقاد تائو) ارزش دادن به گونه‌های زیستی را در این دین مورد توجه قرار داد و به اعتقاد تائوئیست‌ها درباره رفتار مناسب با طبیعت و

خاطر نشان کرد که کاربرد دین در محیط زیست به معنای بازگشت به گذشته نیست، بلکه خردگرایی در دوران صنعتی باید با عشق و عاطفه دینی آمیخته گردد ... دین و فرهنگ نیروی عظیمی برای بسیج انسان‌ها در حفاظت و پاسداری از محیط زیست در خود دارند، هر چند ادیان در بطن، خود محیط زیست و طبیعت را ثناگوی خداوند دانسته‌اند، اما در عمل، به خاطر برداشت‌های مختلف بشری از دین و درجات مختلف ایمانی و آلودگی‌های مجریسان دین، کاربرد مفهوم دین در طبیعت با مشکل مواجه شده است.

دکتر کلاوس تافسر، معاون دبیر کل سازمان ملل متحد و مدیر اجرایی برنامه محیط زیست ملل متحد، سرنوشت محیط زیست را در گرو فرهنگ دانست زیرا «یک اکوسیستم، بیش از هر چیزی نیازمند فرهنگ زیست محیطی و بومی منطقه است.» وی خطاب به رهبران دینی حاضر در سمینار گفت: شما بهتر از هر کس دیگری می‌توانید زوایای تاریک محیط زیست را برای جهانیان روشن کنید. آب که یک نعمت الهی است، در بسیاری از نقاط دنیا قابل شرب نیست و هوا نیز که نعمتی الهی به شمار می‌رود، در بسیاری از شهرهای جهان قابل تنفس نیست. هدف سمینار تغییر نوع ارتباطات مردم با محیط زیست از طریق مفاهیم دینی و فرهنگی، و بسیج مردم برای حفظ و پاسداری از آن است.

مثلی است که می‌گوید: هنگامی که آخرین ماهی دریا صید شد، و آخرین درخت جنگل قطع شد، و آخرین قطره آب آلوده شد، و آخرین جرعه هوا مسموم شد؛ آنگاه می‌فهمیم که پول خوردنی نیست.

آقای هاپرتسما، به قرائت مقاله پیشینه «آسیزی» (نوشته مارتین پالمز) پرداخت. در اواخر تابستان ۱۹۸۶ برای اولین بار در دنیا، نمایندگان از پنج مذهب مهم از سرتاسر دنیا در شهر «آسیزی» (Assisi) ایتالیا

حتی پیش گرفتن راه و رسم زندگی در طبیعت با الهام از گونه‌های خاص مانند درنا و لاک پشت اشاره کرد.

آقای باوا جین، (نماینده دین جین) دین جین را یک شیوه زندگی بدون خشونت و زندگی مهاتما گاندی را مظهر آن دانست. وی گفت اگر انسانی از اصول خاص این دین هفت هزار ساله پیروی کند، در عین داشتن هر مذهب و عقیده‌ای، یک «جین» هم محسوب می‌شود.

کشف دشمنان درونی (غرایز)، عدم خشونت در کردار و رفتار و فکر، اعتقاد به تکرر واقعیات و اعتقاد به یکی بودن خلقت و اتصال و اتکای همه موجودات به یکدیگر، از اصول این دین است.

گفته بیست و چهارمین پیامبر جین چنین است: «چوب را نوزانید، شما با این کار حیات خود را پایان می‌دهید».

دکتر موبسد جهانگیر انوشیروان اوشیدری (نماینده دین زرتشت) به تقدس چهار عنصر هوا (باد)، زمین (خاک)، آب و آتش و لزوم پاک نگاه داشتن آنها از دیدگاه دینی زرتشت اشاره کرد.

خانم دکتر مری اولین تاکر، (نماینده مسیحیت) ضمن تشریح دیدگاه کاتولسیسم، اظهار داشت: انسان جزیی از مجموعه خداوند و مخلوقات اوست و باید مسئولیت اعمال خود را در طبیعت پذیرفته و هماهنگ با سایر اجزای آن حرکت کند. لذا، استفاده انسان از منابع طبیعی، نباید ضد او یا دیگر هموعان یا مخلوقات باشد. وی ضمن اشاره به نقش مهم آموزش ادیان، بیان کرد که احترام به زیبایی، مستوجب احترام به طبیعت و مخلوقات خداوند است.

خانم ماجوری کیتان، (خواهر روحانی از واتیکان) گفت: بسیاری از مردم زیر خط فقر زندگی می‌کنند و از نیازهای اولیه نیز محرومند و در چنین شرایطی نمی‌توان به رعایت مسائل زیست محیطی امیدوار بود.

آیت ا... دکتر سید مصطفی محقق داماد، سخنران کلیدی جلسات شورای سمینار، دیدگاه‌های اسلام را درباره حفظ محیط زیست چنین بیان داشت: «... در همه ادیان بزرگ سعی شده است نگاه بشر به محیط پیرامونی‌اش نگاهی توأم با معنویت باشد. تا قبل از انقلاب صنعتی، چنین دیدگاهی وجود داشت، اما پس از آن، بشر نگاهی خشن و ابزار گونه نسبت به طبیعت پیدا کرد و برای دستیابی به خواست‌ها و لذا لذت خود، به طبیعت به عنوان ابزار نگرست... وقتی انسان دست از عمران بردارد و به تخریب رو کند، برخلاف آیه قرآن که فرمود «زمین را که در کمال سلامت به شما سپرده شده، به فساد نکشانید و آن را آباد کنید» عمل کرده است. از این‌رو، هر قدمی از سوی بشر اگر جنبه آبادانی نداشته باشد، تخریب و فساد تلقی شده و موزد غضب خداوند قرار می‌گیرد...»

انسان حق ندارد به صرف احتمال خطر برای بقای خودش، دست به ایجاد هرج و مرج و سرانجام، نابودی سخاوتمندانه نعمات خدا بزند. در دینی مثل یهود هم همین‌طور است. در تعلیمات تورات آمده است که هر یک از موجودات را خداوند با حق مخصوص خود آفریده و برجسته‌ترین نوع پندگی و عبودیت نسبت به فرامین الهی این است که اعمال را صرفاً به جهت قبول دین انجام ندهیم، بلکه با نیت هم پیمانی و وحدت با خدا آنها را به جا آوریم. بنابراین، ارتباط خداوند و انسان در طبیعت، در دین یهود، به عنوان بافتی یکپارچه تلقی می‌شود که انسان به عنوان راهنما و نگهبان دنیا به حساب می‌آید. به خاطر این که در تعلیمات توراتی، در فضای شادی بخش بین انسان و خداوند، حق بودن عالم هستی مورد تایید قرار می‌گیرد.

در اسلام هم، همان‌طور که گفتیم، جهان و همه موجودات آفریده خداوندند و متعلق به او هستند.

امروزه علمای دین، فتاوی مربوط به حلال و حرام را باید توسعه بدهند. در گذشته، مفهوم ضرر و آزار رساندن به دیگران، مفهوم محدودی داشت و آزار فردی مطرح بود. اگر کسی به بدن دیگری و سلامتی و مال او تجاوز می‌کرد، فتاوی فقیهان بزرگ، به اتفاق آراء بر حرمت و همراه با جبران مادی و معنوی خسارت، صادر می‌شد. بی شک، امروز کسی که با ایجاد کارخانه‌های مضر و دودزا، محیط یک شهر را آلوده می‌کند، به مراتب، کار او، حرمت بیشتر و معصیت بالاتری دارد. امروزه باید در رساله‌های عملیه فقهای بزرگ، بابی تحت عنوان «تجاوز به محیط زیست» مطرح شود. مثلاً کسی که اتومبیلش دود می‌کند و یا کارخانه دودزا دارد که به نظر کارشناسان، یقیناً موجب ضرر به دیگران است، می‌بایستی مشمول معصیت‌های بزرگ و گناهان کبیره تلقی شود.

امروزه باید در رساله‌های عملیه فقهای بزرگ، بابی تحت عنوان «تجاوز به محیط زیست» مطرح شود. مثلاً کسی که اتومبیلش دود می‌کند و یا کارخانه دودزا دارد که به نظر کارشناسان، یقیناً موجب ضرر به دیگران است، می‌بایستی مشمول معصیت‌های بزرگ و گناهان کبیره تلقی شود

مهندس سلیمان حکاکیان، به نمایندگی از دین یهود، از سخنرانان روز اول سمینار بود که گزیده سخنان ایشان در ادامه می‌آید: ضمن تشکر از برگزاری این همایش که نیاز امروری بشر است، دیدگاه یهودیت درباره محیط زیست و ارتباط آن را با فرهنگ و تمدن اعلام می‌دارم.

«ای آسمانها ترنم نمائید، زیرا خدا آن را آفریده است. ای اعماق زمین گلیانگ زنید و ای کوهها و جنگلها و درختان، برای خداوند بسرایید.» (یشعایی نبی)



زراعت سال بعد که باعث افزایش محصول در سال بعد خواهد بود، که این موضوع در زمین‌های دیم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۲- بهبود خواص فیزیکی و افزایش حاصلخیزی خاک: در سال آیش به دلیل وجود مواد آلی و کاه و کلش سبب افزایش میزان مواد آلی خاک و همچنین تهویه و اصلاح ساختمان خاک و حاصلخیزی خاک می‌باشد.

۳- کاهش یا دفع مواد مسموم کننده از خاک: گیاهان با ترشح مواد سمی در خاک با یکدیگر رقابت می‌کنند. وجود این مواد باعث زیان به سایر گیاهان می‌شود که هر ساله به میزان آن در خاک افزوده می‌شود. سال آیش باعث می‌شود که این مواد کاهش پیدا کرده یا به طور کامل دفع شوند.

۴- کنترل آفات و امراض: در سال آیش آفات و بیماریها که میزبانهای اختصاصی دارند از تراکم آنها به شدت کاسته شده و همچنین با این روند آفتاب باعث از بین رفتن عوامل بیماری‌زا می‌گردد.

۵- کنترل علفهای هرز: آیش فرصت مناسبی جهت مبارزه و اجرای عملیات زراعی برای کاهش علفهای هرز در خاک زراعی می‌باشد.

ایجاد زمان مناسب تهیه بستر بذر و همچنین کاشت به موقع را می‌توان از اهداف دیگر آیش نام برد.

همانطور که مشاهده می‌گردد دستوری که در تورات در حدود ۳۳۰۰ سال قبل آمده است که شاید با نگاهی سطحی به نظر کم‌ارزش و بی‌مورد می‌رسد امروزه به عنوان یکی از اصول مهم کشاورزی در آمده و در اکثر کشورهای پیشرفته از لحاظ کشاورزی اجرا می‌شود.

مقدس شمرده و از خداوند برای اعتلای محصولات کشاورزی تشکر می‌کنند. این زمان نیز دقیقاً با زمان برداشت محصولات کشاورزی زمستانه مطابقت دارد. تمام موارد ذکر شده فوق و قوانین و دستوراتی که در تورات آمده است دلیلی است بر این موضوع که دین یهود به کشاورزی که یکی از علوم پایه و اصلی هر کشوری است دقت کامل داشته و طبیعت را محترم شمرده و برای آن ارزش خاص قائل است.

البته اعیاد در یهود به مناسبتهای تاریخی و مذهبی برگزار می‌شوند و جنبه کشاورزی، افزون بر دلایل فوق است. در ادامه، به بررسی یکی از فرمانهای تورات درباره کشاورزی می‌پردازیم.

در سفر لاویان باب ۲۵ آیه‌های ۴ و ۳ آمده است:

«شش سال مزرعه خود را بکار و شش سال تاکستان خود را هرس کن و محصولش را جمع کن و در سال هفتم سبت (آرامی) برای زمین باشد یعنی سبت برای خداوند، مزرعه خود را مکار و تاکستان خود را هرس نمما و آنچه از مزرعه تو خودرو باشد درو نکن و انگورهای مو هرس ناکرده خود را مچین، سال تعطیلی برای زمین باشد.»

نکاتش زمین برای یکسال که در کشاورزی امروزی به آیش معروف است یکی از مهمترین اصول کشاورزی امروزی است. کاشت متوالی یک زمین سبب ایجاد مشکلاتی برای کشاورز و زمین خواهد کرد و تجمع مواد مضره و نامطلوب در زمین را در پی خواهد داشت. بنابراین برای رفع این مشکل می‌بایست اقدام به آیش‌بندی نمود.

از اهداف آیش‌بندی می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱- ذخیره رطوبت در خاک: عدم کاشت گیاهان سبب ذخیره بارندگی و نزولات آسمانی در خاک جهت استفاده

در تورات و دین یهود اکثر اعیاد و مناسبتها در تطابق با زمانبندی کشاورزی قرار دارند. در زیر به شرح اعیاد دین یهود و تطبیق آنها با زمانبندی‌های کشاورزی می‌پردازیم.

سال نو عبری که همه ساله در اواخر شهریور یا اوایل مهرماه شروع می‌شود مقارن است با شروع سال زراعی در اکثر کشورهای آسیایی و ایران که

در این موقع از سال کشاورزان شروع به کاشت محصولات زمستانه خود از قبیل گندم و جو و ... می‌کنند (سال زراعی در ایران از مهر یک سال شروع شده و تا آخر شهریور ماه سال بعد ادامه دارد).

عید سوکوت (سایبانها) که همه ساله در اوایل پاییز آغاز می‌شود نیز تقریباً با زمان کاشت مواجه است و در این عید یهودیان برای افزایش محصول و ازدیاد نزولات آسمانی دعاهای مخصوص این عید را می‌خوانند. در این زمان، بارش باران تاثیر بسیار زیادی بر افزایش محصول دارد.

در جشن ایلاتوت که در نیمه دوم بهمن‌ماه برگزار می‌شود، یهودیان از انواع محصولات به عنوان تبرک استفاده کرده و به استقبال بهار می‌روند. از این عید در دین یهود با عنوان عید زنده شدن طبیعت و آغاز مجدد زندگی در طبیعت نام برده شده است.

در عید شاووعوت که در مرداد ماه برگزار می‌شود، یهودیان برداشت محصول را جشن می‌گیرند و آن را





ملاقات با مسئولان در جشنواره: از راست به چپ، سفیر فرانسه، استاندار آذربایجان غربی، هارون یشایایی - مهندس بهشتی، دکتر محیط طباطبایی

جشنواره

جهانگردی، ادیان، اقوام و گفتگوی تمدن‌ها

آرش آبائی

در تمام شهرهای ایران، بافت یهودی در بخش سنتی - و نه حاشیه‌ای - شهر قرار داشته است. بازار یهودیان در میان بازار مسلمانان بوده و نه مانند تعبیر غربیان در «گتو» و مناطق محصور، و این درباره تمام اقلیت‌های دینی ایران صادق است

گفتگوی تمدن‌ها در ایران و خارج، به مناسبت سال گفتگوی تمدن‌ها اشاره کرد. بخش دوم همایش به سخنرانی نمایندگان ادیان و اقوام اختصاص داشت. اسقف توماس میرم، از طرف خلیفه‌گری کلدانی کاتولیک ارومیه، ضمن اشاره به ارزشمندی گفتگوی تمدن‌ها و اثر آن در جلوگیری از جنگ و اختلاف، اظهار داشت: «گفتگوی تمدن‌ها یعنی به حساب آوردن دیگر انسان‌ها، احترام به انسان به همان صورتی که هست و با همان فرهنگ و آداب و رسوم».

وی نقش کلیسای آشوری و کلدانی را در ایران یادآور شد که حتی در برهه‌ای از تاریخ، این کلیسا به نام «کلیسای فارس» نامیده می‌شده است. اسقف میرم زندگی مشترک مسیحیان آشوری و کلدانی با سایر ایرانیان و به خصوص در خطه آذربایجان را نمونه‌ای از همزیستی ادیان و اقوام دانست.

پدیده جهانی شدن با تکثرگرایی، در تضاد نیست، بلکه یگانگی جهان موکول به تنوع فرهنگی است

هارون یشایایی، رئیس انجمن کلیمیان تهران، به روایتی درباره نام قدیم ارومیه اشاره کرد که: «اورمیه» متشکل از ترکیب عبری «اور» و «میم» به معنای نور و آب نامیده می‌شده و کنایه‌ای بوده است از طلوع

از دوران صفوی، کلیساهای معروف طاطاووس و ننه مریم و نیز کنیای یهودیان ارومیه را نشانه‌های قاطع جایگیری خرده فرهنگ‌ها در این سرزمین و همزیستی و زندگی آرام ادیان و اقوام مختلف دانست و پیشرفت ایران را منوط به مشارکت تمام بخش‌های اجتماعی و فرهنگی کشور اعلام کرد. وی آذربایجان غربی را سرزمین هفت آسمان (هفت جاذبه میراث فرهنگی) و هشت بهشت (هشت جاذبه طبیعی استان) بنامید و حاضرین را به بازدید از این جاذبه‌ها دعوت کرد.

مهندس بهشتی، رئیس سازمان میراث فرهنگی کشور، اظهار داشت: «وقتی صحبت از تاریخ و فرهنگ می‌شود، به آنها به چشم موضوعی مستحب که چندان تاثیری در زندگی حال و آینده ما ندارد نگاه می‌شود، ... مانند گوه‌ری که توان استفاده از آن را نداریم اما بنا به توصیه بزرگان آن را حفظ کرده و برای دیگران به نمایش می‌گذاریم ... در حالی که ادامه حیات و بقای سالم این سرزمین وابسته به حفظ هویت فرهنگی خاص هر منطقه بوده است ... پدیده جهانی شدن با تکثرگرایی، در تضاد نیست، بلکه یگانگی جهان موکول به تنوع فرهنگی است».

طالع ماسوله، رئیس سازمان ایرانگردی و جهانگردی به موارد متعدد کنفرانس‌های

جشنواره جهانگردی، ادیان، اقوام و گفتگوی تمدن‌ها توسط سازمان‌های «میراث فرهنگی» و «ایرانگردی و جهانگردی» از ۴ تا ۸ مردادماه با حضور نمایندگان ادیان مختلف در ارومیه برگزار شد. به دعوت سازمان میراث فرهنگی کشور، یک هیئت از جامعه کلیمی متشکل از آقایان هارون یشایایی و آرش آبائی و خانم فریده پوراتیان در این همایش شرکت کردند. در حاشیه این جشنواره، نمایشگاهی از آیین و آداب و سنن ادیان و اقوام ایرانی برپا شد. هیئت کلیمی نیز در موزه میراث فرهنگی ارومیه، غرفه‌ای را به خود اختصاص داده بود که در آن، بخشی از تومار تورات، تومار استر، صیصیت و تفیلین (البسه نماز یهودیان) و شماری دیگر از سجدیل‌های یهودی قرار داشتند. خانم رضایی، امین اموال موزه ارومیه، مسئولیت ترتیب و تشکیل این غرفه را به عهده داشت.

مراسم افتتاحیه جشنواره، صبح پنجشنبه ۴ مرداد در تالار شمس مجتمع فرهنگی هنری اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان آذربایجان غربی برگزار شد. ابتدا علی اصغر هادی‌فر، رئیس سازمان ایرانگردی و جهانگردی آذربایجان غربی و دبیر جشنواره به حضار خوشامد گفت. سپس مهندس میرلوحی، استاندار آذربایجان غربی با اشاره به پیشینه این استان در پذیرش ادیان مختلف؛ زادگاه زرتشت، مساجد باقیمانده

آقایان مظفری (روحانی اهل تسنن)، دکتر حاجی زاده (ریاست دانشگاه سوره و مدیر میراث فرهنگی اردبیل)، دکتر زیرکیان (نماینده و عضو شورای خلیفه گری کل ارامنه آذربایجان) و حجت الاسلام مهدوی (رییس کمیسیون میراث فرهنگی مجلس شورای اسلامی) از دیگر سخنرانان جلسه افتتاحیه بودند که هر یک از زاویه ای ویژه، گفتگوی ادیان و اقوام و نقش فرهنگ های گوناگون را مورد بررسی قرار دادند.

گفتگوی تمدن ها یعنی به حساب آوردن دیگر انسان ها، احترام به انسان به همان صورتی که هست و با همان فرهنگ و آداب و رسوم

پس از پایان جلسه افتتاحیه، آقایان مهندس بهشتی (رییس سازمان میراث فرهنگی کشور)، دکتر سیداحمد محیط طباطبایی (معاونت معرفی و آموزش میراث فرهنگی) و بهروز عمرانی (مدیریت میراث فرهنگی آذربایجان غربی) از آثار مذهبی کلیمیان در محل موزه میراث فرهنگی ارومیه دیدن کردند.

برنامه روزهای بعدی جشنواره ادیان و اقوام، شامل دیدار از شهرها و مناطق دیدنی استان آذربایجان غربی مانند تکاب، ماکو و چالدران بود. شهرستان چالدران، پذیرای هزاران تن از ارامنه ایران و جهان در محل قره کلیسا برای برگزاری آیین جهانی «کلیسای طاطاووس مقدس» بود. در این آیین، اسقف «آرداول تتریان» جانشین رهبر ارامنه جهان با برگزاری آیین «باداراک» برای صلح جهانی و پیروزی و بهروزی بشر هزاره سوم دعا کرد. وی در گفتگو با خبرنگار ایرنا اظهار داشت: رهبران دینی اقلیت ها باید ایران را به عنوان الگو و نمونه تعامل و تحمل اقلیت ها به دنیا معرفی کنند. آیین کلیسایی امروز در این منطقه به دنیا ثابت می کند اقلیت های دینی در ایران در آرامش و آسایش زندگی می کنند.



آثار فرهنگی دینی کلیمیان در موزه میراث فرهنگی ارومیه

تمام شهرهای ایران، بافت یهودی در بخش ستی - و نه حاشیه ای - شهر قرار داشته است. بازار یهودیان در میان بازار مسلمانان بوده و نه مانند تعبیر غربیان در «گنو» و مناطق محصور، و این درباره تمام اقلیت های دینی ایران صادق است.

محمد مسجد جامعی، با تقسیم ادیان به دو گونه ابراهیمی (اسلام - مسیحیت - یهود) و آسیایی (هند و بودائیسم و ...)، دین زرتشت را که انتخاب ایرانیان بود، حد واسط این دو دسته و واجد خصوصیات هر دو دانست و آن را حاصل تفکر گفتگوی تمدن ایرانیان و جهان پیرامون آن ارزیابی نمود.

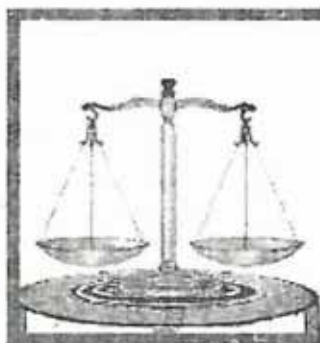
وی در ادامه اظهار داشت: «یهودیت از ابتدای آغازش در ایران پیروانی داشت و در زمان کوروش و جریان ویرانی بیت المقدس، بسیاری از یهودیان به ایران آمدند و آثار مذهبی زیادی در ایران دارند که معروف ترین آنها، مقبره دانیال نبی است.

مسیحیت نیز از زمان حواریون به ایران آمد و از همین سرزمین به شرق راه یافت. آسیای شرقی، کاملاً تحت تأثیر فرهنگ ایرانی بوده و مسجد تاج محل، معماری و هنر ایرانی را در خود جای داده است. همان گونه که کلیساهای اصفهان - بخصوص کلیسای وانک - متأثر از معماری بومی ایرانی هستند».

خورشید از سمت شرق ارومیه و از میان آب های دریاچه ارومیه. وی، گفتگو را منوط به حضور طرفین گفتگو دانست و با تشریح نسبت قابل توجه و چشمگیر پراکندگی به جمعیت یهودیان، آن را دلیلی بر حضور دایم و گسترده یهودیان در حوزه های گفتگوی ادیان و تمدن ها دانست. رییس انجمن کلیمیان به حضور جمعیت ۵۰۰۰ نفری کلیمیان در تاریخ معاصر ارومیه و وجود کنسای ارومیه با ارزش فرهنگی اشاره و خاطرنشان کرد که جهانیان و گردشگران باید نحوه زندگی تفاهم آمیز را در تاریخ یهودیان و ایرانیان جستجو کنند.

هارون یشایی به ذکر سابقه طولانی زندگی یهودیان در ایران پرداخت و اظهار داشت: «یهودی بودن ما، مانعی بر ایرانی بودن ما نیست و این موضوع، تنوری صهیونیستی وابستگی محض یهودیان جهان به دولت صهیونیستی را باطل می سازد».

حجت الاسلام محمد مسجد جامعی، مدیر کل هماهنگی های فرهنگی وزارت امور خارجه، سخنران بعدی بود که گفتگوی تمدنی را - علیرغم طرح علنی آن توسط آقای خاتمی - یک تجربه تاریخی ملت ایران دانست و آن را عامل شکوفایی فرهنگی ایران عنوان کرد. وی با اشاره به سخنان هارون یشایی، اظهار داشت: «در



حقوق اقلیت‌های دینی

در اندیشه و سیره امام علی (ع)

مصطفی دلشاد تهرانی / ح. آزاده

حضرت علی (ع) می‌فرمایند:

هر کس اقلیتی را بیازارد قطعاً مرا آزرده است

روی سهر یا عمد با آنها از موضع گذشت و بخشش برخورد کن، زیرا تو هم در معرض خطا هستی. آیا انتظار نداری خدا تو را ببخشد؟

مطلب دیگری که در کلمات حضرت امیر (ع) وجود دارد این است که به قول جرج جرداق مسیحی، علی (ع) حقیقتی را درک کرده است که دیگران درک نکرده‌اند و آن این است که پیامبران الهی برادران یکدیگرند، لذا پیروان آنان نیز با هم برادرند. در خطبه ۶۰ نهج البلاغه مطابق نسخه دکتر صبحی صالح نیز حضرت می‌فرماید: «أحب العباد إلى الله المتأسّی» یا لبّیّه - محبوب‌ترین بندگان در نزد خدا. او ند کسی است که به پیامبرش تاسی کند.

آیا از این کلام حضرت امیر (ع) استفاده نمی‌شود که امیرمومنان معتقدند که اگر یک اقلیتی به پیامبرش تاسی کند محبوب خداست؟ این یک مبنا و یک نوع نگاه است. اما متأسفانه همیشه در طول تاریخ تفکراتی وجود داشته است که اقلیت‌ها را بیگانه و غیر بومی پنداشته‌اند. پیامبر اکرم (ص) نیز با این نوع نگاه مخالفت داشته‌اند. نقل شده است که ایشان در تشییع جنازه یک یهودی شرکت نمودند. اصحاب اظهار ناخرسندی کردند و گفتند ایشان یهودی بود. شما چرا در مراسم تشییع او شرکت کردید؟ پیامبر بسیار تعجب کردند و فرمودند: مگر او انسان نبوده است؟ این نوع نگاه برای پیامبر تعجب‌آور است.

ما در مطالعه مکتب اسلام درباره عدم بیگانگی و اخوت انسانی و یکسانی گوهر

که آیا تساوی در آفرینش وجود دارد یا نه؟ اگر قایل به تساوی در آفرینش باشیم، نگاه و رفتار دیگری خواهیم داشت.

حضرت معتقد به اصل تساوی در آفرینش است که این اعتقاد مستفاد از سیره و اندیشه پیامبر اکرم (ص) است. در قرآن کریم آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» یعنی همه انسان‌ها از یک پدر هستند و جوهره همه انسان‌ها یکی است. امیرمومنان (ع) نیز فرزند قرآن است و از جمله مسایلی که در اولین خطبه حکومتی بیان می‌فرمایند همین مسئله است. ایشان می‌فرمایند: «همه مردم فرزندان یک پدر و مادر هستند و همه آزادند».

بنابراین نخستین چیزی که حضرت مورد توجه ما قرار می‌دهند اصل تساوی گوهر انسان‌ها است که در عهدنامه مالک نیز به آن اشاره شده است. ایشان می‌فرمایند: در یک نظام اسلامی مردم دو دسته‌اند: فانهم صنفان اما اخ لک فی الدّین او نظیر لک فی الخلق. «مردم دو گروه‌اند، یا مسلمان و برادر تو هستند یا در آفرینش با شما یکسانند». در جامعه اسلامی مذاهب و ادیان مختلفی وجود دارد و زمامداران و کارگزاران باید وجودشان را از لطف محبت نسبت به همه لبریز نمایند. از نگاه امیرمومنان (ع) بیگانگی وجود ندارد و انسان‌ها یا حقوق اخوت اسلامی دارند یا حقوق اخوت انسانی.

در ادامه به مالک می‌فرمایند: اینها ممکن است اشتباهاتی داشته باشند و کارهای ناشایست انجام دهند. گاهی از

حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «من أذا ذمّنا فکانما أذانی» - هر کس اقلیتی را بیازارد قطعاً مرا آزرده است.

اگر ما از امیرمومنان (ع) در مورد حقوق اقلیت‌ها همین یک جمله را داشتیم کفایت می‌کرد که با دو مسئله اساسی روبه‌رو باشیم: ۱- نوع نگاه ما به اقلیت‌ها ۲- نوع سلوک با ایشان.

حقوق اقلیت‌ها در واقع به این معنا است که آنها دارای اختیارات و آزادی‌هایی هستند که به سبب آنها می‌توانند اموری را انجام داده و اموری را انجام ندهند. اگر ما این جمله را از علی بن ابیطالب بپذیریم آیا این معنی بدست نمی‌آید که امیرمومنان (ع) آنان را از خود جدا نمی‌داند و پیوند و قرابتی خاص با آنها احساس می‌کند؟ آیا حکومت، اسلامی و مسلمانان موظف به مراقبت در رفتار و سلوک خود با اقلیت‌ها نمی‌شوند؟

امیرمومنان معتقدند که اگر یک اقلیتی به پیامبرش تاسی کند محبوب خداست

امیرمومنان تأکید می‌کنند که اگر کسی حقوق اقلیت‌ها را زیر پا بگذارد و آزادی‌هایی را که حقوق آنان مطرح شده سلب کند، در حقیقت من را مورد تجاوز و تعدی قرار داده است. بنابراین ما از مجموعه چیزهایی که از حضرت علی (ع) برایمان مانده است و می‌توانیم به آنها استناد کنیم دو چیز است: ۱- مباحث نظری ۲- مباحث عملی و روشی. ذیلاً به شرح هر یک خواهیم پرداخت. مبانی نظری اقلیت‌ها عبارتند از این

همه انسان‌ها در آفرینش به یک اصولی می‌رسیم. این اصول عبارتند از:

اصل همزیستی مسالمت آمیز که باید همه ادیان با هم همزیستی مسالمت آمیز داشته باشند. ۲- اصل روابط مودت آمیز به خصوص نسبت به آنهایی که در موضع مدیریت و حکومت قرار دارند. ۳- اصل برابری ذاتی. ۴- اصل طهارت ذاتی ۵- اصل ابراز عواطف انسانی ۶- اصل صلح همگانی ۷- اصل اتحاد عمومی: همه کنار هم باشند ۸- اصل پایبندی به تعهدات ۹- امنیت عمومی ۱۰- رفاه همگانی ۱۱- عدالت همه جانبه ۱۲- مشارکت عمومی. اینها نکته‌هایی است که می‌توان از اندیشه امام (ع) استنباط کرد. بر این اساس یک حقوقی برای اقلیت‌ها وجود دارد از جمله آزادی مذهبی، مصونیت از تعرض، آزادی محل اقامت و مسکن، حق برخورداری از کمک و یاری و برادری با مسلمانان در حقوق عمومی، حق برخورداری از حقوق اختصاصی ادیان، برابری با مسلمانان در حقوق غیر مذهبی. البته مبتنی بر این حقوق تکالیفی نیز برای ایشان به وجود خواهد آمد، مثلاً پرداخت مالیات‌ها، پذیرش قوانین حکومتی، عدم یاری دشمنان اسلام، مشارکت با مسلمین در هزینه‌های جنگی و عدم توهین به معتقدات مسلمین.

جالب این است که ما یک سلوکی را مبتنی بر این اصول و حقوق از امیرمومنان می‌بینیم که بسیار درس آموز است.

مثلاً در منابع فقهی وارد شده است که حضرت فرمودند: کسانی که در حکومت اسلامی هستند این حقشان است که خون و اموال و جانشان مانند ما مسلمانان محفوظ باشد. در نامه‌هایی که به کارگزارانشان نوشته‌اند سلوک آنها را نسبت به اقلیت‌ها در این سمت و سو قرار داده‌اند. من به چند مورد آن اشاره می‌کنم. در نامه ۶۰ نهج البلاغه حضرت می‌فرمایند: سپاهیان در مناطق تحت اداره شما وارد می‌شوند باید مراقبت شود که مبادا در مسیر حرکت ظلمی به اقلیت‌هایی که در آن مناطق زندگی می‌کنند بشود.

حضرت می‌خواستند به صفین بروند در مسیر به شهر انبار رسیدند مردم انبار

از اقلیت‌ها بودند. جلو آمدند و گفتند ما آذوقه شما را تامین می‌کنیم. (رسم بر این بود و اگر چنین نمی‌کردند از سوی حکومت مورد تعرض قرار می‌گرفتند). حضرت فرمودند: ما از شما چیزی نمی‌خواهیم، اصرار کردند. حضرت فرمودند: به شرطی می‌پذیریم که پولش را بگیرید. گفتند: نه. امام (ع) فرمودند: ما با شما قرارداد می‌بندیم. در ازای مالیاتی که باید بپردازید، آذوقه را می‌پذیریم.

حضرت فرمودند: کسانی که در حکومت اسلامی هستند این حقشان است که خون و اموال و جانشان مانند ما مسلمانان محفوظ باشد

یا در نامه‌ای که به محمد بن ابی بکر می‌نویسند، می‌فرمایند: پروای الهی پیشه کن و سفارش می‌کنم تو را «بالعدل علی اهل ذمه بالانصاف علی المظلوم و بالشده علی الظالم و بالعدل علی الناس» مبادا بر اهل ذمه ظلمی روا داری، اینها چیزهایی است که در فرمان‌های حکومتی امیرمومنان مکرراً تکرار شده است. خود حضرت چنین رفتار کرده است که می‌تواند برای ما نمونه و سرمشقی باشد از جمله داستان معروف که در شهر انبار اتفاق افتاده است.

امیرمومنان شنیدند گروهی از غارتگران معاویه وارد شهر شده و ضمن غارت اموال عمومی وارد خانه یک اقلیت شده‌اند و خلخال از پایش گرفته‌اند. نقل شده است وقتی خبر این قضیه به امیرمومنان (ع) رسید ایشان مریض شدند! هنگامی که خواستند خطبه‌ای در این خصوص بخوانند، نتوانستند بایستند! ایشان در بخشی از این خطبه فرموده‌اند: «با شنیدن این خبر اگر مسلمانی از غصه بمیرد نباید مذمت شود، بلکه شایسته است بمیرد!»

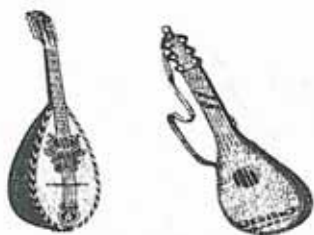
حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «من در میان پیروان تورات به توراتشان و در میان اهل انجیل به انجیلشان و در میان اهل قرآن با قرآن حکم می‌کنم»

نمونه دیگر داستان مشهوری است که همه شنیده‌اید. در زمان خلیفه دوم میان یک اقلیت و امیرمومنان (ع) اختلافی پیش آمد. به نزد خلیفه دوم رفتند امر قضاوت که تمام شد خلیفه مشاهده کرد که علی بن ابیطالب خیلی ناراحت است. گفت: «آیا از این که به نفع آن اقلیت حکم دادم ناراحتی؟» حضرت فرمودند: «هرگز! غصه و ناراحتی من این است که وقتی تو ما را خطاب می‌کردی مرا با کنیه‌ام صدا کردی در حالی که او را به اسم خودش خواندی، چرا میان من و او تفاوت گذاشتی؟» این سلوک امیرمومنان (ع) است.

یا داستان اختلاف آن حضرت با یهودی بر سر زره که در زمان حاکمیت خود اوست. شریح قاضی به امیرمومنان گفت: «دلیل بیابور که زره از آن توست». فرمود: «دلیل ندارم اما زره را می‌شناسم». شریح رای به نفع یهودی داد. یهودی خیلی تعجب کرد و به علی (ع) گفت: تعجب می‌کنم در حالی که شما حاکم وقت هستید و این طور حکم می‌شود. حضرت علی (ع) در جایی دیگر می‌فرمایند: «من در میان پیروان تورات به توراتشان و در میان اهل انجیل به انجیلشان و در میان اهل قرآن با قرآن حکم می‌کنم».

شیخ حر عاملی با استفاده از یک روایت زیبا از امیرمومنان بایی را تحت عنوان تامین اقلیت‌های از کار افتاده باز می‌نماید که داستان آن چنین است: حضرت یک پیرمرد نصرانی را دیدند که در حال تکدی‌گری بود. فرمودند: چرا چنین است؟ گفتند: او یک نصرانی است. حضرت آشفته شدند و اشاره کردند که این چه نگاهی است؟ و امر کردند که هزینه زندگی او باید از بیت المال تامین شود.

نوع نگاه امیرمومنان (ع) می‌تواند راهنمای ما در فهم و رفتار و برخورد‌هایمان باشد. مجموعه این اندیشه و نگاه و سلوک عملی نمونه و الگوی مناسبی است که براساس آن می‌توانیم مناسبات و رفتارمان را با اقلیت‌ها به درستی تمهید کنیم. ■



یادی از نوازنده کلمی:

یحیی زرپنجه (هارون جزاسند)

بهروز مبصری

تمام روز را با این ساز درشت و زمخت به تمرین سخت می‌گذرانید تا جایی که لطیف‌ترین حالات، سریع‌ترین ریزها و بهترین صدادهی ممکنه را از آن تار استخراج می‌کرد از این جهت زرپنجه بی‌نظیر بود

تارساز که همنام او بود دستش را می‌گیرد و می‌گوید: «آخر چنان مضراب به سیم می‌زنی که پوست را پاره می‌کنی.» اما زرپنجه هنگام نواختن با سازهای لطیف و ظریف و خوش صدا این‌گونه نبود، هیچگاه به ساز فشار نمی‌آورد بلکه قدرت و ورزیدگی خود را در سریع‌نوازی و به‌خصوص ریزهای آبشار مانندش به کار می‌گرفت.

در سال ۱۳۰۶ خورشیدی کمپانی انگلیسی H.M.V. (هیس ماسترویس) دستگاه ضبط صفحه را به تهران وارد کرد تا از صدای قمرالملوک وزیری و تار نی‌داوود صفحه پر کنند، زرپنجه نیز از کسانی بود که چند صفحه پر کرد. صفحاتی با آواز پروانه و تکنوازی تار. این تکنوازی‌ها آثاری بسیار دلنشین و زیبا از تار زرپنجه و حاوی مشخصات اصلی لهجه کلمی نوازی در تارنوازی موسیقی سنتی است. اکنون بعد از هفتاد سال می‌توان گفت که ساز زرپنجه حقیقتاً آیتی در قدرت بی‌همتا به مفهوم جسمانی و چابکی بی‌متهای دست و پنجه اوست. بسیار سریع، شمرده، خوش‌آهنگ، با حالت، روان، منظم، گویا، پراحساس، خوانا، و مهم‌تر از همه اصیل است. شنیدن صفحاتش برای تارنوازان - به‌ویژه آنهایی که به قدرت جسمانی و قابلیت‌های اجرایی ناشی از تمرین زیاد علاقه دارند - پس مسحور کننده است. از شنیدن همین صفحات می‌توان دریافت که او تا چه حد زحمت کشیده تا توانسته است به این میزان از ملاححت و روانی و زیبایی ساز بزند.

مرحوم فرهاد دلشاد چنین ادامه می‌دهد:

مرحوم دلشادفر درباره او چنین گفته است:

«زرپنجه از لحاظ تمرین زیاد، معروف و مشهور بود. او به عکس هنرمندان دیگر که برخی به مواد مخدر عادت داشتند، صبح زود از خواب بیدار می‌شد و به ورزش باستانی مشغول می‌شد و پس از ورزش تمام روز را با تار مخصوص به خود که سیم‌های قطوری داشت، تار می‌زد و تارِ زمخت و بدصدا که هیچ‌کس را به کار با آن رغبت نبود. تمام روز را با این ساز درشت و زمخت به تمرین سخت می‌گذرانید تا جایی که لطیف‌ترین حالات، سریع‌ترین ریزها و بهترین صدادهی ممکنه را از آن تار استخراج می‌کرد از این جهت زرپنجه بی‌نظیر بود.»

فرهاد دلشادفر برای علیرضا میرعلی نقی (در کتاب سال شیدا ص ۱۴۳) خاطراتی را از وی ذکر می‌کند:

«روزی یکی از نوازندگان صدای ساز او را شنید و از صدای خوش آن تار متحیر شد و با اصرار ساز خوش صدای دست خود را با ساز او عوض کرد. ساز جدید را به خانه آورد و از شدت بدی صدایش تعجب کرد. بعدها معلوم شد که قدرت پنجه‌های یحیی است که چنین صدایی را از چنین سازی بیرون می‌آورد. بعدها گفته بود او دیگر تار مرا که خوش‌تر می‌خواند پس نداد و من هم نگرفتم چرا که دیدم با آن تار چه خوبتر می‌نواخت.»

وی داستان دیگری را حکایت می‌کند که: «روزی به کارگاه یحیی تارساز (آوانس آبکاریان) می‌رود و تارِ را به قصد امتحان کردن برمی‌دارد اما استاد

یحیی زرپنجه که نام دوم او هارون جزاسند بود در تهران و در خانواده‌ای موسیقی دوست و موسیقی کار تولد یافت.

پدرش آقا ربیع نوازنده دایره بود و آوازهای ضربی هم می‌خواند. برادرش هم به شیوه مرسوم آن دوره - که تار رایج‌ترین ساز آن زمان بود - به نواختن مشغول بود. خانواده زرپنجه از آن‌جا که موسیقی را وسیله ارتزاق و امرار معاش خود قرار داده بودند، فرزندان خود را نیز به یادگیری این فن تشویق می‌نمودند.

یحیی که از دوران کودکی با نوای موسیقی مانوس بود نزد برادرش با مقدمات تار آشنا شد. پس از چند سال کار مقدماتی با تار و نیز آشنایی با تمبک که اصل مهم و پایه آموزش موسیقی در آن دوران بود و برای شاگردان اهمیت بسیار داشت، به محضر استاد زمانه میرزا حسینقلی رسید، سپس به نزد درویش‌خان رفت و به دلایل همکیشی با مرتضی نی‌داود که خلیفه درویش‌خان بود، بعدها به محضر ایشان رسید. بنا بر روایت «مرحوم فرهاد دلشادفر» دستگاه شور را از همه بهتر می‌نواخت زیرا آن دستگاه را نزد خود درویش‌خان فرا گرفته بود، اما از آنجا که موسیقی حرفه اصلی او و خانواده‌اش بود که مجالست دائم با موسیقیدانان آن دوره را در پی داشته، انواع و اقسام پنجه‌ها و شیوه‌های مختلف در تارنوازی را می‌شنید.

دوره جوانی او مصادف با دومین دوره صفحات ایرانی بود و قطعاً نوای هنرمندان مشهوری چون نی‌داوود و ابراهیم سرخوش از طریق صفحه به گوش او می‌رسید (۱).

«یحیی زربنجه چند سفر به اصفهان، رشت و دیگر شهرها داشت نوای ساز او همه جا با استقبال فراوان و بسیار همراه بود و مشتاقان زیادی را به دنبال خود می کشید. در جوانی ازدواج کرده و صاحب فرزند یا فرزندان شد. اما بعدها به دام عشقی ناخواسته افتاد که در این مورد اقبال مساعدت نکرد و روح حساس او را به تباهی، و خانه و خانواده اش را به فروپاشی کشانید».

زربنجه از تاب و توان اولیه افتاد و ضعف روحی بیماری را برایش به ارمغان آورد. سی و دو سه سال بیشتر نداشت که گرفتار بیماری مهلک شد و در بیمارستان بستری اش کردند. ناچار شدند او را زیر تیغ جراحی بفرستند اما جراحی و جراحان از نحوه عمل چرک کرد و از آن جا که در آن زمان (۱۳۱۱ خورشیدی - ۱۹۳۲ میلادی) هنوز پنی سیلین در ایران شناخته نشده بود، عفونت در سراسر بدنش جاری شد و او را به کام سرد و سیاه مرگ فرستاد. زربنجه در میان سکوت مردم و بی اعتنائی همقطاران و تلخی بسیار با حضور معدودی از بستگان به خاک تیره رفت. یادش در فراموش خانه ذهن زمان و صفحاتش در کنج منازل ماند.

یحیی زربنجه در گوشه دلکش درست زمانی که شنونده انتظار دارد بقیه گوشه دلکش را بشنود، با یک چهارمضرب قوی روح و روان شنونده را متحول می کند، زیرا چنین نوازندگانی مرتب در حال شوک وارد کردن به شنوندگان هستند

در هر حال کسی هرگز فکر نمی کرد که او با آن بنیه سالم و جوان به این زودی از دست برود. و اگر در «جزوات یادی از هنرمندان» (چاپ شده در سال ۱۳۵۷) یادی از او نیامده بود شاید همین مقدار اطلاعات هم از او در دسترس نبود. از بازماندگان زربنجه کسی باقی نیست. یحیی زربنجه مطربی عاشق از نسلی دیگر و دورانی فراموش شده است که همچون

صفحات کهنه اش تنها عده ای معدود را آشناست.

اینجا برگرفته از مطالبی بود که آقای میرعلی نقی در سالنامه شیدا ص ۴۲ و ۴۴ به چاپ رسانید.

حال به بررسی صفحه ماهور که یادگار اوست می پردازیم.

در شروع صفحه به شیوه قدما یک چهار مضرب که خیلی سریع و پر قدرت و مضرب های تند و حرکت سریع دست چپ که خیلی قوی است شونده را در جای خود میخکوب می کند. اجرای این شیوه چهار مضرب پر قدرت طوری است که انسان را متحیر می کند.

سپس درآمد ماهور نواخته می شود. درآمدی زیبا، با یک ملاحظاتی خاص. گویی غزلی را از حافظ به یاد می آورد. مضرب های پر قدرتش بیانگر مضرب استادش میرزا حسینقلی است زیرا زربنجه سال ها شاگرد میرزا حسینقلی بوده است.

سپس چند تک مضرب قوی و بعد درآمد دوم یا گشایش از دستگاه ماهور است که بگوش می رسد. همین چند تک مضرب که می شنویم بیانگر آن است که جمله ای دیگر آغاز می گردد.

بعد گوشه حصار به گوش می رسد که محصور است اما او با آن صلابت و قدرت پنجه، گویی می خواهد این حصار را بشکند، زیبایی خاصی را در اجرا دارد و کمتر نوازنده ای این گونه جملات مدون و مرتب و متکی به ردیف را می نوازد. بعد دوباره بازگشت به درآمد تا جمله ای دیگر را آغاز کند که آن جمله دلکش است از گوشه های دستگاه ماهور دلکش اسم و معنی آن روی خودش است و اگر نوازنده ای بتواند درک کند حس کند آنرا با روح و روان خود عجین کند نوای موسیقی اش دلکش می شود و یحیی زربنجه با ادراک قوی احساس زیبا که بیانگر خلاقیت و نبوغ او در نوازندگی اش بود و آن سرعت خارق العاده مضرب ها و حرکت قوی دست چپ وی دلکش را در روح و روان شنونده به تصویر می کشید. گویی انسان آن زیبایی اصوات را رویت می کند.

برده گردانی اش روی دسته ساز خود دلکشی دیگر است. هر مضربش از رنج ها حکایت می کند. از فزونی کهن این سرزمین که بردوش هنرمندان سنگینی می کند. غمی نهفته در این نغمه از سازش پیداست، سوزی جانکاه در صدای تار هویداست که انسان را به تفکر و خویشتن گرایی و می دارد.

آقای محمدرضا لطفی، نوازنده بزرگ تار، در سال ۱۳۶۲ در کلاس مکاتب تار وقتی صفحه ماهور یحیی زربنجه را برای شاگردان بخش کرد، در مورد گوشه دلکشی که نواخت چنین گفت: «نوازندگانی که به درجه کمال از نظر دانش و قدرت نوازندگی می رسند، در موقع نواختن برای شنوندگان، حتی اگر آنها نیز از علم موسیقی بهره مند باشند، نمی دانند که پس از این گوشه و این مضرب چه چیزی را خواهد نواخت. یحیی زربنجه در گوشه دلکش درست زمانی که شنونده انتظار دارد بقیه گوشه دلکش را بشنود، با یک چهارمضرب قوی روح و روان شنونده را متحول می کند، زیرا چنین نوازندگانی مرتب در حال شوک وارد کردن به شنوندگان هستند. اینجاست که قدرت خلاقیت و نبوغ هویدا می گردد» (۲).

یحیی زربنجه در موقع اجرای گوشه دلکش در وقت فرود روی سیم بم هم جملاتی را می نوازد که در واقع تا این زمان کمتر نوازنده ای را سراغ داریم که چنین جملات زیبایی را روی سیم بم در تار بنوازد. آنهم با این صلابت قرص و محکم و قوی. سپس از گوشه دلکش عراق و سپس فرود به درآمد و مدت زمان صفحه تمام می شود.

ای کاش مدت زمان صفحه ها از مرز دقیقه به ساعت می رسید، آن وقت آن قدرت های نهفته و مضربهای بیشتر هویدا می شد.

و ای کاش زربنجه در این زمان می زیست.

۱- سال شیدا شماره (۱) ص ۱۴۴ مقاله سید علیرضا میرعلی نقی.
۲- دی ماه ۱۳۶۲ مکاتب تار

موسیقی در دین یهود

موسیقی، راهی مستقیم برای ارتباط روح با عالم بالا است



آرزو شای

در ادبیات یهود آمده است: «موسیقی پنجره‌ای به زوایای پنهان روح باز می‌کند». در متون چاپی تورات یا تهیلیم (مزامیر داود) یا سایر بخشهای کتب مقدس یهود، علاماتی غیر از اعراب و صداگذاری، روی کلمات یا زیر آنها دیده می‌شود. این علامت‌ها، «طعامیم» (טעמים) نامیده می‌شوند که شکل آنها توسط «اهرون بن مشه بن آشیر» از طبریا در سال‌های ۹۰۰-۹۳۰ قریب تدوین شده است. قرائت متون بر طبق این علامت‌ها (طعامیم) با آهنگ و نوای مشخص، انجام می‌گیرد. شاید بتوان «طعامیم» را نوعی «نت» برای قرائت کتب مقدس دانست.

تنوع موسیقی در بین یهودیان، کاملاً با پراکندگی آنها در سرتاسر جهان مرتبط است

تنوع موسیقی در بین یهودیان، کاملاً با پراکندگی آنها در سرتاسر جهان مرتبط است. دانشمندان یهود از دیرباز به نقش موسیقی در اعتلای روح پی برده بودند. داوید (حضرت داوود) در تهیلیم می‌فرماید «خد.اوند را با شادی عبادت کنید». یکی از راه‌های شاد بودن، استفاده از موسیقی و نواهای مختلف سازها است. در کتاب مزامیر از آلات موسیقی مختلفی نام برده می‌شود و در حفاری‌ها هم تعدادی از آنها، مربوط به قرن‌ها پیش، کشف شده است. در زمان آبادی بت‌همیقداش (معبد بیت المقدس) پانزده پله در صحن مقدس وجود داشته که «الوایان» (افراد خاندان لوی) بر هر پله

کنسای یک شهر با نوای متفاوتی قرائت گردد که ریشه این تفاوت، به فرهنگ بومی و طرز اجرای موسیقی و انواع لحن‌ها و نواهای آن جامعه و محیط برمی‌گردد.

با جستجوی ریشه موسیقی در تاریخ یهود آیه‌ای از تورات جلب توجه می‌کند. در سفر برشیت (۴:۲۱) آمده است: «و یووال پدر همه سازندگان آلات موسیقی بود». در کتاب «تواریخ ایام» که از جمله کتب مقدس یهود است نیز فهرستی از خانواده‌هایی که با «عزرا» از گالوت بازگشتند آمده است: «خانواده‌های خواننده معبد و موسیقیدانان».

«الیشاع» نبی پس از حضور نزد پادشاه برای احراز نبوت، سازی طلب می‌کند که به کمک موسیقی، روح نبوت به او باز گردد

در کتاب پادشاهان دوم (۳:۱۵) نیز آمده است، «الیشاع» نبی پس از حضور نزد پادشاه برای احراز نبوت، سازی طلب می‌کند که به کمک موسیقی، روح نبوت به او باز گردد.

شوفار (شاخ قوچ) نیز که در ابتدا با نواهای مختلف برای گرد آوردن رؤسای خانواده‌ها یا اعلان جنگ به کار می‌رفت، به تدریج فقط در روش‌ها (آغاز سال نو عبری) و در بعضی جوامع در ۴۰ روز سلیحوت با فلسفه به خود آمدن انسان نواخته می‌شود. هر چند در بعضی جوامع در کنیسه‌های «رفورم»، ارگ و گروه گر نقش دارند ولی برخی از دانشمندان یهود استفاده از آلات موسیقی را در کنیسه‌ها

یک پرده از موسیقی مربوط به مزامیر را می‌خوانده‌اند: (شیر لمعلوت یا سرود درجات). آلات موسیقی که در تهیلیم از آنها نام برده شده عبارتند از: نی، قنوت و سازهای بادی مختلف، چنگ، سازهای مانند ستور با سیمهای متفاوت، تار، انواع دف، طبل، سنج، سازهای ضربی متنوع و...

شاید بتوانیم موسیقی را پل ارتباطی جسم و روح بنامیم. یکی از حواس آدمی، حس شنوایی است، بدن به ریتم و توازن صدا عکس‌العمل نشان می‌دهد و روح هم از شنیدن صدای خوش (انسان یا ساز) لذت می‌برد.

به همین علت است که در احکام یهود فرد عازاد از شنیدن موسیقی منع شده است. این قوانین روشن می‌کند که دانشمندان ما از تأثیر موسیقی بر روح و روان انسان آگاه بوده‌اند یکی از خصوصیات شالیح صیور (پیش‌نماز) دارا بودن صدای دلنشین است و در هر جامعه‌ای با نوای خاصی که معمولاً سینه به سینه از پدران ما به ارث رسیده است، تورات و تفیلاها (نمازها) قرائت می‌شود. سرودهای شادی بخشی که در مناسبت‌های مختلف (برمیصوا) سن تکلیف، ازدواج، میلاد (بریت میلاد- ختنه) تحت عنوان «شیرا» خوانده می‌شوند معمولاً اشعاری مذهبی هستند که با آهنگ‌های متنوع همراه هستند. سرود «لیخا دودی» (سروده ربی شلمو هلوی القایص) که بعد از ظهر جمعه برای استقبال شبات در سراسر کنیسه‌های جهان خوانده می‌شود، ممکن است حتی در دو

یاران همراه

فرشاد یوسفی (کرمانشاه)

به نام خالق یزدان یکتا

که سازد این جهان را او به یکجا
نویسم شعرکی هر چند کوتاه
برای اهل دلداران «بینا»
نویسم چند خطی بهر تشر
تشر از شما یاران همراه
عزیزان، عاشقان، زحمتکشانی
که زحمت می کشید از بهر «بینا»
نمی دانم که با چه من کلامی
بگویم خسته نباشید بارک...
تشر می کنم با بی زبانی
موفق باشید عزیزان، هر جای دنیا

ز «آبایی» گرفته تا «لیورا» (۱)

«ثریا» و «صبونیت» و «یشایا»

«حمامی» (۴) و «حکاکیان»، «رزینا» (۵)

«کهن‌باش» و «وفامنصور» و «سارا» (۶)

خلاصه گر که نامی من نبردم

دلیل آن حواس پرتی است جانا

الا ای کس که تو خوانی «بینا»

«هشم» (۷) پشت و پناهت باد هر جا

به پایان می‌رسانم شعرم اینجا

فقط آخر بگویم این سخن را

بیاید من بگویم این به «بینا»

مبارک باشد عید «روش هشانا» (۸)

۱. لیورا سعید ۲. ثریا صالح ۳. هارون یشایی ۴. دکتر حمامی لاله‌زار ۵. رزینا شمیان ۶. سارا حی ۷. خداوند ۸. سال نو عبری

عشق گیاهان

چو گیاهان مثل انسان‌ها و
حیوانات یا ندارند که به سوی محبوب
خویش بروند، و اظهار علاقه کنند،
بنابراین احساس درونی خویش را
نصیب اولین گیاهی می‌کنند که کنار
آنها روئیده است.
تیره نیلوفرها و خیلی دیگر از
گیاهان از این گونه‌اند.
این گل‌ها و گیاهان با تمام عشق و
احساس خویش، به ساقه و بدن گیاه
جانبی خویش می‌پیچند، می‌مانند و
روی بدن همانها خشک می‌شوند و
خویش را فدا می‌کنند.
«چنین باید در عشق مردن»
«به جان، جان چنین باید سپردن»
آ. پرویز نی داوود

آفتاده‌ترین خورشید

به زندگی «من»
کسی مثل دل بایمالم نکرد
کسی مثل دل پر مالالم نکرد
زالال دل پاک دریایی ام
کسی مثل آتش زلالم نکرد
ز بس روز و شب درد می‌کشم
«شنیدم که مادر حالالم نکرد»
به گفتمی نام مرا شاد کرد
ز وصلت ولی ره به حالم نکرد
بیروود هزاران گل نازنین
چرا پس مرا یک نهالم نکرد؟
جوابی شنیدم ز لعل لبش
و ماندم چرا یک سوالم نکرد؟
چو هجران کشیدم من از کودکی
طبیعت تگاهی به سالم نکرد.
آ. پرویز نی داوود

دل‌ها و چشم‌ها

نرکس و شقایق، ریباترین گل‌هایند
دریا و آبشار، ریباترین آب‌ها
علی‌الخصوص که در دل، عشق نهفته است
و در چشم، دیدار.
پروانه و بلبل، ریباترین پرنده‌ها
دل و چشم ریباترین اعضای بدن انسانند.
مواظب دل‌ها و چشم‌ها باشیم

زندگی در اینهاست جاری

لیورا سعید

من از پژمردن یک گل می‌گیریم
از ویرانی جنگل از جاری اشک از فغان یک قناری در قفس
که می‌کوبد در و دیوار را، می‌لرزم
من از آه شقایق
که مانده به زیر لگد کفش‌ها، شرم دارم
از غم یک مرد در بند
از غم یک گل زرد، که سر فرو برده به سنگ
حتی از فریاد مورچه‌ای، که به آب افتاده است ...
زندگی در اینهاست جاری
با کدام رو گل گلدان را نفس انداختید؟
با کدام دست، قناری را قفس انداختید،
پایش شکستید، پرو و بالش گستید

با کدام دل، موری را به آب انداختید؟
عشق شمع را فوت کردید
شقایق را با کدامین کفش،
به زیر خود لهیدید، خرد کردید
با کدام دست آشیانه مرغی را پراکندید؟
مرغ کوچک را زخود رانیدید
لانه را دریغ کردید، آب را پنهان نمودید
زندگی در اینهاست جاری
زندگی در ریشه گل
عشق در آواز بلبل، شور زندگی، پرواز مرغی
سر ماندن، رنج موری
زندگی در اینهاست جاری

گوهر ذات

نریا صالح

من به تو بخشیدم
همه هستی خود
و ز تو می‌خواهم
گردنبندی همه الماس نشان
که بهایش نتوان قدر گذاشت
تا بیاویزم آن را
روی سینه خود
جائی که در آن
قلب من در تپش است
زنجیرش، دانه صدق و صفا
دانه مهر و وفا
آویزش يك قلب بر از مهر بود
بدرخشید همه
بر سینه من
باکی و لطف و صفا، خوشبختی
من ز تو آن گهر ذات
تو را می‌خواهم
من ز تو شادی دل می‌خواهم

شاهراه اصلی

سارا حی
کوره راهی در پیش بود
راهی پر سنگ و کلوخ
شاهراهی می‌خواستم
همراهی می‌جستم
دست‌هایم روبه آسمان بود
از خالق اجداد کمک می‌جستم
دل من مانند آینه صاف، صاف
بدنم می‌لرزید
تپ‌تپی می‌آمد
دمی می‌رفت، بازدمی می‌آمد
ناگهان آن هاله به کناری رفت
کوره راه من، با یاد او
مسلم شاهراهی بود
حالا دیگر این راه پر سنگ و کلوخ
مثل یک راه سرسبز بود
تازه من فهمیدم
هر جا که او باشد
شاهراه اصلی همان جا است



36

آمدئو مودیلیانی

نقاش سرگردان یهودی

علی اصغر قره باغی
تلخیص: ماریتا ماهگرفته

آمدئو مودیلیانی در سال ۱۸۸۴ در شهر «لیورنو» در خانواده‌ای یهودی به دنیا آمد. مادرش زنی روشنفکر بود و شکل خانه‌داری و تربیت فرزندان او با دیگر خانواده‌های یهودی که دریند، سنت‌های خاص نیاکان خود بودند، تفاوت داشت. این تفاوت‌ها خانواده مودیلیانی را از جامعه یهودی آن روز ایتالیا متمایز می‌کرد و آنان را اندکی نامتعارف می‌نمایاند.

آمدئو آموزش منظم نقاشی را در چهارده سالگی آغاز کرد. او در آغاز به شعر و ادبیات بیشتر گرایش داشت و ذوق او در این زمینه بر طراحی و نقاشی اش می‌چربید. مودیلیانی پس از دوران کوتاهی که با استادش کار کرد، به فلورانس رفت و در یک هنرکده نقاشی نام نویسی کرد، اما در آنجا هم دوام نیاورد و سال بعد راهی ونیز شد و در همین جا بود که به الکل و افیون روی آورد. زندگی او در ونیز چند سالی طول کشید و سپس تصمیم گرفت به پاریس کوچ کند و به نقاشان حرفه‌ای آنجا بپیوندد. مسئله مهمی که او در پاریس با آن مواجه شد تعصب‌های شدید ضد یهودی فرانسویان بود که مانند آن را در سرزمین خود، ایتالیا، تجربه نکرده بود. این تعصب‌ها سبب شد تا پیش از پیش به هویت یهودی خود بیندیشد و بیشتر با هنرمندان یهودی بجوشد و نشست و برخاست کند. معاشرانش، «حییم سوتین»، «مارک شاگال»، «تپ شیتس»، «لیسلینگ» و «ماکس یاکوب» بودند. مودیلیانی به سرعت در میان جمع نقاشان پاریس شهرت یافت اما این نام‌آوری نه به سبب هنر او بلکه به علت مصرف بیش از حد مشروبات الکلی و مستی همیشگی او بود! او پس از چندی در محله هنرمندانشین پاریس اقامت کرد، نقاشی کردن را کنار گذاشت و به مجسمه سازی پرداخت. در این زمان مشکل اساسی او بی پولی بود. مجسمه سازی پر خرج‌تر از نقاشی بود و مودیلیانی پولی در بساط نداشت که شکم خود را سیر کند، چه برسد به آنکه اسباب و ابزار مجسمه سازی بخرد. از سر ناچاری مجسمه‌های خود را از سنگ‌هایی می‌تراشید که شبانه

تصویر می‌کرد. پرتره‌هایی که می‌کشید و وقاری که در فیگورهایش نمایش می‌داد در واقع سرپوشی بود که بر رفتار ناهنجار خود می‌گذاشت. البته برخی از آشنایان او اعتقاد داشتند که بخشی از رفتار نامتعارف مودیلیانی ساختگی بوده و ادای نامتعارف بودن را در می‌آورد.

در سال ۱۹۱۹ مودیلیانی به کمک یک دلال آثار هنری و همکاری برخی دیگر از نقاشان فرانسوی نمایشگاهی در لندن برگزار کرد. این نمایشگاه با موفقیت بسیار همراه شد و آثار او بالاترین رقم فروش را داشت و او سرانجام با پولی که از فروش آثارش بدست آورده بود توانست خانه‌ای بخرد و برای اولین بار در خانه‌ای که مال خود او بود اقامت کند اما وضع جسمانی او روز به روز وخیم‌تر می‌شد. افراط در مصرف الکل و تنفس مداوم گرد سنگ در اتاقکی در بسته، او را از پا درآورده بود. آمدئو سرانجام در نیمه شب ۱۴ ژانویه ۱۹۲۰ و در سی و شش سالگی زندگی را بدرود گفت. همسرش پس از مراسم خاکسپاری به خانه خود برگشت و دو روز بعد از پنجره طبقه پنجم خود را به بیرون انداخت و به زندگی خود خاتمه داد.

زندگی مودیلیانی یک خودکشی تدریجی بود. او اکثر اوقات را در مستی و بی قراری به سر می‌برد اما جنبه حسرت‌آور هنرش آن بود که روز بعد نشانی از این شیدایی‌ها و بی‌قراری‌ها در مجسمه‌های با وقار او دیده نمی‌شد. آدم‌های نقاشی‌هایش هم غرق در اسطوره و حماسه خود، شخصیتی جدا از

از کارگاه‌های ساختمانی و بناهای نیمه تمام می‌زدید. مودیلیانی روزها در یک آلونک که کنار اتاقش بود مجسمه می‌ساخت و شب‌ها در کافه‌ها طراحی می‌کرد. طراحی او در کافه‌ها از سر نیاز بود و از این راه پول چند لیوان مشروب شبانه را درمی‌آورد. مردم از او خواهش می‌کردند که سر میزشان بنشیند، برایش مشروب می‌خریدند و او در عوض طرحشان را می‌کشید.

مشکل اساسی او بی پولی بود، مجسمه سازی پر خرج‌تر از نقاشی بود و مودیلیانی پولی در بساط نداشت که شکم خود را سیر کند، چه برسد به آنکه اسباب و ابزار مجسمه سازی بخرد

آغاز جنگ جهانی به مجسمه سازی او پایان داد و او را وارد دوران تازه‌ای از زندگی هنری خود کرد؛ از یک سو جنگ، ساختمان سازی را متوقف و منبع سنگ مودیلیانی را از بین برده بود و از طرف دیگر مصرف بی رویه الکل و مواد مخدر چنان او را ضعیف کرده بود که از عهده کار سنگین سنگ تراشی بر نمی‌آمد. لذا دوباره به نقاشی رو آورد اما با این بار تأثیرات چندین سال مجسمه سازی کار خود را کرده و آشکارا شیوه نقاشی او را زیر سیطره خود گرفته بود. در اکثر نقاشی‌هایش، انسان‌ها را ساکت و آرام



یهودیان ثامرئی

گزارشی از فقر یهود در آمریکای ثروتمند

نوشته: پاول مارگولیس

ترجمه: مهناز سلیمان تهرانی

حالت طبیعی در زمینه‌های گوناگون از سوی سازمان‌های خدماتی کمک می‌شوند. متأسفانه این آژانس‌های یهودی برای رفع مشکلات اعتیاد به مواد مخدر یا الکل و بیماری‌های روحی یهودیان فقیر به خوبی تجهیز نشده‌اند.

اواخر سال ۱۹۹۳ و اوایل ۱۹۹۴ کار من در زمینه فقر یهودیان، انعکاس‌هایی در مطبوعات نیویورک داشت، اما پس از مدتی این اشتیاق‌ها فرو نشست. در همان زمان سازمان‌های خیریه مهم یهودی متوجه شدند که بودجه آنها رو به کاهش است و مجبور به کسر کمک‌ها شدند.

این مردم به تنگ آمده از تهیدستی، توسط مشاوران کانون‌های خیریه که به آنها می‌گویند «شما یهودی‌ها مردمی ثروتمند هستید» مورد طعن و تمسخر قرار می‌گیرند

من در آن شرایط خاص شغلی، بودجه کافی برای ادامه کار در دست نداشتم. طرح‌های من برای پروژه گسترده مستندسازی فقر یهودیان در سراسر آمریکا در همان اوان شکل گرفتن به دلیل فقدان سرمایه، عقیم ماند. من متوجه شدم که نباید انتظار قدردانی به سبب رد کردن دو افسانه غیر واقعی درباره یهودیان جهان را داشته باشم. دو افسانه مشهوری که می‌گویند: ۱- هیچ یهودی فقیری وجود ندارد. تعداد معتادان و مبتلایان به بیماری‌های روانی و یا بی‌خانمان‌ها در این جامعه بسیار اندک است. ۲- تمامی یهودیان مستمند به خوبی تحت حمایت

کمک‌های رو به کاهش و غیر مستمر محلی، ایالتی و دولتی، کاهش یافته باشد. تحقیقات بیشتر مرا به سمت برخی گوشه‌های زندگی این یهودیان کشاند. پناهگاه بی‌خانمان‌ها، محلات کثیف، خانه‌های حمایتی، آشپزخانه عمومی کاشر برای بینوایان و غذا خوری دستجمعی. من به همراه یک حاخام و کارمند یکی از سازمان‌های خیریه به جستجوی یهودیان بی‌خانمان که در ایستگاه‌های اتوبوس، پارک‌ها و کناره پیاده‌روهای حاشیه شهر زندگی می‌کردند، رفتم. دیگر کارمندان مرا به دیدن سالمندان عایدی بگير سازمان خود بردند، این افراد در بخش‌هایی از «بروکلین» و «پرونکس» زندگی می‌کردند که سایر یهودیان مدت‌ها قبل از آن بخش‌ها مهاجرت کرده بودند. من داستان‌های عجیبی شنیدم، مواردی که معمولاً تصور نمی‌شود برای یهودیان صادق باشد. داستان‌هایی از روزها و شب‌هایی که در زندان گذرانده بودند، بی‌خانمانی، بیمارستان‌های روانی، خشونت، اعتیاد و زندگی در خیابان‌ها در سراسر زمستان‌های طاقت فرسای نیویورک.

برخی از این یهودیان به خاطر این که همکیشانان از وضعیت ناگوار آنها مطلع شوند شرمند هستند، به همین دلیل به سازمان‌های خدماتی شهرداری و یا آژانس‌های غیر یهودی متوسل می‌شوند، هر چند در این حال نیز این مردم به تنگ آمده از تهیدستی، توسط مشاوران کانون‌های خیریه که به آنها می‌گویند «شما یهودی‌ها مردمی ثروتمند هستید» مورد طعن و تمسخر قرار می‌گیرند.

در بسیاری از بخش‌ها، یهودیان فقیر، در

در سال ۱۹۹۰، زمانی که تعداد ساعات تدریس من در کالج به نیمی از زمان اولیه کاهش یافت، به مطالعه درباره فقر یهود علاقمند شدم و یا بهتر بگویم این موضوع فکر مرا به خود مشغول ساخت. در آن زمان من از دو شغل پاره‌وقت معلمی و خبرنگاری به زحمت امرار معاش می‌کردم و همچنان به یهودیان دیگری که در وضعیتی مشابه و یا بدتر قرار گرفته بودند، فکر می‌کردم. به طور قطع نیمه بیکار شدن برای من تفریح به حساب نمی‌آمد. علیرغم داشتن درجه فوق لیسانس و ۱۵ سال سابقه کار به عنوان نویسنده و عکاس و معلم، حتی در حومه ناحیه پایتختی نیویورک کار چندان مناسبی برای من وجود نداشت. پس سرنوشت یهودیانی که امکانات و تحصیلات مرا و یا دیگر توانایی‌ها را نداشتند، چه می‌شود؟ این سوال انگیزه‌ای شد برای یک تحقیق ۲ ساله پیرامون گوشه‌های تاریک زندگی فقرای یهودی. در اولین گام با نهادهای خدماتی و اجتماعی یهودی برای یافتن یهودیان مستمند تماس گرفتم. در حالی که عده‌ایی درباره این رفتار من مشکوک بودند، عده‌ایی دیگر مرا به زندگی فقیر یهودی راهنمایی کردند.

در بررسی سال ۱۹۹۰ تخمین زده شد که ۸ تا ۱۰ درصد از یهودیان شهر نیویورک زیر خط فقر زندگی می‌کنند. در میان این «کهنه یهودیان فقیر»- یعنی آنهایی که موقتاً دچار کم‌اقبالی و بی‌پولی نشده بودند- سالمندان بیشتر به چشم می‌خوردند. گمان نمی‌کنم که تعداد آنها از آن زمان تاکنون به لطف

موسیقی در دین یهود

ادامه از صفحه ۳۳

منع کرده‌اند زیرا آلات موسیقی در معبد مقدس استفاده می‌شد و بعد از خرابی دو معبد مقدس، تقریباً تمامی اعمالی که در آنجا انجام می‌شد به غیر از تفیلا برای یهودیان ممنوع اعلام شد.

کتاب انبیاء آمده است که حتی فرشتگان نیز در حضور خداوند سرود می‌سرایند و عظمت خداوند را با نغمه‌های روحانی شکر می‌گویند.

در سیدور نیز با نقل از کتاب انبیاء آمده است که حتی فرشتگان نیز در حضور خداوند سرود می‌سرایند و عظمت خداوند را با نغمه‌های روحانی شکر می‌گویند. «یعقوب گندی» (ابو یوسف) متولد قرن سوم هجری مؤلف کتاب موسیقی به زبان عربی که منشی دربار المونکل نیز هست می‌گوید: موسیقی، راهی مستقیم برای ارتباط روح با عالم بالا است.

موسیقی، بر روان آدمی اثر می‌گذارد و دانشمندان یهود نیز این اثر را شناخته‌اند و بر خواندن دعاها و تفیلاها با نوای خوش تأکید ورزیده‌اند. در کشور ما نیز، نواهای مختلفی برای خواندن سلیحوت (دعای ایام توبه) و تفیلاهای مختلف از قرن‌ها پیش مرسوم بوده که برخی از این نواها توسط موسیقیدانانی همچون «مرتضی خان نی داوود» تأیید شده‌اند. نقش موسیقیدانان یهودی در ایران نیز بر هیچ فردی پوشیده نیست و نیاز به گفتاری جداگانه دارد تا زمانی دیگر...

مأخذ:

۱- جودایکا

۲- سیدور

آمدنو مودیلیانی...

ادامه از صفحه ۳۶

ویژگی‌های انسان‌های عادی داشتند. دکتر «پال الکساندر» یکی از دوستان نزدیک او افیون و حشیش در اختیارش می‌گذاشت و به جای آن طراحی‌ها و نقاشی‌هایش را می‌گرفت. تعداد نقاشی‌هایی که دکتر الکساندر از این راه بدست آورده بود آنقدر بود که وارثان او در ۱۹۹۴ نمایشگاهی از آثار مودیلیانی که به پدربزرگشان تعلق داشت در آکادمی سلطنتی انگلستان به نمایش گذاشتند.

امروز از پس سالیان دراز، به جز چند خاطره و یادداشت درباره زندگی مودیلیانی در دست نیست و تاریخ‌نویسان کلی‌نگر و کلی‌گو هم بی آنکه به جنبه‌های انسانی هنر و هنرمند اعتنایی داشته باشند، فقط به سبک و مکتب پرداخته‌اند. قضاوت کردن درباره این که مودیلیانی واقعاً «شیدا» و «کولی‌وار» بود یا آن که «ادا» در می‌آورده و می‌خواسته به یاری الکل و افیون آن شوریدگی و شیدایی را که به او نسبت می‌دادند به خود تزریق کند و خود را با ویژگی‌های نامی که بر او نهاده بودند تطبیق دهند، مشکل است. لقب *peintre maudit* «نقاش نفرین شده یا نقاش لعنتی» که جامعه هنری پاریس افزون بر مودیلیانی به شاگال و سوتین و کیسینگ هم داده بود، چیزی نبود که دست کم گرفته شود. مودیلیانی و شاگال و سوتین در واقع یهودیان سرگردان پاریس بودند که اگرچه به ظاهر اروپایی بودند اما جامعه هنری پاریس آنان را از خود نمی‌دانست و به آن مفهومی که در ذهن داشت اروپایی به شمار نمی‌آورد. شاگال از گتوی یهودیان روسیه آمده بود، سوتین از لیتوانی و مودیلیانی از شهری کوچک در ایتالیا.

از دیدگاه نقاشان فرانسه این نقاشان همه حاشیه‌ای محسوب می‌شدند، آنچه مرکز هنر شمرده می‌شد فرانسه و آلمان و انگلستان بود. افزون بر این، همه آنها «یهودی» بودند و نقاش یهودی نمی‌توانست به جامعه نقاشان مسیحی تعلق داشته باشد. برای همین هم هست که تا توانسته‌اند آنان را نادیده گرفته‌اند و از متن تاریخ هنر به حاشیه رانده‌اند ■

منبع:

ماهنامه گلستانه - اردیبهشت ۸۰ -
سال سوم - شماره ۲۸

قرار می‌گیرند.

سعی من در تهیه گزارش‌ها آن بود که در برخورد با سوژه‌ها، دلسوز و منطقی باشم، ولی این ساده نبود. مشکلات عدیده‌ای که بر این افراد وارد شده است، روحیات آنان را تغییر داده است و انجام یک مصاحبه عادی با آنها یا حتی گرفتن عکس نیز گاه به دردسر می‌انجامد. علاوه بر این، وارد شدن به محیط زندگی این افراد، بر حالات و افکار خود من نیز تاثیر نهاد. با خود فکر کردم، اگر این وضع برای من پیش آید آیا قادر به تحمل آن هستم؟ همچنین به آینده آنها نیز می‌اندیشیدم. اگر اکنون که اوضاع اقتصادی امریکا «نسبتاً خوب» تلقی می‌شود، وضعیت کمک‌های خیریه به این فقرا چنین است. با افزایش جمعیت و بحران‌های اقتصادی در آینده، چه بر سر آنها خواهد آمد؟

از سوی دیگر و در کنار این سختی‌ها، هنگامی که گزارش‌ها را به افراد مختلف نشان می‌دادم، واکنش‌ها چندان خوشایند نبود. من از غیر یهودیان، چندان انتظاری نداشتم، زیرا ناآگاهی آنها از وضع موجود و نیز تبلیغات و افسانه‌های دروغین درباره رفاه و ثروت «همه یهودیان»، عبارت «یهودی فقیر» را غیر قابل باور می‌سازد. اما مشکل اصلی، مسئولان یهودی‌ای هستند که علیرغم آگاهی از واقعیات، همچنان چشم خود را می‌بندند و با حالتی متعجب می‌پرسند: «یهودی فقیر؟ یهودی معتاد یا بی خانمان؟ در میان ما هرگز چنین چیزی ممکن نیست!»

ضرب المثلی در میان «کابوی‌های امریکایی» رایج است که می‌گوید: «تا اسب نمرده، از آن پیاده نشو». من هم تا زمانی که توان داشته باشم، از مستندسازی زندگی این یهودیان «نادیدنی» دست نمی‌کشم، زیرا اگر کسانی مایل به کمک و حل مشکلات آنها باشند، باید اول وجودشان را ثابت کرد و به همگان نشان داد. ■

منبع:

Invisible Jews,
Documenting Jewish poverty in rich
America,
by Paul Margolis,
Jewish Communication network.

روزی که من گم شدم

نوشته: ایساک بشویس سینگر

ترجمه: اسداله امرایی

«ایساک بشویس سینگر» (isaac bashevis singer) نویسنده یهودی در سال ۱۹۰۴ در لهستان به دنیا آمد. وی بعد از اتمام تحصیلاتش در سال ۱۹۳۵ به نیویورک رفت و تابعیت آمریکا را پذیرفت. «سینگر» با وجود اقامت طولانی در آمریکا و پذیرش تابعیت آن کشور هرگز زبان مادری‌اش را رها نکرد و همواره به آن زبان می‌نوشت. «سینگر» در سال ۱۹۷۸ برنده جایزه نوبل ادبیات شد. وی در سال ۱۹۹۱ از دنیا رفت.

شناختن من کار آسانی است. اگر مردی را در خیابان دیدید که پالتو گل و گشاد بلند، کفش‌های قبر بچه و کلاه لبه‌دار پرچین و چروک به تن دارد، عینکش یک شیشه ندارد و در آفتاب هم چتر برداشته، شک نکنید که منم: پروفیسور اشلمیل.

راستی تا یادم نرفته سرنخ دیگری هم برای شناختن من هست و ردخور هم ندارد. جیب‌هایم همیشه پر از روزنامه و مجله و کاغذ است. کیف دستی هم دارم؛ آن هم یک کاسه پر است و درش به زور بسته می‌شود. خیلی دست و پا چلفتی و چلمن هستم. هر وقت می‌خواهم به بالای شهر بروم خودم را پایین شهر می‌یابم و هر موقع به شرق می‌روم سر از غرب در می‌آورم. همیشه خدا دیرم می‌شود و هیچکس به یادم نمی‌ماند.

همیشه بار و بندیل‌م را جا می‌گذارم و روزی صد بار از خودم می‌پرسم قلمم را کجا گذاشته‌ام؟ پولم کجاست؟ ای داد و بیداد، دست‌مالم کو؟ دفترچه‌ام کدام گوری است؟ من از آن پروفیسورهای کم حافظه هستم.

سال‌هاست که در یک دانشگاه فلسفه درس

می‌دهم و هنوز برای پیدا کردن کلاس درسم دردرس دارم. آسانسور دانشکده هم با من سرناسازگاری دارد. وقتی می‌خواهم به طبقه آخر بروم، مرا به زیرزمین می‌برد و کمتر روزی است که درش روی من بسته نشود. درهای آسانسور دشمن بزرگ من به شمار می‌روند.

علاوه بر گنجی دایمی و گم کردن چیزها، فراموشکار هم هستم. با پالتو وارد قهوه‌خانه می‌شوم وقتی بیرون می‌آیم پالتو تنم نیست. تازه وقتی یادم می‌آید، به خاطر ندارم که در کدام قهوه‌خانه بوده‌ام. کلاه و کتاب، چتر و بارانی و بدتر از همه دست نویس‌هایم چپ و راست گم می‌شوند.

شی عجله داشتم به خانه برسم. تاکسی خبر کردم. راننده تاکسی گفت: «کجا؟» و من به یاد نمی‌آوردم که خانه‌ام کجاست. گفتم: «به خانه می‌روم!»

حیرت زده پرسید: «خوب، خانه حضرتعالی کجاست؟»

گفتم: «چه عرض کنم، یادم نمی‌آید!» - اسمتان؟

- پروفیسور اشلمیل.

راننده گفت: «پروفیسور، من شما را تا دم یک باجه تلفن می‌برم. راهنمای تلفن را ورق بزنید و نشانی منزلتان را پیدا کنید.»

بعد مرا تا اولین داروخانه سر راه برد. در داروخانه یک باجه تلفن عمومی بود. پیاده که شدم راننده بی مروت صبر نکرد و تخت گاز رفت. هنوز وارد داروخانه نشده بودم که یادم آمد کیفم را در تاکسی جا گذاشته‌ام. دنبال تاکسی دویدم و داد زدم: «کیفم! کیفم!» ولی تاکسی دیگر از بانگ رس من دور شده بود.

در داروخانه کتابچه تلفن را برداشتم و ورق

زدم. زیر حرف «ش» را که نگاه کردم سرم سوت کشید. هفت، هشت، «اشلمیل» را ردیف کرده بودند، اما اسم من در بین آنها نبود. همان موقع یادم افتاد که چند ماه قبل هم سرم تصمیم گرفت که اسمان را از دفتر راهنمای تلفن حذف کنیم. دلیلش هم منطقی بود. دانشجویان من، شب و روز نمی‌شناختند و دم به ساعت مزاحم می‌شدند. تازه گذشته از آن، گاهی کسی که با «اشلمیل»‌های دیگر کار داشت اشتباها شماره ما را می‌گرفت.

مانده بودم که چه خاکی به سرم بریزم و چطور به خانه بروم. معمولاً نامه‌هایی را که برایم می‌فرستادند، در جیب بغل می‌گذاختم، اما از بخت بد آن روز جیب‌هایم را تمیز کرده بودم. از طرف دیگر از قضا آن روز، سالروز تولد من بود و هم سرم دوستانمان را برای شام دعوت کرده بود. طفلک کیک بزرگی پخته و روی آن را با شمع‌های زیبایی آراسته بود.

بیچاره میهمان‌ها حتماً الان نشسته‌اند و انتظار می‌کشند که به من تبریک بگویند و من اینجا در داروخانه ایستاده‌ام و سعی دارم خانه‌ام را پیدا کنم.

ناگهان شماره تلفن یکی از دوستانم را به یاد آوردم: دکتر «مادره» الان به او زنگ می‌زنم. شماره او را گرفتم و دختر جوانی گوشی را برداشت.

پرسیدم: «آقای دکتر «مادره» تشریف دارند؟»

دخترک جواب داد: «خیر»

- خانمشان هم نیستند؟

- نه هر دو بیرون رفته‌اند.

- نمی‌دانید کجا می‌شود پیدایشان کرد؟

- من پرستار بچه هستم، آقا و خانم به میهمانی منزل پروفیسور «اشلمیل» تشریف برده‌اند اگر پیغامی دارید، بفرمایید. به ایشان بگویم چه کسی تلفن زده بود؟

- پروفیسور اشلمیل.

- آقا و خانم حدود یک ساعت پیش، راه افتاده‌اند و به منزل شما رفته‌اند.

- ببخشید می‌دانید کجا رفته‌اند؟

- الان که عرض کردم، آنها به خانه شما رفته‌اند.

- خانه مرا می‌شناسید؟

بعد از دقایقی اسم و شماره تلفن بعضی از دوستان دیگر را به یاد آوردم. به تمام آنها تلفن کردم، اما همه آنها به میهمانی منزل پروفیسور «اشلمیل» رفته بودند. گیج و منگ در خیابان ایستاده بودم و نمی‌دانستم چکار کنم. ناگهان باران گرفت. خواستم چترم را باز کنم. «چترم کجاست؟» این هم پرسیدن داشت؟

یادم آمد. لابد آن را جایی جا گذاشته بودم، آهسته زیر سایبان درگاهی خانه‌ای پناه گرفتم. انگار سقف آسمان سوراخ شده بود رعد می‌غرید و برق می‌درخشید. لعنت بر این شانس!

تمام روز هوا گرم بود و آفتابی، حالا که من گم شده و چترم را هم گم کرده بودم توفان در گرفته بود. باران انگار خیال بند آمدن نداشت.

برای آن که خودم را مشغول کنم شروع به حل‌الجی قضیه فلسفی تقدم مرغ یا تخم مرغ کردم. قضیه‌ای که هیچ فیلسوف زبده‌ای نتوانسته به آن پاسخ مناسب و درستی بدهد. لابد مقدر این بوده که من به این مسئله فکر کنم شاید جواب مناسبی بیابم. انگار آب را با سطل از آسمان می‌ریختند. آب باران به پر و پایم می‌چکید و خیس می‌کرد. سرما به تمام تنم رسوخ کرده و آب بینی‌ام سرازیر شده بود. عطسه پشت عطسه.

خواستم بینی‌ام را با دستمال پاک کنم. اما دستمال را هم جای دیگری گم کرده بودم. همان موقع سگ سیاه بزرگی را دیدم که زیر باران خیس آب شده بود و می‌لرزید و نگاه غمبار خود را به من دوخته بود. فوراً شتم خبردار شد که سگ سیاه هم راه خود را گم کرده است. او هم نشانی خانه خود را به یاد نمی‌آورد. سگ بیچاره! برایش سوت زدم. سگ معطل نکرد و به طرف من دوید. محبتش به دلم افتاده بود. با او حرف زدم انگار که زبان آدمیزاد را می‌فهمید، گفتم: «رفیق من و تو همدردیم. من آدم بدبخت و چلمنی هستم، تو هم سگ چلمن و بیچاره‌ای هستی. لابد امروز جشن تولد تو هم هست، حتماً برای تو هم جشن گرفته‌اند. حالا اینجا ایستاده‌ای و می‌لرزی تا

آدم بدبختی مثل من دلش به حال تو بسوزد. صاحبیت هم حتماً در به در دنبال تو می‌گردد. نکند تو هم مثل من گرسنه‌ای؟»



دستی به سر خیس سگ کشیدم، سگ هم دم تکان داد و سر جنباند. گفتم: «هر چه که بر سر من بیاید به سر تو هم می‌آید. من نهایت نمی‌گذارم. تا هر دو خانه‌هایمان را پیدا کنیم. اگر صاحب تو را نیافتم، تو را به خانه می‌برم. دستت را بده ببینم». سگ دست راست خود را بلند کرد و در دست من گذاشت. بی تردید می‌فهمید من چه می‌گویم.

تا کسی‌ای از کنار ما به سرعت گذشت و گل و لای خیابان را به سر تا پای ما پاشید. چند متر جلوتر ناگهان ترمز کرد و یکی داد زد: «اشلمیل، اشلمیل!» سرم را بلند کردم و دیدم که در تا کسی باز شد و یکی از آن بیرون آمد و داد زد: «اشلمیل، اینجا چکار می‌کنی؟ منتظر کسی هستی؟»

پرسیدم: «کجا می‌روی؟» گفت: «این که پرسیدن ندارد. به خانه شما می‌روم. دیر شده، ولی دیر رفتن بهتر از نرفتن است. حالا چرا خودت به خانه نرفته‌ای؟ این سگ مال کیست؟»

ذوق زده و خوشحال گفتم: «خدا. تو را فرستاده! چه شنی! نشانی خانه‌ام را از یاد برده‌ام. کیفم را در تاکسی جا گذاشته‌ام. چترم را گم کرده‌ام و نمی‌دانم بارانی‌ام کجا مانده است.»

دوست من گفت: «اشلمیل! اگر پروفیسور کم حافظه واقعا وجود داشته باشد، تو خودت مظهر مجسم آن هستی!»

وقتی زنگ در آپارتمان را زدم، همسرم در را باز کرد و به محض دیدن من جیغ کشید: «اشلمیل، تا حالا تسوی کدام خراب شده مانده بودی؟ کیفیت کجاست؟ این همه میهمان از عصر تا به حال منتظر تو هستند.

چترت؟ بارانی‌ات؟ این سگ دیگر چه صیغه‌ای است؟»

دوستانمان ما را دوره کردند و پرسیدند: «کجا بودی؟» از بس نگران تو بودیم میهمانی زهرمان شد. فکر کردیم لابد بلایی سر تو آمده است.»

همسرم دوباره پرسید: «این سگ مال کی است؟»

بالاخره گفتم: «نمی‌دانم! در خیابان ویلان بود به خانه آوردمش. عجالتاً اسمش را بگذاریم «هاپو»!

همسرم لبه‌ایش را کج تاباند و گفت: «هاپو! دستت درد نکند. می‌دانی که گربه ما از سگ بدش می‌آید. و طوطی‌ها حتماً از دیدن آن سگته می‌کنند.»

گفتم: «سگ بی‌آزاری است و با گربه انس می‌گیرد و حتماً به پرنده‌ها هم عشق می‌ورزد. انصاف نبود که بگذارم در باران از سرما بلرزد. حیوان زیبایی است»

این حرف را که زدم سگ زوزه‌ای دلخراش کشید.

گربه به داخل اتاق دوید. سگ را که دید پشت خم کرد و به سوی او پرید. انگار می‌خواست چشم او را درآورد. طوطی‌ها هم در قفس‌هایشان پرپر زدند و جیغ و داد سر دادند. آشفته‌بازاری بود که بیا و ببین! دلتان می‌خواهد پایان ماجرا را بدانید؟ هاپو هنوز هم در خانه ما زندگی می‌کند. او و گربه با هم حسابی اخت شده‌اند.

همسرم، هاپو را از من هم بیشتر دوست دارد. هر وقت سگ را بیرون می‌برم زخم می‌گوید: «نشانی خانه‌تان یادتان نرود! هر دوتان را می‌گویم.»

البته کیفم را هیچ وقت پیدا نکردم. چتر و بارانی را هم همین‌طور. مثل همه فلاسفه پیش از خودم از خیر حل معضل مرغ و تخم مرغ گذشتم. در عوض نوشتن کتابی را شروع کرده‌ام با عنوان «خاطرات اشلمیل» البته اگر دست نوشته‌ها را در تاکسی، رستوران و یا نیمکت پارک جا نگذارم به زودی آن را خواهید خواند. عجالتاً این بخش را به عنوان نمونه داشته باشید. ■

منبع: همشهری ۱۳۷۲/۱۲/۱۱



کلیمیان خرم آباد

ابرج کاظمی

اشاره: متن زیر گزیده‌ای است از مقاله‌ای با همین عنوان مندرج در اولین شماره فصلنامه پژوهشی-فرهنگی «یافته» (بهار و تابستان ۷۹) به صاحب امتیازی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان لرستان.

ورود یهودیان به دو شهر خرم آباد و بروجرد باید بعد از حملات تیمور باشد چرا که در حمله آخری، خرم آباد به کلی ویران گردید. تیره‌های ساکن در خرم آباد و نسلی که امروزه به نام خرم آبادی‌ها معروفند بعضاً مهاجرینی می‌باشند که پس از ویرانی خرم آباد وارد این منطقه گردیدند. یهودیان ابتدا در بروجرد مستقر گردیده و سپس به خرم آباد آمدند. این حرکت قطعاً از سال ۸۰۰ هجری قمری به بعد خواهد بود. یورش دوم تیمور در سال ۷۹۵ که به قتل عزالدین محمود اتابک لر انجامید موجب فرار فرزندش سیدی احمد هم شد.

در کتاب ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی آمده است: حضرت صاحبقرآن با سپاه مرتب مکمل متوجه صوب لرستان گشته به تعجیل هر چه تمامتر برانند. و بعد از وصول بفرمود تا بروجرد و حوالی آن را غارت کردند.

خرم آباد که حصنی حصین و پناهگاه متمدنان و قطاع الطريق آن سرزمین بوده مسخر کرده و به کلی ویران ساختند (۱) این هجوم در سال ۷۸۸ اتفاق می‌افتد. بار دوم که یورش نهایی تیمور است مصادف می‌شود با سال ۷۹۵، یعنی پس از فتح شیراز. یهودیان مهاجر پس از این تاریخ و با شکل‌گیری و احیا مجدد شهر است که آرام آرام وارد خرم آباد شده و در این شهر به زندگی ادامه می‌دهند.

بارون دوید baron debode، یکی از مامورین روسیه تزاری که در سال ۱۸۴۵ در میان لر‌ها به سر می‌برد، شهر خرم‌آباد را این چنین توصیف می‌کند. شهر دارای چهار مسجد، هشت گرمابه و یک محله

یهودی‌نشین با چهل تا پنجاه خانوار می‌باشد (۲).

قبل از دی ماه ۱۲۸۸ جمعیت خرم آباد را پانزده هزار نفر نوشته‌اند با پانصد و هفتاد و دو دستگاه عمارت که از این تعداد سی دستگاه متعلق به کلیمی‌ها بوده است (۳).

در آغاز دهه ۱۳۰۰ شمسی از این تعداد جمعیت کاسته می‌شود. طبعاً بیماری‌های عمومی نظیر وبا، مسممه، و بلاهای قهری نظیر زلزله، سیل، قحطی، در نقصان جمعیت تأثیر داشته‌اند. جمعیت در این تاریخ بطور تقریبی هشت هزار نفر تخمین زده شده است.

یک نویسنده ناشناس در سفرنامه خود که حاصل مسافرت او در سال ۱۳۰۰ هجری قمری به خرم آباد است می‌نویسد: «در شهر خرم آباد پنج حمام مربوط به مسلمان‌ها و حمام دیگر جدیدالبنّا از طایفه یهود است (۴)».

حاج میرزا عبدالغفار نجم‌الملک که در سال ۱۲۹۹ هجری قمری به خرم آباد آمده می‌نویسد: شهر خرم آباد جمعیتش پانزده هزار نفر است، از آن جمله یک‌هزار یهودی و مابقی الوار، و معارف آنجا، آقا سید صادق امام جمعه و آقا میرزا صدرالدین است (۵)».

کلیمی‌های هر شهر به گویش مردم بومی آن محل صحبت کرده و فارسی صحبت کردن آنها نیز سخت با فارسی قدیم آمیخته است و همچنین تنها قوم و قبیله‌ای در ایران بوده‌اند که می‌توانستند اصوات نوک زبانی را ادا کنند در حالی که ایرانی‌ها با تمام تلاش از عهده تلفظ آن بر نمی‌آمدند

این تعداد جمعیت که حاج نجم‌الملک قید می‌نماید بر اساس تقریب است و گر نه احصایه درست و منظمی نبوده است که این رقم یا ارقام مشابه بتوانند به حقیقت نزدیک باشند. متأسفانه

اکثر سیاحان و جهانگردان به دلیل در اختیار نداشتن منابع علمی، همه چیز را بر اساس حدس و گمان بیان داشته که بی شک بخش عمده‌ای از آنها دور از واقعیت است.

تا قبل از خلع سلاح در لرستان که به سال ۱۳۱۲ و به دست سرهنگ حاج علی رزم آرا فرمانده وقت تیپ مختلط لرستان (سپهبد و نخست وزیر بعدی) انجام یافت، شهر خرم آباد محدود به دو محله پشت بازار و درب دلاکان بوده است که عمده جمعیت آن در این دو محله تمرکز داشتند. ساختمان‌های ستاد لشکر، سرپازخانه، فرمانداری، عدلیه، مالیه، و نقاطی نظیر سبزه میدان، شهنوازی و شمشیر آباد که در این تاریخ به نام گاسپریان معروف بوده همه و همه بخش دوم یا به اصطلاح منطقه جدید و نوساز شهر را تشکیل می‌داده است و مردم جز در مواقع ضروری با چنان مکان‌هایی در ارتباط نبودند. نیاز روزانه و مایحتاج هم در بازارها و دکان‌های دو محل مورد بحث تأمین می‌شده است.

کلیمی‌های خرم آباد نسل در نسل در محله درب دلاکان و در کوچه‌ای که به نام یهودیان شهرت داشته زندگی می‌کردند و جز در مواردی خاص که حاصل روحیه ماجراجویانه بعضی انسان‌هاست، در بقیه موارد از حمایت معمرین و بزرگان شهر برخوردار بوده‌اند. مرحوم آیت ا... آقا ابوتراب جزایری که از اجله زهاد و علمای لرستان در یکصد سال اخیر بوده است همواره بر حفظ حرمت و حراست آنها تأکید داشته، به طوری که منقول است، در مراسم ترحیم و بزرگداشت مرحوم آیت ا... آقا ابوتراب (جزایری، کلیمی‌های خرم آباد شرکت فعالانه داشته و با این کار سپاس خود را از حمایت‌های او نشان داده‌اند. سایر علما و معاریف نظیر مرحومان

میرزا صالح لرستانی، حاج شیخ عبدالرحمن، رحیم خان معین السلطنه چاغروند، حاج علی اصغر خرم آبادی، صادق جوادی، حاج سیف... خان والی زاده و بسیاری دیگر نیز مقید به حمایت از آنان بوده و از آزار آنان جلوگیری می نمودند. به همین دلیل کلیه های مقیم خرم آباد در کنار این حاشیه امنیت به راحتی زندگی می کردند و از طرق مختلف امرار معاش می نمودند. مشاغل عمده کلیه های مقیم خرم آباد، بزازی، باغداری، زرگری و طبابت بوده است. (۶)

در کمرکش خیابان فعلی فردوسی به حافظ یعنی از راست بروجردی ها، کوچه های باریک با پیچ و خم های فراوان به خیابانی که امروزه کمربندی نامیده می شود منتهی می گردد. این کوچه از دیرباز به یک اقلیت کلیه مقیم خرم آباد تعلق داشت که تاریخ دقیق اسکان آنان و همچنین اجداد آنها مشخص نیست. ولی هر چه هست «گورجی» (گورستان- جهودها)، در منطقه حوض موسی با این که آثار آنها به تدریج از بین رفته حکایت از سالیان فراوانی دارد که آنان در این شهر ساکن بوده اند. کلیه خرم آباد با هم مسلکان خود در اغلب شهرها و بیشتر بروجرد ارتباط داشته و ازدواج و روابط درون گروهی خود را حفظ کرده اند. جالب این است که کلیه های هر شهر به گویش مردم بومی آن محل صحبت کرده و فارسی صحبت کردن آنها نیز سخت با فارسی قدیم آمیخته است و همچنین تنها قوم و قبیله ای در ایران بوده اند که می توانستند اصوات نوک زبانی را ادا کنند در حالی که ایرانی ها با تمام تلاش از عهده تلفظ آن بر نمی آمدند. کلیه های به هنگام سخن گفتن دست ها را زیاد تکان داده و عضلات صورت را به حرکت در می آورند و این کاری است که ایرانیان به کلی از آن اجتناب می ورزیدند. درس خوانده های آنان عبری را به نحو مطلوب و اصیل می نوشتند و صحبت می کردند و در مواردی نامه های خود را به زبان فارسی با گرایش عبری می نوشتند.

تعدادی از یهودیان ساکن خرم آباد با

دوستی و مودت بین آنها برقرار بوده است.

جالب این است که کلیه های بروجرد هم با همان گویش مردم بروجرد صحبت می کردند و چیزی از آنها کم نداشتند. از معروفترین کلیه های خرم آباد تا زمان رفتن به فلسطین می شود از یوسف و عزیز شماش که هر دو بزازی بودند اسم برد.

خواجه عزیز شماش نماینده تام الاختیار یهودیان خرم آباد در روزهای واپسین مهاجرت آنان بوده و با فرمانداران روسای وقت نیز در ارتباط بوده است. یوسف شماش، نصیر زرگر، فرج شماش، اسماعیل اطلس، ابراهیم یعقوبیان و چند تن دیگر از سرشناس ترین این اقلیت مقیم خرم آباد به شمار می رفته اند.

گورستان کلیه های مقیم خرم آباد در عین حال از گردشگاه های مردم خرم آباد بوده است. این محل از قدیم الایام به نام حوض موسی شهرت داشته و در حال حاضر نیز آثار و بقایای آن موجود است. حوض موسی در مشرق شهر خرم آباد و به فاصله دو کیلومتری کوه مدبه modba قرار دارد، وجه تسمیه آن به علت وجود حوض و سنگ نوشته ای است که به همین نام شهرت دارد.

در جنوب غربی این دره گورستانی متروک به نام «گورجی» (گور جهودها) متعلق به کلیه های خرم آباد بوده که مردگان یهودی را در آنجا دفن می نمودند. (۷)

کتاب آثار باستانی و تاریخ لرستان اشاره دارد به این که در شرق شهر کهنه خرم آباد محله ای است که تا سال های پیش کلیه های در آنجا سکونت داشتند و اکنون بیشتر از ۵ الی ۶ خانوار از آنان باقی نمانده و همگی مهاجرت نموده اند. (۸) در این محله کنیسه ای قدیمی هست که چند بار تجدید ساختمان و مرمت شده است. بر دیوار جنوبی آن سنگ نوشته ای سیاه رنگ به طول ۳۴ و عرض ۲۲ سانتیمتر شامل دوازده سطر و به خط عبری باقی است.

کلیه های خرم آباد تا مهرماه ۱۳۲۹ فاقد اتحادیه یا چیزی شبیه به آن بوده اند که بتوانند در ارتباطات فرهنگی و

تجارب دراز مدت اطبا سنتی خوبی از آب در آمده بودند. حکیم یعقوب از مطرح ترین آنها به شمار می رفته است. آشنایی نسبی آنها با کتاب های طب سنتی نظیر قانون بوعلی و تحفه حکیم «رمن و عمری را سرکار داشتن با بیماری های بومی، و در کنار آن شناخت گیاهان طبی و کاربرد آنان و همه و همه کوله باری از تجربه را بر ایشان به میراث گذاشته بود.

از حکیم یعقوب که به لهجه محلی (یاقو) استعمال می گردیده که بگذریم همه داکل از یهودیان کحال {کحال به معنی کسی که به چشم سرمه می زند، یا چشم پزشک است} بوده است که با استفاده از همین داروهای سنتی که بیشتر به صورت گرد بوده است به معالجه چشم بیماران می پرداخت.

کلیه های مقیم خرم آباد اعیاد و



نورالله شماش، از بزرگان کلیه های خرم آباد

مراسم سنتی خود را در منزل و یا در کنیسه به جای می آوردند. سنت دیرپای شنبه تعطیل و فارغ بودن یا فارغ نمودن خود از کار و پرهیز از هر چه کار و زندگی باشد و در پای بندی آنان به سنت های مذهبی یکی از اصول خدشه ناپذیر آنان بوده است.

در اعیاد خاص خود کولابندان {احتمالا ساختن سایه بان مذهبی به نام سوکا- سردبیر} کرده و چادری از برگ کاج می ساختند و به خواندن تورات و ذکر اوراد می پرداختند... از بزرگان مذهبی و مردمی آنها فردی به نام ملا آکلو بوده است که به شدت از او تبعیت می کردند و حرمت او را داشتند.

گاهی تعدادی از یهودیان مقیم بروجرد برای دیدن همکیشان خود به خرم آباد آمده و بالعکس کلیه های خرم آباد به بروجرد می رفتند و عوالم

اجتماعی حضور عنصری داشته باشند، روی این اصل در تاریخ چهاردهم مهرماه سال ۱۳۲۹ طی نامه‌ای از فرماندار وقت که در آن روزگار شخصی به نام وثوق بوده است تقاضا می‌کنند که خواجه عزیز شماش از کلیه‌های معروف به نمایندگی از طرف آنان در اموری که حضورشان الزامی است شرکت داشته باشد. این نامه را قریب به سی نفر از کلیمیان مقیم خرم آباد امضا کرده و به فرمانداری می‌فرستند. بعضی‌ها به عبری امضا کرده‌اند و نوشته‌اند:

متن این نامه از این قرار است:

۲۹/۷/۱۴ جناب آقای فرماندار خرم آباد چون کلیه‌های این شهرستان به واسطه نداشتن سرپرست و معتمدی همواره برای انجام کارهای دولتی و مالیاتی و فرهنگی ملی و اوضاع داخلی و غیره می‌بایستی از کارهای خود بیکار شویم، لذا از این تاریخ آقای خواجه عزیزاله شماش بزاز را به سرپرستی و معتمدی خود معرفی و استدعا داریم امر مقرر فرمایند که در تمام مراحل اداری و غیره به نامبرده مراجعه شود و مشارالیه از طرف کلیه کلیه‌های خرم آباد معتمد و مختار است.

امضا جمعی از کلیمیان خرم آباد

مدارس تحت عنوان آلیانس و آلیانس خرم آباد

این مدارس بر اساس گردآوری فرزندان یهودیان در یک مرکز آموزشی بنیان گذاشته شده بود و برای زمینه سازی تاسیس این گونه مدارس نمایندگان آلیانس اسرائیلیت در سفر ناصرالدین شاه به فرنگ (۱۸۷۳-۱۲۹۰ ه.ق) با وی ملاقات و تاسیس مدرسه آلیانس را در ایران نمودند. شاه نیز قول داد که آن را به مرحله عمل درآورد. در سال ۱۳۱۵ قمری شخصی به نام موسیو کازس از بیروت مامور گردید که این مدرسه را در تهران بنا نماید. دو نفر معلم یهودی، یعنی از روحانیون یهودی تعیین شدند برای تدریس فارسی چند نفر مسلمان هم به استخدام مدرسه درآمدند. محل مدرسه را در تهران جامعه یهودیان، معادل ۱۲۰۰ فرانک در سال اجاره کردند. مدرسه

دارای ۶ معلم عبری و فارسی بود و تعداد دانش آموزان هم در ابتدا ۲۰۰ نفر و بعد به ۴۲۱ نفر رسید. با شکل گرفتن این مدرسه در تهران به تدریج در سایر شهرهای ایران مدرسه آلیانس نیز بوجود آمد به خصوص در نقاطی که کلیه‌ها بیشتر زندگی می‌کردند شعبات همدان، سنندج، اصفهان، تویسرکان، کرمانشاه نیز از آن جمله است. در ابتدای جنگ بین الملل اول مدرسه آلیانس فرانسه تعطیل گردید منتهی فقط یک سال که از طرق مختلف، کمک مالی شد و دوباره پا گرفت.

دانش آموزان مدارس آلیانس، انگلیسی هم می‌خواندند در کنار دانش آموزان کلیه‌ی محصلین مسلمان هم پذیرفته می‌شدند و در کنار هم درس می‌خواندند. مدارس آلیانس بعد از شهریور بیست با نام مدارس ملی اتحاد به فعالیت خود ادامه دادند

دانش آموزان مدارس آلیانس، انگلیسی هم می‌خواندند در کنار دانش آموزان کلیه‌ی محصلین مسلمان هم پذیرفته می‌شدند و در کنار هم درس می‌خواندند. مدارس آلیانس بعد از شهریور بیست با نام مدارس ملی اتحاد به فعالیت خود ادامه دادند. در نامه‌ای که رئیس معارف اصفهان به وزارت معارف می‌نویسد عنوان می‌کند که: «اصفهان تقریباً دارای ده هزار کلیه‌ی است که در یک محله مجاز به نام «جوباره» زندگی می‌کنند. وجود مدرسه آلیانس برای آنان حیاتی است و با تعطیل شدن این مدرسه مشکلاتی هم برای کلیمیان اصفهان بوجود آمده که باید سریعاً به آن رسیدگی شود» و به همین امر موجب می‌شود که وزارت معارف در تکاپوی راه انداختن آن، دوباره این مدرسه را راه می‌اندازد.

مدرسه آلیانس در حدود سال‌های ۱۳۰۸-۱۳۰۹ در خرم آباد و در زمان ریاست مرحوم اعتضاد رازانی تاسیس گردید... این مدرسه در نقطه‌ای که امروزه به نام راسته بروجردی‌ها معروف است، در محلی که اینک شعبه بانک ملی است افتتاح گردید. ساختمان آن تغییراتی را پذیرفت و در حقیقت شعبه‌ای از

مدرسه آلیانس بروجرد به شمار می‌رفت، عبدالحسین خرمی نخستین کسی که در خرم آباد به تاسیس چاپخانه اقدام کرد و خوشبختانه تا زمان نوشتن این یادداشت‌ها در قید حیات است در مصاحبه‌ای که با دوست و نویسنده ارجمند فرید قاسمی دارد در این باره می‌گوید:

«مدارس آلیانس بروجرد به ریاست یک کلیه‌ی به نام الجازاده تشکیل گردید. او با همکاری مرحوم اعتضاد رازانی زمینه ایجاد و تشکیل مدرسه آلیانس خرم آباد را فراهم نموده و بر این اساس یکی از کلیمیان فارغ التحصیل بروجرد را برای این کار به خرم آباد اعزام داشتند و به جز دو مورد مرحوم علی دعوتی و مهدوی نامی که پسر رئیس دادگستری وقت خرم آباد بوده‌اند در بقیه موارد رئیس مدرسه آلیانس از کلیه‌ها تعیین می‌شد. هر چند که این مدرسه تنها اختصاص به دانش آموزان کلیه‌ی نداشت بلکه دانش آموزان خرم آباد و غیر کلیه‌ی نیز در آن درس خواندند. همین طور معلمان این مدرسه ترکیبی از معلمین یهودی و مسلمان بود. در این مدرسه زبان فرانسه هم تدریس می‌شد. تامین زمینه‌های مالی آن از طریق وصول شهریه به انجام می‌رسید»

پی نوشت:

- ۱- ظفرنامه شرف الدین علی یزدی به تصحیح محمد عباسی چاپ امیرکبیر ص ۵۸۸
- ۲- سفرنامه یارون دویاد، متعم در سفرنامه درباره لرستان، نوشته سیسل جان ادمونز ترجمه سکندر امان الهی و لیلی بختیار، ص ۱۸۸
- ۳- سفرهای رضاشاه به لرستان، چاپ دانش محمدرضا والی زاده معجزی ص ۳۶
- ۴- تاریخ خرم آباد فرید قاسمی انتشارات افلاک ص ۱۰۷
- ۵- همان مأخذ
- ۶- دکتر پولاک در کتاب ایران و ایرانیان می‌نویسد: یهودیان سایر شهرهای ایران با توجه به امکانات و محیط زندگی اغلب در کار ابریشم بافی، تراش شیشه، کارهای زرگری، جواهر سازی بوده و تعدادی از آنها در علم شیمی هم تبحر داشته‌اند در طبابت نیز صاحب اعتبار و حکمای زیادی در طول تاریخ از میان یهودیان برخاسته است.
- ۷- آثار باستانی و تاریخی لرستان تألیف حمید ایزد پناه چاپ دوم پاییز ۱۳۶۳ چاپ نقش جهان ص ۱۵۱
- ۸- منظور از شهر کهنه همان محله درب دلاکان است که یهودیان در آن سکونت داشته‌اند.

سوئیس و یهودیان در جنگ جهانی دوم

سیما مقتدر



اشاره - از وقایع مهم تاریخی که قرن گذشته میلادی رخ داده و خاطره تلخ آن به سختی از ذهن‌ها دور می‌شود، وقوع جنگ جهانی دوم است. این جنگ در سال‌های ۱۹۳۹-۴۵ قسمت وسیعی از اروپا را در بر گرفت و علاوه بر ایجاد ویرانی‌های فراوان، بیش از ده‌ها میلیون نفر نیز کشته شدند. پس از خاتمه جنگ تا به امروز در کمیسیون‌های متعدد، نقش کشورهای درگیر و شرکت کننده در این جنگ و جبران خسارت‌های ناشی از آن بررسی می‌شود. یکی از این کمیسیون‌ها در آخرین روزهای سال میلادی ۱۹۹۹ عملکرد کشور سوئیس را در جنگ جهانی دوم مورد بررسی قرار داده است.

متن حاضر ترجمه‌ای از گزارش این کمیسیون به نقل از روزنامه «زودوویچه زایتونگ» (دسامبر ۱۹۹۹) می‌باشد.

کشور سوئیس در جنگ جهانی دوم با سیاست خود در مقابل پناهندگان، از هر گونه کمکی به هزاران انسان در معرض نابودی خودداری ورزید. در آن زمان سیاست سوئیس، سخت متأثر از تفکر ضد یهودی و مبارزه علیه نفوذ بیگانه بود. گروهی از کارشناسان بین‌المللی به ریاست یکی از پروفیسورهای سوئیسی در رشته تاریخ اعلام نموده‌اند که حداقل با ورود ۲۴۰۰۰ پناهنده که (اغلب آنها یهودی بودند) در مرز سوئیس مخالفت شده و به طور غیر مستقیم امکان نابودی آنها توسط حکومت نازی فراهم گشته است. با توجه به اینکه از بسیاری از این قربانیان سندی در دست نیست احتمالاً تعداد آنها بیش از این رقم می‌باشد.

کمیسیون بی طرفی بنام «برگیر» که در دسامبر ۱۹۹۶ از طرف کشور سوئیس

سوئیس بسیاری از غیرنظامیان فراری، پناهنده نبودند بلکه خارجیان ناخوانده برای این کشور محسوب می‌شدند. یهودیان هم فقط به دلایل نژادی به عنوان پناهنده پذیرفته می‌شدند و هزینه زندگی و اقامت آنها توسط کمک‌های اجتماعی یهودیان دیگر تامین می‌شد.

برای مقامات سوئیسی بسیار مهم بود که کسی به کشور آنها پناهنده نشود. در سال ۱۹۳۸ حکومت نازی به درخواست دولت سوئیس، گذرنامه‌های یهودیان را جهت شناسائی سریعتر آنها به علامت "J" مهور نمود. ("J" در زبان لاتین حرف اول واژه‌ای به معنای «یهودی» می‌باشد). بر اساس گزارش ارائه شده اگر این مهر بر روی گذرنامه‌ها زده نمی‌شد بسیاری از قربانیان حکومت نازی می‌توانستند قبل از سال ۱۹۴۲ از طریق سوئیس یا کشورهای دیگر از مرگ نجات یابند. کمیسیون «برگیر» به این نتیجه رسیده است که استفاده از علامت "J" و سایر تصمیماتی که برای پناهندگان اخذ شده بود تماماً با قوانین آن زمان سوئیس در تضاد بوده است.

در عین حال گزارشی که توسط بی بی سی تهیه شده حاوی مطلب دیگری است. در این گزارش به نقل از کارشناسان آمده است که عبور قطارهای حامل یهودیان رانده شده از مقصد ایتالیا و فرانسه، از طریق کشور سوئیس فاقد هر گونه پایه و اساس می‌باشد.

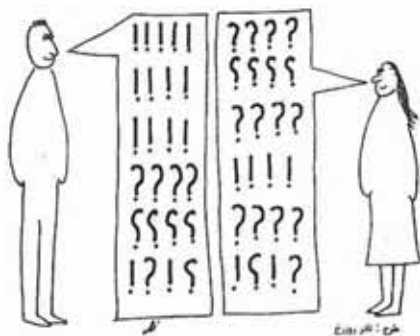
پس از انتشار گزارش کمیسیون «برگیر» در آخرین روزهای سال ۱۹۹۹، رئیس جمهور وقت سوئیس، خانم روت درایفوس (Ruth Dreifuss) که خود از یک خانواده یهودی می‌باشد از سیاست اشتباه آن زمان سوئیس در مقابل پناهندگان که دیگر به هیچ وجه جبران پذیر نیست، عذر خواهی کرد.

جناح راست ملی سوئیس که معتقد به بی طرفی و غیر وابسته بودن سوئیس می‌باشد از تاریخ نویسان چپ گرای داخلی و خارجی انتقاد نموده و اظهار داشته چگونه آنها به خود اجازه می‌دهند اکنون در مورد عملکرد مقامات دولتی سابق قضاوت کنند.

ماموریت بررسی نقش این کشور را در جنگ جهانی دوم بر عهده داشت، در جلسه ای قبل از شروع هزاره جدید میلادی گزارش ۳۵۰ صفحه‌ای خود را ارائه نمود. این گزارش قضاوت سختی بر عملکرد سوئیس دارد: «علاوه بر اینکه مقامات سوئیسی بعد از سال ۱۹۴۲ موانعی جهت عدم ورود پناهندگان یهودی فراهم ساخته‌اند، خواسته یا ناخواسته به حکومت نازی در دستیابی به اهدافش نیز کمک کرده‌اند.

این برخورد سوئیس به عنوان حالت اضطرابی تلقی نمی‌شود و این کارشناسان معتقدند دلیلی مشاهده نمی‌شود که گشایش مرزها، حمله متحدین یا مشکلات اقتصادی را موجب می‌شده است. اما از آنجا که بین مأمورین دولتی و اهالی سوئیس افراد انسان‌دوست و شجاعی هم وجود داشتند که با وجود تمام ممنوعیت‌ها، به فراریان یهودی به صورت غیر مجاز پناه می‌دادند، تعداد پناهندگان جنگ جهانی دوم در سوئیس به بیش از ۵۱۰۰۰ نفر رسید. از این تعداد حدود ۲۱۰۰۰ نفر یهودی بودند. دشوارترین زمان وقتی بود که مرزهای سوئیس در سال ۱۹۴۲ به روی پناهندگان بسته شده بود. زیرا در این هنگام، مقامات سوئیسی از کشتار جمعی یهودیان در آلمان مطلع شده بودند و آخرین امید فراریان، ورود به سوئیس بود.

در قسمتی از گزارش این کمیسیون آمده است: تنها در ژوئیه ۱۹۴۴، پس از قربانی شدن بسیاری از انسان‌ها، سوئیس با پناهنده شدن یهودیان به این کشور موافقت کرد. اما مقامات سوئیسی در کنار این موافقت کماکان خواستار خروج هر چه سریع‌تر یهودیان از سوئیس بودند. از نظر



مردان مریخی

زنان ونوسی

(گزیده کتاب - قسمت دوم)

درست همان طور که زن‌ها می‌خواهند کسی به حرف‌هایشان و احساساتشان بها دهد، مرد به مورد پذیرش قرار گرفتن حساس است و این طبیعت اوست

هست، نپذیرفته است، درست همان طور که زن‌ها می‌خواهند کسی به حرف‌هایشان و احساساتشان بها دهد، مرد به مورد پذیرش قرار گرفتن حساس است و این طبیعت اوست.

هر احترامی برای بهبود و اصلاح این امر، این پیام را به شوهرتان مخابره می‌کند که شما قصد تغییر او را دارید و دلیلش هم این است که او به اندازه کافی خوب نیست. وقتی عشق و محبت بیشتری دریافت کردید، همسران نیز طبیعتاً خوشحال‌تر خواهد شد. مردها وقتی احساس کنند که توانسته‌اند نیاز نزدیکان خود را برآورده سازند، احساس بسیار خوبی پیدا می‌کنند. وقتی تقاضای موثر برای دریافت کمک را رعایت می‌کنید، نه تنها به همسران احساس مهر و محبت بیشتری می‌دهید، بلکه تضمین می‌کنید که به آنچه شایسته آن هستید، رسیده‌اید. ■

۲- حالات طلبکاری و توقع را از خواسته خود دور کنید.

۳- خلاصه حرف بزنید.

۴- صراحت داشته باشید.

۵- از عبارات و کلمات مناسب و خوشایند استفاده کنید.

به خاطر سپاری این نکات، در بهبود زندگی شما موثر است پس لطفاً به خاطر داشته باشید:

- وقتی از همسران تقاضای کمک می‌کنید و او پاسخ منفی می‌دهد، و شما به این پاسخ منفی او اعتراض نمی‌کنید، او این طرز برخورد شما را به خاطر می‌سپارد، و در فرصت دیگری، به احتمال زیاد به شما پاسخ مثبت می‌دهد.

- وقتی مردی غرغر می‌کند، نشانه آن است که می‌خواهد تقاضای شما را با نیازهای خودش بسنجد.

یکی از عناصر موثر و مهم در تقاضای کمک موثر این است که بعد از طرح خواسته خود، سکوت کنیم.

دلیل آن گاهی از خود می‌پرسیم که چرا مردها در برابر تقاضای کمک زنشان، تا این اندازه حساس هستند.

تنبلی مردها نیست، دلیلش نیاز مردهاست که می‌خواهند هر طور شده مورد پذیرش قرار گیرند. هر تقاضای زن، برای دریافت خدمات بیشتر از شوهرش، او را به این فکر می‌اندازد که خانم او را آن طور که

نویسنده: دکتر جان گری - ترجمه مهدی قراچه داغی
تلخیص: شرکان انورزاده (احدوت)

چگونه از همسرمان درخواست کمک کنیم و آن را بدست آوریم؟

اگر به حمایت دیگران احتیاج دارید و آن را به دست نمی‌آورید، ممکن است دلیلش این باشد که به اندازه کافی خواهان این حمایت نیستید و یا خواسته خود را به شکلی مطرح می‌سازید که موثر واقع نمی‌شود. درخواست محبت و حمایت برای موفق شدن در هر رابطه زناشویی اهمیت دارد. اگر خواهان دریافت آن هستید، باید آن را طلب کنید. هم زن‌ها و هم مردها در کار تقاضای حمایت، با دشواری‌هایی روبرو هستند. اما در مقایسه با مردها، زن‌ها در این زمینه دشواری بیشتری دارند. خانم‌های محترم، وقتی از شوهرتان حمایت می‌طلبید، فرض را بر این بگذارید که نیازی به متقاعد کردن او ندارید.

مردها وقتی احساس کنند که توانسته‌اند نیاز نزدیکان خود را برآورده سازند، احساس بسیار خوبی پیدا می‌کنند.

ضمناً برای متقاعد کردن شوهر، به این نکات توجه کنید:

۱- خواسته‌تان را در زمان مناسب بیان کنید.

❖ جهان هر کس به اندازه وسعت فکر اوست. (محمد حجازی)

❖ هنر، کلید فهم زندگی است. (اسکار دایلند)

❖ تغییر دهندگان اثر گذار در جهان کسانی هستند که بر خلاف جریان آب شنا می‌کنند. (والتر نیس)

❖ در جستجوی نور باش، نور را می‌یابی. (آرنت)

با مخاطبان

مدیر مسئول محترم مجله سینا

با اهدای سلام؛

احتراما ضمن تشکر از ارسال مجله و بهره‌مندی وافی اینجانب از مجموعه مطالب متنوع آن، در قسمت اشعار موزون و مقفی احساس کردم می‌شود کار بهتری ارائه داد ضمن اینکه اشعار موجود با کمی قریحه و توجه می‌توانست مشکلات جزئی برطرف شود و از عبارات و کلمات ادبی‌تری برای بیان استفاده کرد که معمولا گروه سردبیری می‌تواند با اندکی تغییر یا دخالت به‌جا در این اشعار مشکل را برطرف نماید.

موفق باشید

ابوالقاسم عابدین‌پور

نماینده مردم شریف تربت حیدریه

حجت الاسلام محمد مسجد جامعی، مدیر کل اداره هماهنگی‌های فرهنگی وزارت امور خارجه، درباره مجله‌های شماره ۱۲ و ۱۳ سینا اظهارنظر و تقدیر کرده‌اند که متقابلا از ایشان تشکر می‌شود.

خانم النا لویان:

از ابراز محبت و احساسات بی‌شائبه شما سپاسگزارم. با آرزوی موفقیت برای شما و همه دانش‌آموزان عزیزم.

پروین دخت بنفشه‌نیا

تسلیت

رفتنت کوچ غم‌انگیز پرستوهاست
امان نامت یادآور همه خوبی‌هاست
بدین وسیله غروب آفتاب عمر
عبدا... زرگریان، مرد نیکوکار جامعه کلمی
(مؤسس کنسای زرگریان) را تسلیت عرض
می‌کنیم.

خانواده‌های حی و کوشاپور

یاد بود

لحظه پرواز غم‌انگیزش

قلب آسمان از تپش باز ایستاد

دریا از جوشش دست کشید

وقتی که نام عزیزش را شنید

دو سال از آن روز که طوفان بی‌رحم

تبریک عرض می‌نمایند. به امید سال خوب همراه با موفقیت.

نماینده ورزشکاران، روبرت شیرازیان

هشدار روزگار و دیوار

کوتاه ...!

در پی درج مطلبی در روزنامه اطلاعات که اشاره ناخوشایندی به پیامبران بنی اسرائیل داشت، رئیس انجمن کلمیان تهران، جوابیه‌ای به این شرح به دفتر روزنامه ارسال داشت:

روزنامه اطلاعات

حضور گرامی استاد ارجمند

جناب آقای محمد علی اسلامی ندوشن

با عرض سلام و احترام

امروز (شنبه ۱۴ مهرماه ۱۳۸۰) چهارمین

قسمت از مقاله حضرت‌تعالی را زیر عنوان

«هشدار روزگار» در روزنامه اطلاعات

خواندم، مثل همه نوشته‌های شما نغز، پر

معنی، هشیارانه و روان و دلچسب بود.

گو اینکه در این شماره بیشتر مطالبی از

مجله نیوزویک و دیدگاه‌های عالمانه خودتان

را در گذشته عنوان نموده‌اید، ولی در مقدمه

مطلب جمله‌ای بود که بنده کلمی به عنوان

یک علاقمند به کتب و نوشته‌های شما از

خواندن آن شدیداً آزرده خاطر شدم.

نمی‌دانم این طرز تفکر، و جریانی که به

آن اشاره خواهم کرد و البته عمدتاً نتیجه

اقدامات ستیزه‌جویان صهیونیستی است تا

کجا در ادبیات و فرهنگ امروزی میهن ما

ادامه خواهد یافت.

تا کجا باید تحمل کرد که هر کس حتی

در مقام استادی چون دکتر محمد علی

اسلامی ندوشن برای بیان صفتی منفی و یا

ناشناخته کسر تشبیه یا مطلب بی‌آورد و از

یهودیان جهان و حتی از پیامبران خدا، اوئند

هزینه نماید، تنها با این دلیل که جای دفاع

برای کلمیان وجود ندارد.

مرقوم فرموده‌اید:

«... عکسی از بن لادن چاپ شده (در

مجله نیوزویک) شال پر سر، با چشم‌های

درشت بی حال، ریش بلند طالبانی، بینی

محکم و لب فرو افتاده،

شبیه پیامبران بنی اسرائیل...!»

سوال من این است که، استاد بزرگوار،

شما پیامبران بنی اسرائیل و یا عکس آنها را

زندگی، خانم عزیزه حنوکایی، گل زیبای باغ
کوچک دلمان را پرپر کرد گذشت و دو سال
از آن روز که بچه کیوترهای تنها از غم
از دست دادن مادر فداکاری چون او قادر به
پرواز نبودند سپری شد. ولی هنوز هم
یادآوری رفتن مرواریدهای دلشکستگی را
بر صورت‌هایمان جاری می‌کند و هنوز هم
اول مهر بوی محبت‌های او را می‌دهد و ما
هنوز منتظریم که دوباره القبای عشق را در
کلاس‌های بزرگ قلبش به ما بیاموزد.

گر چه می‌دانیم که پیوندهای محبت
آمیزش با ما همیشه پابرجاست و گرچه
می‌دانیم جای خالی او همیشه با یک سبد گل
پر است، اما هنوز دل شکسته‌ایم و متحیر.
متحیر از آن فاجعه‌ای که موج‌های دریا را
برای همیشه از تلاطم بازداشت و صدف‌های
تنها و ناراحت را روی ساحل رها کرد.

دانش آموزان مجتمع آموزشی اتفاق

دانش آموز گرامی، سینا گلشنی:

موفقیت شما را در پروژه ساخت مواد
حساس به نور در تیم شیمی مدرسه دکترا
محمود افشار تبریک می‌گوییم. باشد که
شاهد درخشش بیش از پیش شما
دانش آموز نوجوان کلمی باشیم.

کمیته فرهنگی انجمن کلمیان تهران

دوست نوجوان بینا، سبا گرامی:

انتخاب شما به عنوان یکی از داوران
طلایی هفته نامه دوچرخه (وابسته به روزنامه
همشهری) موجب افتخار جامعه کلمی است.
گامت استوار و افقت روشن باد.

کمیته فرهنگی انجمن کلمیان تهران

تشکر

آقای فرشاد یوسفی، ذوق و قریحه شما
را در زمینه شعر سرایی تبریک گفته، تشکر ما
را به سبب لطف و توجه خود به اعضای
هیئت تحریریه «بینا» پذیرا باشید. در انتظار
دیگر اشعار و مطالب شما خواهیم بود.

نشریه بینا

تبریک

ورزشکاران گیبور ضمن آرزوی قبولی
تعنیت کپور، سال نو عبری ۵۷۶۲ و جشن
سوکا (سایبان‌ها) را خدمت همکیشان محترم

دفاع کردیم. اما متأسفانه جو بی‌اعتمادی و دلسردی سبب کمرنگ شدن این واقعیت شده است و بازگشت آن احساس تعلق و یکی بودن و یکی شدن نیازمند همیاری هموطنان وفادار و فهمیده‌ای چون شماست.

درددل‌های دوستانه شما را خواندیم: **«راستی چه مشکلی است اگر در یک نمایشگاه کتاب غرفه‌ای مخصوص یهودیان باشد؟ یا در یک المپیاد ورزشی یک تیم هم از طرف یهودیان نماینده باشد؟»** اما واقعیت این است که نه تنها جامعه کلمی ایران تیم ورزشی گیبور را دارد و در نمایشگاه‌ها شرکت فعال دارد بلکه به لطف پروردگار دارای کتابخانه مجهز، مرکز کامپیوتر و موسیقی، سازمان‌ها و نهادهای بسیاری نیز می‌باشد. اما متأسفانه همان دیواری که شما از آن سخن به میان آورده‌اید باعث شده که عده‌ای از دوستان همچون شما پشت آن باقی بمانند. و این چه سخن نیکویی است در نامه شما که:

«تنها راه دوست شدن، شناختن است.» و به همین خاطر مجله بینا و انجمن کلمیان تهران دست شما را به گرمی می‌فشارد و آماده است این دوستی توأم با شناخت هرچه زودتر پدید آید.

و به راستی که: **«باردیگر به دست‌هایتان نگاه کنید و به یاد آورید که ما همه انگشتان یک دستیم و امروز روز نوازش کردن و فشردن دست‌های یکدیگر به مهر و دوستی است.»**

نامه‌ها و مقالات این دوستان (تا تاریخ ۷/۲۲) به دفتر مجله رسیده است که در شماره‌های آینده از آنها استفاده خواهد شد.

احسان اشکان نژاد (شعر) - مریم خناس‌بازده (درباره مهدکودک) - غزاله حنوکایی مطلق و هلمدا داویدی آذر (روابط اجتماعی ما در جامعه) - شارونا نصیر (جدول روش هشانا) - ایرج عمرانی (خلاصه کتاب) - المیرا سعید (چگونه با کودکان خود درباره خدا صحبت کنید) - شهلا شمیم (داستان) - رحمن دل‌رحیم (مقالات دینی) - ژیل کهن کبریت (تغذیه - ورزشی) - الهام مودب (پیاده درمانی) - پیام خاکشور (تأثیر کتاب مقدس بر هنر) - مرجان ابراهیمی (قدرت انتخاب) - فرهاد روحانی (گونگون) - الیسا شمیمان (گونگون) ■

در مجمع عمومی برای برگزاری این جلسات و انجام انتخابات کسب کرده‌اند، می‌توانند در سرنوشت کلمیان مقیم شهرستان‌های مختلف بسیار مؤثر باشد.

هیئت مدیره سازمان دانشجویان یهود شیراز از این ابتکار صمیمانه تشکر کرده و امیدوار است با تجربه‌ای که نمایندگان سازمان از این سفر کسب کرده‌اند، بتوانند در آینده‌ای نزدیک با همکاری شما انتخابات انجمن کلمیان شیراز را به شکلی قانون‌مند برگزار نمایند.

نامه‌ای از شیراز:

ما همه انگشتان یک دستیم

من می‌ز برای خوشدلی می‌خوردم اکنون که تو بر دلم نشستی می‌نخورم (خیام)

دوست عزیز و گرامی، خانم فاطمه فریدونی: نامه پر مهر شما که حاکی از عشق و علاقه به خواهران و برادران یهودیتان می‌باشد به دستمان رسید. خوشحالیم که مجله بینا «عزیزی که انتظار آمدنش را از دل بیرون کرده باشی و ناگهان از دل تاریکی بیرون آید» سرانجام به دست شما رسیده است.

هموطن عزیز، گرچه یهودیان ایرانی همواره خود را برادر و یاور دیگر هموطنان خود دانسته و احساس تعلق و وابستگی شدیدی به میهن و نظام جمهوری اسلامی ایران دارند، اما متأسفانه عدم آگاهی یهودیان از جامعه خود در برخی نقاط و یا عدم تمایل آنها به مشارکت، پویایی و یکی شدن با دیگر هموطنان، حقیقت تلخی است: **«متأسفانه باید اقرار کنم که حداقل در بین جامعه کلمی همشهریانم در شیراز تمایل و هشتتانی وجود دارد که خودشان، خود را محو و حذف کنند. آن چنان درباره آداب و رسومشان و سنت‌هایشان و دینشان و حتی موجودیتشان با اکراه و عدم تمایل صحبت می‌کنند که گویی می‌خواهند اصلاً دیده نشوند و هرچه زودتر فراموش شوند.»**

خانم فریدونی عزیز، یهودیان ایران و نیز یهودیان شیراز به خوبی بر این واقفند که: **«ما (پیروان ادیان الهی) همچون یک دست گاهی مشت شدیم و گاهی سپر بودیم و**

کجا دیده‌اید که بن لادن را شبیه آنها می‌دانید؟ جز آنکه نزد خودتان فکر کرده‌اید که پیامبران بنی اسرائیل حتماً باید شبیه بن لادن باشند؟

مگر نه آنکه تفکر دینی مسلمانان و اصول اعتقادی آنها بر احترام به پیامبران الهی و از جمله پیامبران بنی اسرائیل است، پس چگونه می‌توان این پیامبران را با چماق آدمی مثل بن لادن به اردوگاه تروریست‌ها راند؟ امیدوارم قصد خاصی در بیان نباشد و هر طور مصلحت می‌دانید رفع ابهام نمایید.

با این همه از مقام ارزشمند، ادبی و فرهنگی شما به اندازه سر سوزنی نزد من کسر نشده است.

احترام صمیمانه مرا بپذیرید.

هارون یشایایی

رئیس هیئت مدیره انجمن کلمیان تهران

نامه‌های تشکر سازمان

دانشجویان یهود شیراز

هیئت مدیره محترم انجمن کلمیان تهران

هیئت مدیره و اعضای سازمان دانشجویان یهود شیراز همکاری شما را در حفظ و نگهداری ساختمان سازمان پاس داشته و امیدوارند در سایه مدیریت کارآمد شما، جامعه کلمیان ایران، پیش از پیش به سوی تعالی و ترقی سوق یابد.

ریاست محترم کمیته جوانان انجمن کلمیان تهران - جناب آقای گرامی

هیئت مدیره و اعضای سازمان دانشجویان یهود شیراز بقای سازمان و جمع خویش را مدیون رفتار دوستانه و مدیریت کارآمد شما هستند. بدان امید که تشکلهای فرهنگی و اجتماعی جامعه کلمیان ایران در سایه تلاش تمامی افراد و با علاقه و مدیریت شما هر روز بیش از پیش به سوی تعالی و ترقی سوق یابند.

هیئت مدیره محترم انجمن کلمیان تهران:

ابتکار شما در دعوت از نمایندگان شهرستان‌های ایران در مجمع عمومی انجمن کلمیان ایران، نشانه علاقه شما به بقای جامعه کلمیان ایران می‌باشد.

مسلمای تجربه‌ای که نمایندگان شهرستان‌ها

ENCYCLOPAEDIA JUDAICA

سابقه دایره المعارف نویسی یهودی، به معنای نوین آن،
به سال‌های آغازین سده بیستم برمی‌گردد

دایرة المعارف جودائیکا (فرهنگنامه یهود)

حسین سلیمانی

مقدمه سردبیر: امروزه تحقیق در فرهنگ یهود بدون استفاده از ابزارهای مهم به نام «جودائیکا»، ناقص می‌نماید. این فرهنگنامه تقریباً اکثر گستره فرهنگ و تاریخ یهود را در بر می‌گیرد. این مجموعه گرانها در کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران قابل استفاده برای علاقمندان است. مطلب حاضر گزیده‌ای است از مقاله‌ای به همین نام در فصلنامه «هفت آسمان» زمستان ۱۳۷۹ (مرکز تحقیقات ادیان در قم) که جا دارد از تلاش دست‌اندرکاران آن نشریه وزین به خاطر تلاش برای معرفی زوایای گوناگون فرهنگ ادیان، تشکر شود.

اشاره:

دایره المعارف جودائیکا (Encyclopaedia Judaica) یک اثر مهم یهودی است که انتشار آن از چند دهه پیش آغاز شده است. این اثر حاصل سال‌ها کار فشرده و متمرکز پژوهندگانی یهودی از سراسر جهان است و تصویری جامع از تمام جنبه‌های زندگی و دانش یهودی تا روزگار حاضر ارائه می‌کند. پدیدآورندگان دایره المعارف یهودیان و غیر یهودیان، هر دو، را مخاطب این مجموعه می‌دانند.

پیشینه

دایره المعارف نویسی یهودی

سابقه دایره المعارف نویسی یهودی، به معنای نوین آن، به سال‌های آغازین سده بیستم برمی‌گردد. نخستین اثر کامل در این

زمینه، دایره‌المعارف یهودی (Jewish Encyclopedia) است که در آغاز این سده، در نیویورک، به زبان انگلیسی منتشر شد (آخرین جلد این اثر، یعنی جلد دوازدهم، در سال ۱۹۰۶ انتشار یافت). وضعیت جهان یهودیت و معارف یهودی در این اثر پیشگام گردآوری شد. با وجود این، برخی از جنبه‌ها در این اثر نادیده گرفته شد و یا کم اهمیت جلوه داده شد، مثل جهان یهودیت اروپای شرقی، قبالة (قبالا - عرفان یهود) و حیدیسیم (۱)، زبان و ادبیات ییدیش (۲) و زندگی و فرهنگ یهودیان در سرزمین‌های اسلامی. با این همه، این اثر یک دستاورد ماندگار و بی سابقه بود که از بسیاری از مدخل‌های آن در دایره المعارف‌های بعدی استفاده شده است.

دایره المعارف یهودی روسی (Yevreyskaya Entsiklopediya) نیز پیش از جنگ جهانی اول در شانزده جلد منتشر شد. این اثر دارای طرح و ویراست خوبی بود و به ویژه درباره موضوعات مربوط به یهودیت اروپای شرقی اطلاعات جالبی ارائه می‌کرد.

دایره المعارف ده جلدی عبری اوتصریسرائل (Ozar Yisrael) در سال ۱۹۲۴ به دست جی. دی. آیزنشتاین (۳) منتشر شد. این اثر با این که محدودتر و کوچک‌تر از کارهای پیشین بود، در برخی حوزه‌ها اطلاعات مفیدی را در اختیار می‌نهاد.

پس از جنگ جهانی اول، به هنگام رواج دوباره تعالیم یهودی در آلمان، یاکوب کلاتزکین (۴)، ایسمار البوگن (۵)، و ناحوم

گلدزمان (۶) دایره المعارف جدیدی به زبان آلمانی تدوین کردند. این اثر در پی آن بود که نتایج تحقیقات و رهیافت‌های عقلی دوره فترت و توقف را منعکس کرده، نواقص دایره المعارف یهودی را نیز برطرف کند. این اثر، که دایره المعارف جودائیکا نام گرفت، پیشرفت خوبی داشت، گرچه در زمان به قدرت رسیدن نازی‌ها در آلمان، با موانع و مشکلات روبه‌رو شد. ده جلد از این اثر (تا پایان حرف L) منتشر شد و پس از آن، انتشار این اثر مهم یهودی متوقف شد. دو جلد از ترجمه عبری آن، به نام دایره المعارف اشکول (Eschkol) نیز منتشر شد ولی ادامه نیافت. همچنین باید یاد کرد از اثر پنج جلدی فرهنگ یهودی (Juedisches Lexikon) که در سال‌های ۱۹۲۷ تا ۱۹۳۰ به ویرایش جورج هرلیتس (۷) و برونو کرشنر (۸) منتشر شد. این اثر مختصر برای مطالعات یهودی مفید بود.

در سال‌های نخست جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۳)، دایره المعارف جامع یهودی (Universal Jewish Encyclopedia) به ویراستاری آیزاک لندمن (۹) در ده جلد در ایالات متحده منتشر شد. این اثر نشانه اهمیت روز افزون یهودیت در آمریکا بود و به دستاوردهای غیریهودی، به ویژه در تاریخ یهودیت آمریکا، اهمیت می‌داد. این اثر مزایای خوبی داشت، ولی کاری بی عیب و نقص نبود. افزون بر این، در دوران تدوین آن، تغییرات مهمی رخ داد، و از این رو، از سودمندی آن کاسته شد. همین اثر، اساس

گستره کار را این امر روشن می‌کند که به جز ۳۰۰ ویراستار و ۱۸۰۰ نویسنده، ۱۵۰ کارمند نیز به کار گماشته شدند و تازه این پیش از مراحل چاپ و صحافی بود

جانشین سرویراستار منصوب شد و هر دستیار ویراستاری چند بخش را سرپرستی می‌کرد. گروه ویراستاری عبارت بود از دستیاران ویراستار، یعنی پرفسور لوتیس رابینوویچ (۱۵)، پرفسور رافائل پاسنر (۱۶)، دکتر بنیامین الیوا (۱۷) و سیمحا کتر (۱۸) به همراه سرویراستار و جانشین او. پس از مرگ پرفسور روث در سال ۱۹۷۰، دکتر ویگودور سرپرست گروه ویراستاری شد و رابینوویچ و پاسنر معاون سرویراستار شدند. سرپرست دایره نیویورک دکتر فردریک لاکمن (۱۹) بود. گستره کار را این امر روشن می‌کند که به جز ۳۰۰ ویراستار و ۱۸۰۰ نویسنده، ۱۵۰ کارمند نیز به کار گماشته شدند، و تازه این پیش از مراحل چاپ و صحافی بود. همواره یافتن متخصصان مورد نیاز، کاری ساده نبود و در برخی موارد لازم بود که افرادی برای انجام کار تعلیم ببینند. کار چاپ زیر نظر یتسحاق ریشمن (۲۰) سرپرست شرکت انتشاراتی کتر (۲۱) و شرکت برنامه اسرائیل برای ترجمه‌های علمی (۲۲) بود.

قلمرو نوین دایره المعارف

به خاطر رویدادهای بی سابقه قرن بیستم، ممکن نیست که یک دایره المعارف یهودی فقط به روز آمد کردن دایره المعارف‌های پیشین بسنده کند. امروزه عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، علمی و در واقع جهانی نوینی پدیدار شده است که کار جدیدی را می‌طلبد.

برخی از این حوزه‌ها بدین قرارند:

۱- رشد مطالعه و تحقیق: در زمان طرح‌ریزی دایره المعارف یهودی، آنچه «دانش یهودیت» نامیده می‌شد، فقط سه ربع قرن سابقه فعالیت داشت. در طی سه ربع قرن پس از آن، تحقیقات متمرکز و فشرده‌ای در تمام شاخه‌های مطالعات یهودی انجام شد. در سال ۱۹۰۰ فقط سه مجله علمی یهودی وجود داشت، اکنون بسیار بیش از این مقدار فقط به زبان عبری منتشر می‌شود.

۲- اکتشافات نوین: گذشته از

طرح پیشنهاد شد: یکی تکمیل دایره المعارف جودائیکای پیشین، و دیگری، انتشار یک دایره المعارف جدید به زبان انگلیسی. این دو طرح سرانجام درهم ادغام شد. در عین حال، ناشران دایره المعارف هبرائیکا درصدد بودند که این اثر را به زبان انگلیسی عرضه کنند. مجموعه این تمایلات، باعث انتشار دایره المعارف جودائیکا به زبان انگلیسی شد.

در نخستین دوره کار، که در ایالات متحده انجام می‌شد، پرفسور بتتسیون نتانیا هو (۱۲) ویراستار آن زمان دایره المعارف هبرائیکا، سمت سرویراستاری را عهده‌دار شد. دفتر اصلی ویرایش در سال ۱۹۶۳ در قیادلنیا دایر شد. در سال ۱۹۶۵، پرفسور نتانیا هو از این سمت کناره گرفت و متعاقب آن، مرکز ویراستاری به اورشلیم منتقل شد. اورشلیم در این زمان، مرکز بی رقیب مطالعات یهودی در جهان بود و بزرگ‌ترین محققان یهودی، از جمله پرفسور سسیل و (۱۳) سرویراستار جدید. این اثر، در این شهر اقامت داشتند.

در سال ۱۹۶۷، کار با جدیت آغاز شد و پنج سال برای تکمیل آن در نظر گرفته شد. برای این که کار در زمان مقرر به پایان برسد، بنا شد که تقسیمات هر چه جزئی‌تر شود. تا ویراستاران و نویسندگان بیشتری به آن بپردازند. محتوای دایره المعارف به بیست بخش اصلی و هر بخش نیز خود به بخش‌های فرعی‌ای تقسیم شد. برخی از بخش‌ها دو یا سه قسمت داشتند، ولی برخی دیگر دارای قسمت‌های بیشتری بودند، مثلاً بخش تاریخ ۳۵ قسمت داشت و بخش مشارکت یهودیان در فرهنگ جهان دارای بیش از هفتاد قسمت بود.

دکتر گئوگرفی ویگودور (۱۴) به سمت

یک دایره المعارف ده جلدی به زبان اسپانیولی به نام دایره المعارف یهودی کاستلانا (Encyclopaedia Judaica Castellana) قرار گرفت که در سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۱ در مکزیکوسیتی به چاپ رسید. دستاورد عمده این اثر عبارت بود از بدخل‌های مربوط به رشد یهودیت در آمریکای لاتین.

پس از استقرار دولت اسرائیل، شرکت انتشاراتی مسادا (۱۰) به سرپرستی خانواده لسی (۱۱) در اورشلیم به انتشار دایره المعارف هبرائیکا (Encyclopaedia Hebraica) به زبان عبری اقدام کرد. این اثر نخستین دایره المعارف عمومی و جامع به بان عبری است و بر جنبه‌های مختلف یهودیت تاکید دارد.

گسترش دایره المعارف جودائیکا

به مدت چندین سال، به ویژه از زمان قایع مهم و ناگهانی در تاریخ یهودیت در دهه ۱۹۴۰، خلا یک دایره المعارف یهودی املا جدید، به ویژه به زبان انگلیسی برای بودیان انگلیسی زبان، که تقریباً نیمی از بودیان جهان را تشکیل می‌دادند، احساس شد. وانگهی، حمله و فشار نازی‌ها زمانندگان گروه تدوین و ویرایش دایره معارف جودائیکای آلمانی را نومید نکرد و شان مصمم بودند که کار ناتمام انتشار این را به پایان رسانند. با این همه، ایشان دانستند که در این دوران، فقط اندکی از ویدیان می‌توانند از یک اثر آلمانی استفاده ند، و لذا ضروری دانستند که در این زمینه به تدوین اثری به زبان انگلیسی دست یازند. دکتر ناحوم گلدمان، آخرین بازمانده فعال گروه اصلی ویرایش دایره المعارف آلمانی، اشتیاق وافری به این کار داشت. از این رو، در اواخر دهه ۱۹۵۰ دو

پیشرفت در زمینه تحقیقات، دستاوردهای نوینی نیز در زمینه مطالعات یهودی حاصل شد که برخی از آنها تاریخ ساز شدند. سه نمونه را ذکر می‌کنیم:

الف) تا نیم قرن پیش، درباره تاریخ عبرانیان در دوران کتاب مقدس فقط چند سند اصیل شناخته شده بود، اما امروزه، در اثر کشفیاتی که در خاورمیانه صورت گرفته، مجموعه چشمگیری از این اطلاعات در دسترس است.

ب) با کشف تومارهای حرالمیت (۲۳) و اسناد صحرای یهودیه (۲۴)، از سال ۱۹۴۷ به بعد، مجموعه کاملی از آثار دینی و غیر دینی اواخر دوره معبد دوم و دوره بعد در دسترس پژوهشگران قرار گرفت و حال آن که پیش از آن، فقط یک سند اصلی وجود داشت. این کشفیات اوضاع آن دوره را بسیار روشن کرد و افزون بر این، دست نوشته‌هایی از کتاب مقدس را در اختیار نهاد که حدوداً هزار سال از نسخه‌هایی که پیش‌تر شناخته شده بودند، قدیم‌تر بودند.

ج) پیش از این کشفیات نیز، کشف اسناد گنیزه (گنجینه) قاهره (۲۵) به ویژه به دست سلیمان شختر (۲۶)، تاریخ و ادبیات یهودیان در جهان اسلام در دوره گائونی (۲۷) را روشن کرده بود. همچنین تعداد بسیاری از متون و آثار اصلی که تا آن زمان ناشناخته بود، به دست نویسندگان مکتب یهودی-عربی (۲۸) عرضه شد. از این اصطلاحات عمدتاً در دایره المعارف‌های پیشین یهودی استفاده شده بود، ولی تحقیقات بعدی درباره آن، می‌بایست در این زمان، در کتب مرجع یهودی می‌آمد.

۳- چشم اندازهای علمی نوین: چشم اندازهای تحقیقی به ناگزیر نسل به نسل تغییر می‌یابد. تا سه ربع قرن پیش، در تحقیقات جدی علمی، تاریخ اجتماعی و اقتصادی چندان مهم تلقی نمی‌شد، اما امروزه این موضوع جایگاهی ویژه در تحقیقات تاریخی دارد. در طی بیست سال پیش از انتشار این اثر، مطالعه درباره یهودیت معاصر در مراکز تحقیقی گوناگون

رشد و توسعه یافت و یافته‌های آن، که درک نوینی از جهان یهودیت به دست می‌داد، در این دایره المعارف گنجانده شده است. در اثر این مطالعات، اهمیت زیاد یهودیت اروپای شرقی در تاریخ یهودیت روشن‌تر شد و از این رو، به نحو جامع‌تری، هم در گستره و هم در عمق، بدان پرداخته شد. در دایره المعارف‌های پیشین به اوضاع یهودیان در سرزمین‌های اسلامی پس از قرون وسطا، کمتر توجه شده بود، در این اثر به این زمینه نیز پرداخته شد. اثر پرفسور گرشوم شولم (۲۹) چشم اندازهای جدیدی بر عرفان یهودی گشود. شریعت یهودی موضوعی مستقل تلقی شد (این موضوع در دایره المعارف‌های پیشین، بخشی از تلمود یا ادبیات حاخامی (۳۰) بود؛ در این اثر برای نخستین بار جنبه‌های قضایی شریعت یهودی تحلیل شده است. زمینه‌های دیگری که بدانها پرداخته شد، زبان و ادبیات ییدیش، هنر یهودی، موزه‌ها، هنرمندان، به همراه اطلاعات مکمل تصویری است.

۴- مناطق جدید: در آغاز قرن بیستم، یهودیان عمدتاً، مانند سده‌های پیشین، در اروپا و در حوزه دریای مدیترانه می‌زیستند. در ایالات متحده به تازگی جمعیتی یهودی گرد آمده بودند. امروزه نقشه جهان یهودیت بسیار تغییر یافته است. سه چهارم از یهودیان در مناطق دارای اهمیت زندگی می‌کنند. نیمی از یهودیان جهان اکنون در آمریکا و کشورهای انگلیسی زبان (کانادا، آفریقای جنوبی و استرالیا) متمرکزند. در کشورهای اسپانیولی و پرتغالی زبان آمریکای لاتین نیز یهودیان رشد فزاینده‌ای داشته‌اند. امروزه حکومت اسرائیل پایگاه مهم یهودیان است.

وقایع مهم در قرن بیستم

در قرن بیستم، حوادث مهمی برای یهودیان پیش آمد که بر این قوم تأثیر بسیار گذاشت. این دایره المعارف به این امور اهتمامی خاص ورزیده است. الف) ظهور ضدیت نژادپرستانه با

یهود (۳۱) و هالاکاست (۳۲) (سوزاندن یهودیان در دوره نازی‌ها). در زمان نازی‌ها در آلمان یهودستیزی به اوج خود رسید. این رویداد موجب شد که اهمیت و تفوق یهودیت اروپایی به پایان برسد. این دایره المعارف به طور کامل به این موضوع پرداخته است. به جز مدخل هالاکاست (Holocaust) و مدخل‌های وابسته، در مدخل‌های دیگر مربوط به جوامع و کشورهای که این رخداد در آنها اثر داشته است، نیز بخش‌های ویژه‌ای به این امر اختصاص یافته است.

ب) صهیونیسم. در قرن بیستم، جنبش صهیونیسم گسترش یافت و به استقرار دولت اسرائیل (در سرزمین فلسطین) در سال ۱۹۴۸ انجامید. این امر تأثیر مهمی بر یهودیت گذاشت و این دایره المعارف نیز در چارچوب چشم‌اندازهای این پشامدها نگاشته شده است. صهیونیسم، در این اثر، محور زندگی و فعالیتهای دینی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی یهودیان است. برای مثال، در مدخل «اسرائیل» در هنگام بیان جغرافیا و تاریخ این دولت، و هنگام تأکید بر زبان و ادبیات نوین عبری، یا در مدخل‌های مربوط به شریعت و حقوق یهودی و اعمال آنها در دولت اسرائیل، این رویکرد مشخص است.

اطلاعات تکمیلی

روز به روز اطلاعات جدیدی در اختیار بشر قرار می‌گیرد که باید به دایره المعارف‌هایی از این دست افزوده شود. چاپ روزنامه‌ها، کتاب‌ها و مطالعات جدید، اطلاعاتی از این دست است. در این دایره المعارف اطلاعات تکمیلی زیر گنجانده

این دایره‌المعارف دارای حدود

۲۵۰۰۰ مدخل است

شده است:

۱- اطلاعاتی که به هر دلیل، به موقع برای چاپ در دایره المعارف آماده نبود، این

آمریکا (Americana)، کتاب مقدس (Bible)، کانادا (Canada)، یهودیت معاصر (Contemporary Jewry)، سرزمین اسرائیل (Erez Israel)، سرزمین جدید اسرائیل (Modern Erez Israel)، زبان‌های عبری و سامی (Hebrew And Semitic Languages)، تاریخ (History)، مناطق (Regions)، هالاکاست (The Holocaust)، شریعت یهودی (Jewish Law)، ادبیات (Literature)، تحقیقات نوین یهودی (Modern Jewish Scholarship)، فلسفه یهودی (Philosophy, Jewish)، دوره معبد دوم (Second Temple Period)، تلمود (Talmud)، صهیونیسم (Zionism)، مشارکت یهودیان در فرهنگ جهان (The Participation of Jews in World Culture)

پی نوشت‌ها:

1. Hasidism
2. ییدیش (Yiddish) زبان یهودیان اروپایی است که عمدتاً از آلمانی مشتق شده است.
3. J.D. Eisenstein
4. Jacob Klatzkin
5. Ismar Elbogen
6. Nahum Goldmann
7. Georg Herlitz
8. Bruno Kirshner
9. Isaac Landman
10. Massada Publishing Company
11. Peli
12. Benzion Netanyahu
13. Cecil Roth
14. Geoffrey Wigoder
15. Louis Rabinowitz
16. Raphael Posner
17. Binyamin Eliva
18. Simha Katz
19. Fredrick Klatzman
20. Yitzhak Rischin
21. Keter Publishing House Ltd.
22. Israel Program For Scientific Translations Ltd.
23. Deed Sea Scrolls
24. Judean Desert
25. Cairo Genizah
26. Solomon Schechehter
27. geonic period: گائون به معنای «عالیجناب» لقب دانشمندان یهود از پایان قرن ششم تا میانه قرن یازدهم میلادی است.
28. Gorshom Scholem
29. Rabbinics
30. racial anti- Semitism
31. Holocaust

یهودیت و فرهنگ یهودی را پی بگیرند. جلد هفدهم دایره المعارف محتوی اطلاعات بین سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۱ است. در این جلد آخرین اطلاعات درباره افراد زنده‌ای که زندگینامه‌شان در جلد‌های پیشین آمده است، خلاصه‌ای از وقایع جدید، آمارهای تازه و ... آمده است.

پس از این، جلد دیگری از این دایره المعارف، با عنوان ده سال نامه، از ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۳، به چاپ رسید که مکمل اطلاعات جلد‌های پیشین است و اطلاعات این ده سال را ارائه می‌دهد. جلد هفدهم و کتاب ده سالنامه جودائیکا خود فهرست راهنمای مجزایی دارند که در آن به مدخل‌های مندرج در جلد‌های پیشین ارجاع داده شده است. برای مثال، مدخل «ایران» که در جلد هشتم آمده است، وقایع ایران و یهودیان این کشور را تا سال ۱۳۴۹/۱۹۷۱ پی می‌گیرد. وقایع ده سال بعد، یعنی تا سال ۱۳۵۹/۱۹۸۱، در جلد هفدهم، با اشاره به مدخل ایران در جلد هشتم آمده است و در جلد بعدی، یعنی ده سال نامه ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۲، به وقایع تازه ایران، مثل جنگ ایران و عراق، اشاره شده است.

پدیدآورندگان دایره المعارف در پی آنند که این روند را ادامه دهند و ده سالنامه‌ها را در آینده نیز به چاپ رسانند.

بخش‌های اصلی

دایره المعارف

چنان که پیش‌تر اشاره شد، تدوین کنندگان این دایره المعارف، این اثر را به چندین بخش تقسیم کردند که هر بخش را یک سرویراستار سرپرستی می‌کرد. هر بخش دارای چندین قسمت و هر قسمت دارای ویراستاری خاص بود. این دایره‌المعارف دارای حدود ۲۵۰۰۰ مدخل است.

ملاک تقسیم‌بندی به بخش‌ها، اهمیت آنها در زمینه فرهنگ و زندگی یهودی است. از این رو، مثلاً کانادا یا هالاکاست به لحاظ اهمیت‌شان در سرنوشت یهودیت بخش مجزایی شمرده شده‌اند. بخش‌های اصلی دایره المعارف از این قرارند:

اطلاعات در بخش خاص مدخل‌های الحاقی در آخر جلد شانزدهم به چاپ رسیده است. در صورت امکان، در جای مناسب در دایره المعارف به این اطلاعات اشاره شده است، لکن این در همه موارد ممکن نبود، چون تا آخرین لحظه، آماده شدن این مدخل‌ها قطعی نبود. با این همه، تمام این مدخل‌ها را می‌توان در جلد یکم (فهرست راهنما - Index) یافت.

۲- برخی از فهرست‌ها، نمودارها و نقشه‌های تکمیلی در جلد یکم آمده است (ص ۱۰۷ به بعد)، مثل صد سال تقویم یهودی از سال ۱۹۲۰ تا ۲۰۲۰، نموداری درباره حسدیسیم از زمان «بعل شیم طوو» تا عصر حاضر، فهرست مکان‌های اسرائیل، روزنامه‌ها و مجلات عبری، و تصاویری از هنر سفالگری در نزد یهودیان.

۳- جلد یکم همچنین در بر دارنده اطلاعات تکمیلی دیگری است، مثل تاریخ مرگ افرادی که پس از انتشار دایره المعارف درگذشتند، غلط‌های چاپی که پس از چاپ و پیش از انتشار کشف شد و نیز عناوین تصویرها.

همچنین این جلد حاوی مطالبی از این دست است: گروه اصلی تحقیقات دایره المعارف، گروه ویراستاری، نام ویراستاران بخش‌ها و قسمت‌ها، فهرست کارکنان، مختصری درباره ویراستاران، کومه نوشت نام نویسندگان مدخل‌ها، کومه نوشت‌های عمومی، کومه نوشت‌های ادبیات خاخامی، کومه نوشت‌های کتاب شناختی و ...

با این همه برخی از مدخل‌ها نیز ممکن است در گذر زمان ناروزآمد و مهجور شوند. سرعت رویدادها و رشد تحقیقات، تغییر و نوآوری را ضروری می‌کند. اطلاعات گنجینه شده در شانزده جلد اول دایره المعارف وقایع را تا سال ۱۹۷۱ پی می‌گیرد. لازم بود که رویدادهای جدید نیز در این اثر بیاید. برای رفع این نقیصه، از سال ۱۹۷۳ چاپ کتاب سال دایره المعارف جودائیکا آغاز شد. این کار باعث می‌شد که اطلاعات دایره‌المعارف روز آمد و مفید باقی بماند و خوانندگان بتوانند تحولات جدید در جهان

فیبر در غذاها

مژده یمینیان

باید اعتراف کرد آنچه که ما را از یک زندگی خوب و سالم باز می‌دارد، همان رفاه زیاد در زندگی است! با وجود این چنانچه بخواهیم، و تصمیم بگیریم، خیلی راحت می‌توانیم یک تغییر قطعی و اساسی در زندگی و تغذیه خود بوجود آوریم. زیاد خوردن مخصوصاً از یک غذای غیر طبیعی، سلامتی را به مخاطره می‌اندازد، ولی می‌توان با داشتن یک رژیم غذایی مداوم که در آن به اندازه کافی فیبر باشد، از سلامتی مراقبت کرد.

الیاف گیاهی و فیبرها که در غذاها مصرف می‌شوند در دستگاه گوارش انسانی قابل هضم نیستند، بنابراین نظیر عناصر غذایی در بدن جذب نمی‌شوند و به مصرف سوخت و ساز نمی‌رسند، بلکه مسیر روده‌ها را طی کرده و به صورت مواد زائد از بدن دفع می‌گردند. فیبرها انواع مختلفی دارند ولی تمامشان گیاهی هستند. تمام سبزی‌ها، غلات و حبوبات حاوی نوعی فیبر به صورت سلولز و «همی سلولز» می‌باشند. نوع دیگر فیبرها نیز به صورت پکتین در بیشتر میوه‌ها وجود دارند. آنزیم‌ها و عصا‌های گوارشی انسان روی فیبرها اثر کمی داشته و لذا بدون هضم و جذب به خارج دفع می‌شوند.

در برنامه غذایی انسان‌های نسل جدید، مصرف فیبر خیلی کمتر از گذشته بوده و ما از مواد سلولزی و فیبرها کمتر استفاده می‌کنیم. علت عمده این کاهش را ناشی از کمتر مصرف کردن «نان کامل» دانسته‌اند. مصرف نان گندم کامل در ایران نیز به دلیل تغییراتی که در برنامه‌های غذایی رخ داده کاهش یافته و لذا از فواید زیادی که این ماده غذایی در سالم نگاه داشتن بدن و جلوگیری از عوارض و اختلالات گوارش مخصوصاً در روده‌ها و سرطان‌های گوارشی و یا عوارض قلبی عروقی و غیره دارد، محروم مانده‌ایم.

به این ترتیب جدا کردن سبوس از آرد و یا سفید کردن و پوست گرفتن برنج و نیز کاهش مصرف انواع سبزی‌ها نظیر انواع هویج، کاهو، سبزی خوردن، خیار و انواع حبوبات نظیر باقلا، عدس و لوبیا در مقابل

افزایش مصرف قند و شکر و انواع شیرینی، باعث اختلالات زیاد در دستگاه گوارش و همچنین افزایش وزن گردیده است. در صورتی که فیبرها موجب کاهش وزن می‌شوند.

وجود این الیاف گیاهی در غذاها فواید زیادی در بر دارند که از همه مهمتر، جلوگیری از چاقی زیاد می‌باشد، زیرا فیبرها حجم غذاها را زیاد کرده و شخص بدون این که کالری زیادی مصرف کند زودتر سیر می‌شود و لذا مانع اضافه وزن می‌گردد.

در موقع جویدن، غذاهایی که حاوی این گونه الیاف باشند، به طور طبیعی بسیار بیشتر جویده می‌شوند و زمان طولانی‌تری وقت برای خوردن آنها صرف می‌گردد و در نتیجه به علت طول مدت غذا خوردن، شخص با لقمه‌های کمتر سیر می‌شود و سفره یا میز غذا را با خوردن کالری کمتری ترک خواهد کرد. اگر غذاهایی که خورده می‌شوند به مقدار کافی از این الیاف داشته باشند، دیرتر معده را خالی می‌کنند و بنابراین دیرتر حالت گرسنگی به شخص دست می‌دهد و در روده‌ها نیز جذب را کندتر کرده و مدت بیشتری وقت لازم خواهد بود تا مواد غذایی هضم و جذب و وارد جریان خون شوند و به این ترتیب به تدریج به مصرف تامین انرژی خواهند رسید و برای تجمع چربی به کار نخواهند رفت.

مسلم است که افراد فربه بیش از دیگران در معرض ابتلا به دیابت یا زیادی چربی خون به ویژه کلسترول هستند و با توجه به آنچه ذکر شد، فیبرها و الیاف گیاهی نقش مثبتی در جلوگیری از اضافه شدن وزن دارند. بنابراین افرادی که الیاف گیاهی بیشتر مصرف می‌کنند، کمتر دچار عارضه چاقی می‌شوند. علاوه بر این چون این مواد جذب قند را در خون کند می‌کنند و تولید انسولین را کاهش می‌دهند، نقش مثبتی در ایجاد تعادل دیابتی‌ها دارند. فیبر و الیاف گیاهی به خصوص فیبری که منشا آن میوه‌ها باشد، در تعدیل دیابت و کاهش کلسترول موثرتر است.

موضوع جالب و مهم دیگر این که در سال‌های اخیر، در مورد نقش فیبرهای گیاهی

در پیشگیری از سرطان روده‌ها (مخصوصاً سرطان کولون) بحث‌های زیادی شده و بسیاری از محققان در مورد تاثیر فیبر در پیشگیری و کاهش سرطان‌های روده عقیده‌ای راسخ دارند. با توجه به این که سرطان روده بزرگ میزان و رقم بالایی از سرطان‌ها را تشکیل می‌دهد و نیز با توجه به این که افراد چاق خیلی بیشتر از افراد لاغر در معرض این بیماری هستند، بنابراین نقش فیبرها اهمیت زیادی‌تری پیدا می‌کنند. فقدان فیبر در غذا موجب توقف غذا در روده می‌شود و در نتیجه تولید سموم می‌کند و این سموم در بعضی موارد سرطان بوجود می‌آورد. اثر توقف غذا در روده نه تنها برای روده‌ها بسیار زیان آور است بلکه برای سلول‌های کبد و غشای داخلی مویرگ‌ها نیز زیان آور می‌باشد. از طرف دیگر رژیم‌های لاغری غالباً موجب یبوست می‌شوند و افزودن فیبر (مثلاً سبوس گندم) عامل مهمی در درمان و پیشگیری از یبوست است. یک برنامه غذایی که در آن به اندازه کافی از میوه و سبزی و غلات کامل استفاده شده باشد، معمولاً مانع از پیدایش یبوست می‌شود. حتی در مورد کسانی که با وجود استفاده از این رژیم غذایی باز هم دچار عارضه یبوست هستند، استفاده اضافی از سبوس گندم، بهترین کمک به درمان خواهد بود و جالب‌تر این که این مواد، موجب کاهش ترشح انسولین از لوزالمعده می‌شوند که این امر میزان مصرف غذاها را کاهش می‌دهد.

به تجربه ثابت شده که معمولاً اگر مبتلایان به اضافه وزن، با صبحانه خود فیبر و مواد سلولزی بیشتری مصرف کنند، هنگام صرف ناهار اشتها کمتری خواهند داشت و همانطور که ذکر شد، وجود فیبر در روده‌ها موجب کاهش جذب دیگر مواد غذایی شده و مقداری از این مواد را با خود دفع خواهد کرد. البته برای کسانی که دچار سوء تغذیه‌اند و باید غذای بیشتری هضم و جذب کنند، استفاده از مواد فیبری چندان مناسب نیست و بنابراین باید از مقدار آنها کاسته شود، چرا که وجود آنها به ویژه از جذب میزان لازم مواد مغذی مخصوصاً پروتئین‌ها می‌کاهد. ■

منابع:

- چاقی و تغذیه: مولفان: دکتر حبیب هدایت و دکتر مسعود انصاری‌پور

- سلامتی و تغذیه: مترجمان: دکتر فتح اله فلاحیان - دکتر محمدرضا فلاحیان، نویسنده: دکتر ای - اشتابور



محیط زیست، دین و فرهنگ

ادامه از صفحه ۲۵

بهترین روش پیدا کردن چگونگی رفتار انسان با طبیعت، مراجعه به امر الهی در کتب آسمانی است.

در آیه‌ای از تورات (سفر برشیت) آمده است که به اراده الهی قبل از آفرینش انسان، باغی در عدن غرس و آماده شد و سپس خداوند انسانی را که خلق کرد در آن باغ قرار داد. نکته مهم در این آیه کلمه «מקדם» یعنی «از قبل» است. خداوند آنچه را که بشر لازم داشت قبل از تولد او، در این جهان آفرید و آماده نمود. آن محیط و باغ را نیز در بهترین حالت آفرید. باغ عدن، باغی طبیعی و زمینی بود برای آدم متعقل و نبی یعنی حضرت آدم.

صحبت از تقدس دنیا و طبیعت شد. طبیعت به خودی خود مقدس نیست، این دنیای زیبا به آدم داده شد. خال آدم و نسل او باید این دنیا را مقدس کنند و می‌توانند آن را به تعالی و کمال برسانند و یا اینکه آن را فاسد و ویران سازند. ماده به تنهایی اراده و توان ندارد، بلکه اراده خداوند است که در آن قرار می‌گیرد و حرکت به آن می‌دهد. مانند عصای موسی که چوب خشکی بود اما به امر خداوند به حرکت آمد و تبدیل به مار شد.

پس ماده به تنهایی مقدس نیست، اما قابل احترام است زیرا آفریده خداست.

در آیه دیگری از تورات آمده است که «خداوند حضرت آدم را گرفت و او را در باغ عدن نهاد تا در آن کار کند و آن را حفظ کند.» حضرت آدم (به عقیده ادیان الهی و دین یهود) نبی بود، در بالاترین درجه انسانیت که به نبوت می‌رسد. خداوند از یک نبی می‌خواهد که زمین و باغ او را حفظ و نگاهداری کند. صحبت از حفظ محیط زیست در حالت عالی آن شد، اما معنویت انسان چه؟

در دوران حضرت نوح، جهان محیط زیست در بهترین حالت خود قرار داشت. اما فساد انسان موجب ویرانی همان جهان شد.

یهودی می‌گوید انسان وقتی به عقلانیت معنوی و شناخت خداوند می‌رسد که از نظر جسمانی سالم باشد و این سلامت در رفاه و محیط ایده‌آل محیط زیست ممکن خواهد بود.

در مراسم «روش هشانا» (اول سال یهودی) در زمانی که خانه خدا در اورشلیم آباد بود، «لاویان» می‌بایست در معبد بیت المقدس شیپور بنوازند و دسته‌ای دیگر، در شاخ قوچ (شوفار) بدمند. شیپور، ابزاری حاصل تکنولوژی انسانی بود و شاخ قوچ، ابزاری ساده از شاخ حیوان. حکم دینی آن بود که اولاً این شیپور و شاخ قوچ می‌بایست با هم هماهنگی داشته باشند در نواختن. دوم آن که صدای شاخ قوچ مقدم و رساتر از صدای شیپور بود. یعنی شیپور (تکنولوژی) در کنار و خدمت به و در راه اصلاح و کمال طبیعت (که شاخ ساده قوچ مطهر آن است) به کار گرفته شود.

و این یعنی تکنولوژی ساخت انسان و طبیعت جهان باید با هماهنگی یکدیگر، به کار گرفته شوند.

مهندس آرش آبائی سردبیر نشریه افق بینا در حاشیه سمینار، در مصاحبه با شبکه انگلیسی جهانی سحر، دیدگاه یهود را نسبت به محیط زیست از زاویه‌ای دیگر مورد بررسی قرار داد که ترجمه فارسی آن در ادامه ارایه می‌شود:

به مناسبت برپایی همایش محیط زیست،

آنها خدا را می‌شناختند و در عین حال تمرد کردند. پس همان دنیایی که خداوند آن را هنگام آفرینش ۷۰۰۰ سال به معنای «نیکو» خوانده بود، به خاطر اعمال انسان فاسد ویران شد. به طور متقابل، خداوند به نوح فرمان داد که قبل از طوفان و ویرانی، هر چه گونه‌های حیوانی است و آنچه از تکنولوژی زمانه هست، با خود به کشتی ببرد و نوح همچنین عمل کرد. یعنی حیات و محیط زیست و دستاوردهای بشر باید حفظ شود برای آیندگان.

طبیعت آفریده زیبای خداوند است

و فناوری ساخته و پرداخته انسان.

نمی‌توان و نباید آفریده انسان در

برابر آفریده خداوند قرار گیرد ...

خداوند دنیا را به بشر داده است و به او تکلیف می‌کند که آن را به کمال برساند. ابتدا الگویی به او داد به نام باغ عدن، اما آدم از آن محل رانده شد و دیگر دنیا مانند باغ عدن نبود و او موظف شد دنیا را به همان درجه عالی برساند.

حضرت یسعیا نبی می‌فرماید: خداوند دنیا را برای ویرانی نیافریده، بلکه آن را برای عمران و آبادی آفرید. خداوند دنیا را برای مسکون شدن و زیست سالم آفرید و نه جنگ و ویرانی، و جهان تنها برای کمال معنوی انسان آفریده شده.

مایمونید (موسی بن میمون) فیلسوف

دین و فرهنگ، نکاتی را کوتاه از دیدگاه دین یهود به این موضوع بیان می‌کنم.

۱- به گفته تورات، خداوند قبل از آفرینش آدم، باغ عدن را برای او آراسته نمود که نمونه‌ای از محیط زیست ایده‌آل خداوند برای انسان است. پس از آفریدن آدم، خداوند او را در این باغ قرار داد و طبق آیه تورات: «خداوند آدم را در باغ عدن قرار داد برای کار کردن در آن و حفاظت از آن».

طبق عقیده یهود، حضرت آدم یک نبی بود و با خداوند رابطه داشت، اما خدا او را موظف به نگهداری از محیط زیست خود یعنی باغ عدن می‌کند و این جزو اولین خواسته‌ها و انتظارات خداوند از آدم است.

۲- در دین یهود، سه عید بزرگ مذهبی وجود دارد. این سه عید هر یک یادآور واقعه‌ای مذهبی است اما جالب آن است که همین ایام با جشن‌های مربوط به امور کشاورزی و طبیعی متقارن و همزمان شده‌اند. عید پسخ به مناسبت خروج بنی اسرائیل از مصر و آزادی آنها در اوایل بهار مقارن با جشن برداشت جو کشاورزان است. عید شاوووعوت به مناسبت نزول تورات، با جشن برداشت محصول گندم همراه است. و عید سوم، یعنی سوکوت (سایه‌بان‌ها) که یادبود اقامت بنی اسرائیل در بیابان سینای است، با جشن جمع آوری محصولات تابستانی همراه است که در اوایل پاییز برگزار می‌شود.

در اعیاد سنتی یهودیان روزی به نام «اول سال درختان» نامگذاری شده است به نام «ایلانوت» و در آن روز زنده شدن زمین و درختان جشن گرفته می‌شود.

۳- آیه‌ای از تورات می‌گوید (دواریم- ۲۰ فصل ۱۹): «هرگاه شهری را بخاطر جنگ محاصره کردی، درختان میوه آن را برای ساختن سنگر، قطع و ویران نکن» خداوند حتی در بحبوحه جنگ نیز به مسایل زیست محیطی توجه دارد و حکمی درباره آن صادر می‌فرماید.

۴- و اما درباره نقش دین در ترغیب

مردم برای حفاظت از محیط زیست:

می‌دانیم که ادیان در تاریخ نقش مهمی را ایفا کرده‌اند. مردم مومن همواره گوش به فرمان پیشوایان و علمای دینی خود بوده‌اند و در راه اجرای احکام دینی حتی تا پای جان نیز پیش رفته‌اند. بسیاری از جنگ‌های تاریخی، ناشی از اعتقادات و اهداف و انگیزه‌های دینی بوده‌اند که خیل عظیم مردم را به حرکت و جوش واداشته‌اند.

ج) همفکری علمای ادیان برای تدوین برنامه‌ها و دستورات و روش‌هایی جهت هدایت مردم به اهداف تعیین شده در حفاظت محیط زیست.

امید است که همایش تهران، سنگ بنایی باشد برای رسیدن به اهداف مذکور و ایجاد رفاه و سلامت ایده‌آل برای همه انسان‌ها و مطمئن هستیم که خداوند نیز ما را در رسیدن به این هدف مقدس یاری خواهد کرد.



خانم النالایوان، از فعالترین اعضای

هیئت کلیمی در سمینار محیط زیست، دین و فرهنگ بود که از مدت‌ها قبل از برپایی سمینار، در تماس‌های متعدد با خانم دکتر ابتکار و مهندس معتمد در تدارک تدوین مقاله‌ای برای سمینار بود. مقاله مذکور با عنوان «عشق سبز، موسی (ع) و محیط زیست» به سمینار ارایه و جزء مدارک آن به دو زبان فارسی و انگلیسی قرار گرفت. این مقاله در حدود ۵۰ صفحه، عناصر طبیعت و محیط زیست را در متون دینی کلاسیک یهود مورد مذاکره قرار داده است. فهرست عنوان‌های مطالب ذکر شده در این مقاله چنین است:

آیات نخست تورات درباره عناصر محیط زیست- میشنا (تلمود) و محیط زیست- شناسایی و ردیابی ابزار طبیعت برابر نمادهای دینی تورات- آسمان- باد- هوا- نور- آتش- خورشید- شبنم (نور جلال الهی)- ابر- آب- چاه- باران- دریا- خاک- زمین و

اگر دین در جزیی‌ترین امور زندگی بشر نفوذ کرده و برای هر موضوعی در زندگی او، حکم و برنامه ویژه دارد، و مردم نیز سعی در اجرای هر چه دقیق‌تر و صحیح‌تر احکام دین را دارند، مطمئناً چنانچه در ادیان، برنامه و اهدافی برای حفاظت محیط زیست تدوین شود، همانند سایر زمینه‌های زندگی، مردم را به اجرای آن احکام خاص درباره محیط زیست ترغیب و تشویق خواهد نمود.

۵- آنچه را که چنین همایش‌هایی می‌توانند انجام دهند، در ۳ مرحله (قدم) می‌توان خلاصه کرد:

الف) نزدیک کردن ادیان در زمینه‌های مشترک اعتقادی و زدودن موارد اختلاف و در یک کلام گفتگو و تفاهم میان ادیان.

ب) روشن کردن مواردی از مشکلات زیست محیطی که می‌توانند از طریق برنامه‌های دینی مرتفع شوند و آماده کردن مفاهیم و نکات آنها برای متخصصان علوم دینی از طرف متخصصان محیط زیست.

چپت سخن از پرورگان

آویده یشاریم

« انسان باید محدودیت‌های ساخته در ذهن خود را از میان بردارد؛ و احساساتش را نسبت به خود تغییر دهد تا رمز تسلط بر اعمال خود را بیابد و در نتیجه دنیای خود را کشف کند. (آنتونی رابینز)

« ما زیاد می‌دانیم ولی کم احساس می‌کنیم، دست کم عواطف خلاقیتی را که یک زندگی شایسته از آن سرچشمه می‌گیرد بسیار کم احساس می‌کنیم. (برتر راندراسل)

« انسان باید به کار و هدفش عشق بورزد و عاشق آن باشد و بسیاری از آدمها راه و رسم این کار را بلد نیستند. (حسابی)

« نخستین گام پیروزی و موفقیت عبارت است از یقین به یک هدف واضح و روشن که تا اعماق وجود انسان راه یابد. (وین دایر)

« شگفتی‌ها زیادند ولی هیچ کدام شگفت‌انگیزتر از انسان نیست. (انتیگون سونوکل)

سخنان کوتاه

فرهاد روحانی

□ کسی که بر نفس خود غلبه نکند به هیچ چیز غالب نخواهد شد. (زرتشت)
□ یک کار نیک، گاهی یک شخص یک ده، یک شهر یا یک ملت را رستگار می‌کند. (گوته)

□ نعمت‌های خود را بشمارید، نه محرومیت‌ها را. (دیل کارنگی)
□ همه می‌خواهند بشریت را عوض کنند و دریغا که هیچکس در این اندیشه نیست که خود را عوض کند. (تولستوی)

□ تنها کسی موفق می‌شود که به انتظار دیگران ننشیند. (شیلر)
□ بر روی زمین چیزی بزرگ‌تر از انسان نیست و در انسان چیزی بزرگ‌تر از فکر او. (همیلتون)

بررسی کیفی فعالیت کلاس‌های تابستانی

ادامه از صفحه ۱۴

معلومات شرکت کنندگان در کلاس‌های عبری است. از این جهت که تعدادی از دانش آموزان یک کلاس با داشتند سن کمتر قادر به خواندن و نوشتن عبری هستند ولی تعدادی دیگر با آنکه در گروه بالاتری قرار دارند هنوز حروف عبری را به درستی نمی‌شناسند و هر دو گروه در یک کلاس قرار گرفته‌اند و این مشکل سبب کند شدن روند کلاس‌های عبری و همینطور ایجاد اشکال در کار معلمین می‌باشد.

از دیگر نارسایی‌ها در این مجتمع کمبود امکانات مناسب کلاسی از قبیل تابلو، میز و نیمکت مناسب و ... می‌باشد که البته موضوع جدیدی نیست.

با این حال اقدامات مثبتی نیز در مورد این کلاس‌ها صورت گرفته است که قابل ذکر هستند از جمله ارائه تغذیه مناسب به دانش آموزان در ساعات تفریح توسط مسئولین کنیسا. همینطور استفاده از وسایل بازی و تفریحی باشگاه گیور و وجود سرپرست و معلمین دلسوز که بدون تردید وجود این عوامل در صورت بهره‌گیری از امکانات مناسب می‌تواند به این مکان‌های فرهنگی رونق بیشتری بدهد.

۴- کنیسا و مجتمع باغ صبا

در این مجتمع کلاس‌ها به این ترتیب تقسیم‌بندی شده‌اند: گروه اول: دانش آموزان اول تا سوم ابتدایی. گروه دوم: دانش آموزان چهارم و پنجم ابتدایی. گروه سوم: دانش آموزان اول و دوم راهنمایی. گروه چهارم: دانش آموزان سوم راهنمایی و مقطع دبیرستان.

برای هر گروه یک آموزگار در نظر گرفته شده است. مسلماً به دلیل کثرت دانش آموزان، اینگونه تقسیم‌بندی مشکلاتی را در پی خواهد داشت. در مجتمع آموزش زبان عبری، آموزش زبان انگلیسی، والیبال، بدنیتون از کلاس‌های فعال هستند.

از جمله مشکلاتی که در برگزاری این کلاس‌ها وجود دارد می‌توان به کمبود لوازم ورزشی، نبودن نیمکت مناسب، فقدان پنکه و کولر در کلاس‌ها با توجه به گرمای بیش از حد تابستان و از همه مهمتر ازدحام بیش از حد دانش آموزان در هر کلاس اشاره کرد. ■

سنگ- معادن- بیابان- کوه- حیوانات- پرندگان- چهارپایان- خزندگان- کشتزار- گیاهان- درختکاری و با بستگی فضای سبز- طبیعت و رنگ- بوته‌ها- بهداشت محیط زیست- ایجاد بناها- آلودگی صوتی- کار و اندیشه سالم.

در بخش مربوط به آب، چنین می‌آید:

- آب

آب، شفاف، بی بو، در همه جا جاری، در اقیانوس، دریا، رود، نهر، جوی، اشک، بزاغ دهان، سلول‌ها و بافت‌ها و از عناصر اربعه.

آب به فیض الهی و مدد غیبی یا حقیقت روحانی هم تعبیر شده است.

مظهر یکرنگی و بی رنگی، پاکی و زلالی، نیکی و روانی، فریادرس دانه‌های درون معنوی ...

آتش نشان، احیای معنویات، مایه گلاب‌گیری، آرامش روح، رشد، وضو، طهارت.

عامل فرحی و فرهی، بهداشت جسم، روح و مسکن، ابزار سوگند، شفای بیمار و زانو، غسل مردگان، کارهای عرفانی و دعا نویسی.

آب "می‌نیدا" از بین برنده ناپاکی در موسویت. (تورات، ج ۴ ف ۱۸ آ ۱۹)
یاد آور گذشت بنی اسرائیل از رود، ده ضربت ...

نیل، ماوا، نگاهبان و پناه موسی (ع) در سید قیر اندود.

ظهور آب با زدن عصای موسی بر سنگ خارا و صخره.

"نخطات" یا آب تطهیر از گناهان. (تورات ج ۴ ف ۸)

در مراسم پایانی سمینار، النا لاویان تشکر و خوشنودی جناب حاخام همدانی کهن را به خانم دکتر ابتکار اعلام کرد که وی نیز به‌طور متقابل، سپاسگذاری نمود.



اشتباه آمریکا و اسرائیل

در اجلاس جهانی مبارزه با نژادپرستی دوربان

حاکم مایکل لرنر (نویسنده و روزنامه‌نگار آمریکایی)

ناتوانی جهان یهودیت در ارائه انتقادات بجا و صحیح از نقض حقوق بشر از سوی اسرائیل موجب شد تا به جای صهیونیسم، یهودیت در معرض انتقادات طرح شده در کنفرانس دوربان قرار گیرد

خروج آمریکا و اسرائیل از کنفرانس مبارزه با نژادپرستی سازمان ملل متحد که در دوربان آفریقای جنوبی برگزار شد، حادثه‌ای قابل پیش‌بینی بود که به دنبال اقدامات کشورهای جهان عرب در بدل ساختن موضوع مناقشات اسرائیل و فلسطینیان به موضوع اصلی کنفرانس، به وقوع پیوست.

اعراب با پشتیبانی از این گزینه در واقع ساز دلخواه جناح راست سیاسی اسرائیل و آمریکا را کوک کردند که از حذف تلاش‌های ضدنژادپرستانه که بسیاری امید داشتند کنفرانس بر آن متمرکز شود، سود می‌برند.

راست‌گرایان آمریکا که از رویارویی با میراث زیانبار برده‌داری و تبعیضات نژادی در آمریکا و موضوع پرداخت غرامت به قربانیان برده‌داری طفره می‌روند، اکنون می‌توانند خود را پشت این ادعا پنهان کنند که با باطل شمردن کنفرانس دوربان به مقابله با نژادپرستی ضدیهودی پرداخته‌اند. راستی‌های اسرائیل نیز ناشکیبایی مشهود در کنفرانس دوربان را به عنوان حربه‌ای برای بی‌اعتبار ساختن انتقاداتی که از خشونت‌های اعمال شده در اشغال کرانه باختری و نوار غزه مطرح می‌شود، به کار خواهند گرفت.

اکنون آنها می‌توانند بگویند که تمام انتقاداتی که به عملکرد آنان وارد می‌آید، صرفاً از آغاز دور جدید تلاش‌هایی حکایت دارد که درصدد برابر کردن صهیونیسم با

نژادپرستی است.

جامعه یهودی از طیف وسیعی از قومیت‌ها و نژادها تشکیل شده است، جامعه اسرائیلی که یهودیان سیاه‌پوست اتیوپی را در خود جای داده است، یهودیان هندوچین را نیز شامل می‌شود که تمامی خصوصیات نژادی مردم آن جوامع را در خود دارند و همچنین یهودیان عرب، که از لحاظ نژادی از اعراب مسلمان قابل تمیز نیستند.

اما اسرائیل با آفریقای جنوبی دوران آپارتاید که صرف‌نظر از مسائل مذهبی، افراد را برحسب نژادشان تقسیم‌بندی می‌کرد، تنها این فرق را دارد که به بزرگترین اقلیت این کشور یعنی اعراب اسرائیلی حق رأی و حضور در کنست (مجلس اسرائیل) را اعطا کرده است. اعراب اسرائیلی تنها در مقایسه با سیاهان ساکن ایالت فلوریدای آمریکا است که از حقوق بیشتری برخوردارند.

اسرائیل در رویارویی با فلسطینیان به اقداماتی دست زده است که از لحاظ اخلاقی پذیرفتنی نیست و به نقض حقوق اساسی بشر پرداخته است و در این زمینه سزاوار انتقاداتی است که اکنون با آن مواجه است.

تلاش بخش‌هایی از جامعه یهود برای وادار ساختن اسرائیل به پایان دادن به اشغال قلمرو فلسطینیان، نابودی شهرک‌های یهودی در ساحل غربی و کرانه باختری رود اردن و پذیرش مسئولیت پرداخت

غرامت به آوارگان فلسطینی از حمایت دیگر یهودیان اقصی نقاط جهان برخوردار بوده است. اگر دنیا درصدد کمک به مردم فلسطینی است باید به جای دامن زدن به نگرانی‌های یهودیان که بر این باورند همه خواستار نابودی آنان می‌باشند، دغدغه‌های آنان را تسکین دهند. متقابلاً اگر یهودیان نیز خواستار پایان دادن به مخاصمات موجود به فلسطینیان هستند، نه تنها باید به اشغال سرزمین‌های فلسطینی پایان داده، شهرک‌های یهودی را برچینند بلکه باید با همان حس سخاوتمندی و همدردی با فلسطینیان برخورد کنند که انتظار داشتند سایر جهانیان به یاری آنان بشتابند. ناتوانی جهان یهودیت در ارائه انتقادات بجا و صحیح از نقض حقوق بشر از سوی اسرائیل، موجب شد تا به جای صهیونیسم، یهودیت در معرض انتقادات طرح شده در کنفرانس دوربان قرار گیرد. کسب مصونیت کوتاه مدت در برابر نژادپرستی پنهان شده در قالب قطعنامه‌های به دست آمده در کنفرانس دوربان که با همراهی آمریکا و خروج از کنفرانس حاصل آمد، خطر مستتر جدی‌تری را در پیش روی اسرائیل قرار می‌دهد. یهودیت ممکن است از سوی نیروهایی که مخالف مبارزه با نژادپرستی هستند و برای پوشش دادن به خواسته‌های آنان با اتهام نژادپرستی مواجه شود. ■

آب انگور قرمز

ضد بیماری‌های قلبی و عروقی

پژوهشگران از مدت‌ها پیش نشان داده‌اند که آب انگور قرمز برای سلامتی خوب است، اما گروهی از دانشمندان برای اولین بار موفق شده‌اند علت این امر را که این نوشیدنی گوارا وسیله فوق العاده خوبی برای پیشگیری از بیماری‌های قلبی و عروقی است، دقیقاً روشن سازند.



طرح از طاهر سطرشاس

در واقع، تأثیرات مفید آب انگور قرمز از «فلاونوئیدها» عنصری که ریشه گیاهی دارند و گاهی هم ویتامین پی خوانده می‌شوند، ناشی می‌شود که خاصیت ضد اکسید کنندگی دارند. برای درک بهتر چگونگی عمل این عناصر، گروهی از پژوهشگران دانشگاه «جورج تاون» ۲۰ نفر را تحت نظر گرفتند که روزانه و به مدت ۱۴ روز- دو لیوان آب انگور قرمز مصرف می‌کردند و نتیجه گرفتند که این عناصر اساساً به دو روش عمل می‌کنند، از طرفی میزان آنتی اکسیدان را در پلاسمای خون بالا می‌برند و از طرف دیگر تولید یک رادیکال آزاد را در بدن کم می‌کنند. پژوهشگران در واقع متوجه شدند که مقدار ویتامین پی در پلاسمای خون در مقایسه با آغاز تجربه ۱۳ درصد بیشتر است و توانایی آنتی اکسیدان پلاسما هم ۵۰ درصد و تولید اکسیدنتریک حاصل از پلاکت‌های خون ۷۰ درصد افزایش پیدا کرده است. اکسیدنتریک تشکیل لخته‌های خونی را محدود می‌کند و مانع از سفت شدن جداره رگ‌ها می‌شود. ■

منبع: کیهان ۸۰/۳/۲۴



کودکان جنگ،

بی گناهان

به مناسبت ۱۶ مهرماه

(روز جهانی کودک)

کیارش یشایایی

بیابان‌های قحطی‌زده افغانستان را به دنبال مردمی فقیر و گرسنه بکاوند تا فاجعه انسانی دیگری را بیافرینند و در این میان کودکان بیشترین لطمه را خواهند خورد. مانند کودکان آمریکایی در حمله تروریستی یازدهم سپتامبر. از هم‌اکنون می‌توان کودکان به خون کشیده شده، معلول، بی‌سرپرست، گرسنه و افسرده افغانی را دید. بودجه یک میلیون دلاری یونیسف شاید اندکی از رنج‌های این کودکان بکاهد، اما جراحات عمیق دل کودکان با هیچ پولی التیام‌پذیر نیست.

در همین روزها در گوشه دیگری از جهان، در سرزمینی که حضرت یسعیای نبی در تورات نوید داده است که در آنجا «دیگر امتی بر امتی شمشیر نخواهند کشید و جنگ را نخواهند آموخت» هنگامه دیگری برپاست. خون آشامان حاکم بر اسرائیل و سرکرده آنان اریل شارون (قصاب شتیلا) بر کوس جنگ می‌کوبند. در اینجا نیز کودکان نخستین قربانیان جنگند.

«در ۱۰ سال گذشته زندگی دو میلیون کودک در سراسر جهان در اثر جنگ مختل شده است». کودکان، شکننده و آسیب‌پذیرند و در هنگامه نبرد نه پای گریز دارند و نه برای دفاع.

کاش می‌شد جنگی در افغانستان آغاز نشود. ای کاش از هواپیماها به جای بمب، غذا، دارو و اسباب‌بازی فرو بریزد. ای کاش کودکان سوماتی، افغانستان و فلسطین و همه کودکان دنیا جنگ را فراموش کنند. ■

در یازدهم سپتامبر اولین سال قرن بیست‌ویکم، تروریست‌ها شیپور جنگ را نواختند. در ساعات اولیه صبح یک هواپیمای مسافربری به یکی از ساختمان‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی برخورد کرد و جهنمی از آتش در آسمان برپا شد. شاید در اولین لحظات، رخداد یک سانحه هوایی در فکر مردم نقش بسته باشد، تا اینکه دقایقی بعد خلبان دومین هواپیما خود و مسافران بی‌گناه را به دیوار مرگ کوبید.

اکنون صحنه‌هایی که مردم آمریکا تنها در فیلم‌های اغراق‌آمیز هالیوود دیده بودند، واقعیت می‌یافت. آتش از درون آسمان خراش‌های جهنمی زبانه می‌کشید و انسان‌ها را خاکستر می‌کرد. دقایقی بعد برج‌های دوقلو فرو ریختند و شش‌هزار انسان بی‌گناه در زیر خروارها سیمان و آهن مدفون شدند. کودکان بسیاری پدر، مادر یا هردو والدین خود را در این اقدام تروریستی از دست دادند.

انگشت‌های اتهام به سوی اسامه بن لادن تروریست دست پرورده CIA در افغانستان نشانه رفت و آمریکا به افغانستان لشکر کشید. صدها فروند هواپیما و بمبافکن B1 و B52، چندین ناو جنگی و دهها هزار نیروی مسلح در منطقه مستقر شدند.

و حالا بزرگترین لشکر پس از جنگ دوم جهانی در حال نبرد است.

در افغانستان هدف ارزشمندی برای بمباران وجود ندارد. در این جنگ، آمریکایی‌ها با تسلیحات فوق‌مدرن خود باید

آی واکسیام من

از سر کوچه صدایی می آید
صدای پر طنینی می آید
انگار کسی می گوید:
«آی واکسیام من»

عجیب است که صدای لرزانش

از میان بوق بوق ماشین ها

باز هم به گوش می رسد

سر، که برمی گردانم

پیرمردی موسپید می بینم

پیرمردی که بساطی سبک دارد

و درست مثل جوان یک لاقبا می ماند

دوباره صدایش می آید:

«آی واکسیام من»

مردمانی می بینم که همه

کفش هاشان از دویدن در کوچه های پرتنش

خسته اند

کفش هایی که از راه رفتن روی آسفالت های

دورویی ساییده اند

کفش هایی که با عبور از کوچه های پر زخم

دیگر دهان باز کرده اند

دوباره صدایش می آید:

«آی واکسیام من»

بی اختیار چشم به کفش هایم می دوزم

انگار من هم آنها را از یاد برده ام

چون آنها هم ساییده اند

در این روزگار فراموشی

انگار کفش ها هم مثل ما غم دارند

پیرمرد حتما

دوای دردشان را می داند

پس به سویی می دوم

کفش های من هم

دهان باز می کند

باز هم صدای پیرمرد می آید:

«آی واکسیام من»

سارا حی

کاش می شد

کاش می شد رفت و ماند، کاش می شد رفت و بود

کاش می شد کودکی بود بر لب دریای بازی

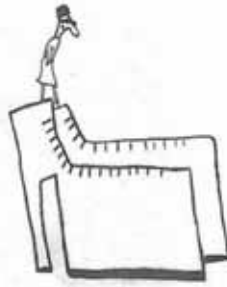
کاش می شد ماهیان را چید و بوسید

کاش می شد صبر کرد، کاش می شد که رفت

کاش می شد رفت و ماند، کاش می شد رفت و بود

یاسمن رحیمیان

طرح از کامیون بونسی



58

بهداشت، تاریخ و ... بسیار مفید است (مطمئنم پیش از این فواید این مسافرت ها را نمی دانستی). البته باید یادآور شوم که ما قبل از هر چیز به فکر تقویت پایه های درسی خود هستیم و به این منظور هر کلاس را ۳-۴ بار مرور می کنیم تا مبدا مشکل درسی داشته باشیم مبدا زبانم لال فکر کنی ما رفوزه می شویم، اصلا). اما دیگر فعالیت ما نخب ...

در همین لحظه یکی از اعضای باند سرری حمایت از نخبگان جامعه اطلاع داد که سردبیر محترم با یک قیچی بزرگ منتظر ایستاده و تا علاوه بر قیچی کردن دنباله مقاله، گوش اینجانب را نیز قیچی کند.

در پایان از مجله وزین، بینا، انجمن کلیمیان تهران، سازمان ها و ارگان های جامعه، مرکز کامپیوتر و موسیقی انجمن کلیمیان، باشگاه ورزشی گیور، کتابخانه مرکزی، سرای سالمندان و ... که در گشایش این بخش (ستون) ما را یاری رساندند کمال تشکر را داریم (خودت که بهتر می دانی برای بقای این یک صفحه (ستون) هم که شده، باید زیاد از این حرف ها بزنیم!)

شمع هستی بخش گیتی

معلم شمع هستی بخش گیتی
چراغ زندگی در ضمن گینی
معلم آشنا به زندگانی
می آموزی تو ما را رستگاری
درستی و کمال و هستی تو
اساس و راه و رسم زندگانی

تمام حرف های پر ز مهرت
منور کرده روح زندگانی

جهالت در حضور پرکرامت
شده خوار و ذلیل و بی معانی

سمیرا عاشق روی چو ماهت
تو ای شاگرد خوب انبیایی

سپاس گویم آن را کافریدت
خداوند رحیم و حق تعالی

سمیرا خالپری

نوجوانان

تنظیم: سارا حی

نوجوان عزیز سلام:

نمی دانم شماره پیش که بخش

نوجوانان را خواندی چه احساسی

پیدا کردی. (بگذریم که ما می دانیم

حتی به آن نگاه نکرده ای، چه

برسد به خواندن!) حتما تو هم

متوجه شده ای برای این که بتوانی

خواننده دائم این بخش باشی اولاً

باید بسیار صبور و بردبار باشی

چون نشریه معمولاً سالی یکبار

چاپ می شود. در ثانی باید یک

ذره بین داشته باشی، خدا را چه دیدی؟! شاید فردا

پس فردا به علت کمبود جا سردبیر محترم مجبور

بشود تمام مطالب بخش نوجوانان را در یک ستون

جا بدهد. «ستون فشرده نوجوانان». البته در آن

صورت چون همه مطالب فشرده و ناخوانا است تو

کمتر غصه می خوری چون اصلاً متوجه نمی شوی

مطلبی که فرستاده ای چاپ شده یا نه (البته ما که

می دانیم تو جرأت نمک پاشیدن روی زخم ما را

نداری و از رازهای حرفی نمی زنی).

امیدوارم تا تابستان سال آینده شماره جدید

مجله بینا چاپ شود، چون می خواهیم روز جهانی

نوجوان (۲۱ مرداد) را به تو تبریک بگوییم. صد روز

به این روزها، اما در هر صورت کار از محکم کاری

عیب نمی کند، شاید هم دری به تخته ای خورد و

اواخر زمستان نشریه شماره ۱۴ چاپ شد. پس بد

نیست لااقل سال تحصیلی جدید را به تو تسلیت

بگوییم.

خودت که بهتر می دانی، متأسفانه به علت

عدم وجود برنامه ریزی صحیح در سازمان ها و

ارگان های جامعه کلیمی و نیز آموزش و پرورش و

وزارت جهاد کشاورزی و وزارت نیرو و ... بسیاری

از تجربیات مفید ما دانش آموزان بی استفاده مانده و

ذوق و استعداد ما کشف نمی شود. مثلاً ما شعرا،

نویسندگان، فیلسوفان، محققان و اندیشمندان (این

جمع از این پس به اختصار نخبگان خوانده

می شوند) با آغاز سال تحصیلی به عضویت ۶-۷

سازمان یهودی در می آییم. مبدا فکر کنی که این

کار به درس ما لطمه می زند. اصلاً ... ما حتی

برای انجام فعالیت اجتماعی و فرهنگی بیشتر به

عضویت سازمان دانشجویان شیراز هم درآمده ایم.

از جمله دیگر فعالیت های ما نخبگان (منظور همان

شعرا، نویسندگان و ... است) شرکت در تورهای

گردشی و زیارتی در طول سال تحصیلی می باشد.

این تورها برای تقویت درس های جغرافیا، دینی،

نیکو جایگاه عشق است

سازا اسمعیل زاده - سحر صدیق

- شما به عنوان یک آموزگار چه توقعی از شاگردانتان دارید؟

من همه شاگردانم را مانند بچه‌های خود دوست دارم و توقعی که از آنها دارم این است که هدفشان تحصیلات عالی باشد و بتوانند عضو مفیدی برای جامعه خود باشند.

- چرا این شغل را انتخاب کردید؟

در مورد انتخاب شغل باید بگویم عشق به آموزگاری باعث شد که من به این شغل روی آورم.

- آیا انتخاب شما به عنوان معلم نمونه در هدف شما تاثیری گذاشته است؟

این مقام در هدف من تاثیری نگذاشته است و همان احساس و پیمان عشق را نسبت به فرزندان انقلاب دارم و فقط احساس می‌کنم مسئولیت بیشتری بر عهده من است.

- تعریف شما از زندگی؟

به نظر من زندگی جایگاه عشق به خدا، اوئند متعال و امتحان الهی است.

- بهترین خاطره شما از دوران مدریس؟

فکر می‌کنم بهترین خاطره هر معلمی شنیدن سعادت و خوشبختی شاگردانش است.

- اگر بار دیگر متولد می‌شدید آیا باز هم این شغل را انتخاب می‌کردید؟

صد در صد. زیرا به همین شغل و با همین عشق زندگی می‌کنم.

- به عنوان آخرین سؤال چه پیامی برای جوان‌ها دارید؟

بهترین پیام من برای جوان‌ها این می‌تواند باشد که به پروردگار توکل کنند و احکام و فرامین تورات را به خوبی انجام دهند که همه این فرامین بازدارنده کجروی در زندگی انسان است ■

اشاره: همان طور که در شماره پیش مجله بینا درج شد خانم پروین دخت بنفشه‌نیا (دبیر دینی دبیرستان اتفاق) به عنوان معلم نمونه منطقه ۶ تهران انتخاب شد. دو تن از دوستان نوجوان مجله بینا گفتگوی کوتاهی با این معلم نمونه انجام داده‌اند.

- خانم بنفشه‌نیا در ابتدا از سوابق تحصیلی و شغلی خود بگویید.

من دوره دبستان را در مدرسه اتحاد حشمت آغاز و دوره دبیرستان را در اتحاد ژاله گذراندم و پس از اخذ دیپلم در سمینارهای قانون کوروش کبیر در کلاس‌های حاخام اوریل، حاخام زرگری، آقایان رحمان‌پور، ربی منیر و حکاکیان کسب فیض نمودم.

در سال ۱۳۵۰ وارد خدمت آموزش و پرورش شدم و تا سال ۵۹ در مدرسه اتحاد نو به تدریس تعلیمات دینی پرداختم و از آن‌پس تا امروز در مدرسه دخترانه اتفاق در همین رشته مشغول به تدریس هستم.

- از چه سالی فعالیت‌های اجتماعی

خودتان را آغاز کردید؟

من از سال ۱۳۴۱ با عضویت در سازمان بانوان کوروش کبیر فعالیت‌های اجتماعی خود را آغاز کردم و پس از آن سال‌ها عضو انجمن اولیاء و مربیان دبیرستان دخترانه اتفاق بودم.

- آیا فعالیت‌های شما تاثیری بر محیط خانواده‌تان دارد؟

بله، تاثیرات بسزایی داشته، هم در امور معنوی و هم در امور خانوادگی و اجتماعی.

- مشوق اصلی شما چه کسی بوده است؟ مشوق اصلی من همسرم بودند که در همه حال همفکر و همراه من بوده و هستند.

ترین‌ها

بلندترین دیوار چه دیواری است؟ دیوار هاشا
بلندترین شب چه شبی است؟ شب اول تیر
بلندترین نردبان چه نردبانی است؟ نردبان ترقی
دشوارترین کار، چه کاری است؟ ازدواج
بوترین به، چه بعی است؟ به تازه
راحت‌ترین کار چه کاری است؟ بیکاری
معروف‌ترین دیوار چه دیواری است؟ دیوار ندبه
المیرا مصری

سرود هستی

سالهای عمرم
همه در گرو لحظه‌ای از عشق توست
بی سبب نفس‌هایم به درون نمی‌روند
که همه امید به بوئیدنت دارند
و چشمانم به نوید دیدنت بیدارند
بدان قلبم در لحظه‌های باقی زندگانیم
با یاد تو خواهد تبید
باز هم با تمام وجود برایت می‌سرایم
عاشقانه از وجود و هستیم
گلادی گیدانیان

جوش

من نه بالم نه پرم
من خود پروازم
من شورم من عشقم آوازم
بر این عشق می‌بالم
برایش ترانه‌ها می‌سازم
با چشمه می‌جو شم
با گردون می‌گردم
من آیم آفتابم
می‌بارم می‌تابم
من آتش من بادم
می‌سوزم می‌تازم
با شادی می‌خوانم
تا هستم تا باشم
من شادم
با شادی از غم‌ها آزادم

لنا دانایی

מה לעשות؟ - چه باید کرد؟

آبیگدور لומد באוניברסיטה וגר בטהרן: עזרא גר באספהן. עכשו אין לו עבודה וגם הוא בא לטהרן. אויגדור در دانشگاه درس می خواند و در تهران زندگی می کند. عزرا در اصفهان زندگی می کند. اکنون او کاری ندارد و او هم به تهران آمده است. שני החברים הולכים ברחוב ומשוחחים: יש לי דוד. - אומר עזרא. הדוד שלי הוא פועל בבית-החרשת: این دو دوست در خیابان می روند و صحبت می کنند. عزرا می گوید: من یک عمو دارم. عموی من در کارخانه کار می کند. דודי עובד הרבה. בבית-החרשת עובדים הרבה. עובדים קשה. אבל הם שמחים מאד. דודי אומר: عمویم زیاد کار می کند. در کارخانه زیاد کار می کنند، سخت کار می کنند. اما آنها بسیار شادند. عمویم می گوید: "העבודה היא שמחה". אתמול הייתי אצל דודי בבית-החרשת. הוא אמר לי: עזרא. בוא אל בית-החרשת! "کار یعنی شادی". دیروز نزد عمویم در کارخانه بودم. او به من گفت: عزرا، به کارخانه بیا! מה לעשות؟ ללכת קבית-החרשת או לא ללכת؟ מה אתה אומר؟ چه باید کرد؟ به کارخانه بروم یا نروم؟ تو چه می گویی؟

קשה להגיד לך מה לעשות. עזרא. - אומר آبیגדور. - נכון. בבית-החרשת החיים קשים. اویگدور می گوید: عزرا، سخت است که به تو بگویم چه بکنی. درست است، در کارخانه زندگی سخت است. אבל הדוד שלך אומר: העבודה היא שמחה. זה נכון! אין שמחה בחיים בלי עבודה. גם אני אומר לך: اما عموی تو می گوید: کار یعنی شادی. این درست است. در زندگی بدون کار شادی وجود ندارد. من هم به تو می گویم: לך לבית-החרשת. עזרא! ועכשו צריך ללכת לאכול. به کارخانه برو عزرا! و اکنون باید برای غذا خوردن برویم. ما به رستوران می رویم. אנחנו הולכים למסעדה לאכול. ארוחת צהרים. טוב מאד. יש לי תאבון. ברוך השם. ما به رستوران می رویم تا ناهار بخوریم. خیلی عالی است، من هم خدا را شکر اشتها دارم. ואני רוצה לאכול. הגד לי בבקשה. איפה אוכלים פה בזול. וטוב! ברחוב הזה יש מסעדה טובה. و من می خواهم غذا بخورم، لطفاً به من بگو، اینجا غذای ارزان و خوب را کجا می خورند؟ در این خیابان رستوران خوبی وجود دارد. כל הסטודנטים אוכלים שם. אתמול אכלתי גם אני במסעדה הזאת והאכל היה טוב מאד. אנחנו הולכים! همه دانشجويان در آنجا غذا می خورند. من هم دیروز در این رستوران غذا خوردم و غذا خیلی عالی بود. ما هم می رویم!

במסעדה - در رستوران

שלום. חברים! מה אתם רוצים לאכול؟ מה יש לכם היום לארוחת-הצהרים؟ הנה התפריט. בבקשה לקרוא! سلام دوستان! شما چه چیزی برای خوردن میل دارید؟ امروز شما برای ناهار چه دارید؟ این صورت غذا (منو) است. لطفاً بخوانید! אנחנו רוצים לאכול ולא לקרוא! בבקשה. יש לנו מרק. דגים וירקות. מה לתת לכם؟ תני לנו מרק. ما می خواهیم بخوریم. نه اینکه بخوانیم! خواهش می کنم، ما سوپ، ماهی و سبزیجات داریم. به شما چه بدهیم؟ به ما سوپ بدهید. איזה מרק אתם רוצים؟ מרק-ירקות. בבקשה. לפני המרק תני לנו מנה ראשונה. מה יש לכם למנה ראשונה؟ شما چه نوع سوپی می خواهید؟ سوپ سبزیجات: لطفاً؛ قبل از سوپ به ما پیش غذا بدهید. برای پیش غذا چه دارید؟ יש לנו سلט חי. سلט של עגבניות. ומה לתת לכם آخر כך؟ دג במיץ. عגבניות. او دג חי؟ سالاد خام داریم. سالاد گوجه فرنگی. و پس از آن به شما چه بدهیم؟ ماهی در آب گوجه فرنگی یا ماهی "زنده"؟ دג חי!! אני לא מבין. מי אוכל דג חי!! ماهی زنده!! من نمی فهمم. چه کسی ماهی زنده می خورد؟ لا-כך. חבר! הדג לא חי. לדגים מן הים שלנו. אנחנו קוראים "דג חי". این طور نیست رفیق! آن ماهی زنده نیست. ما، ماهی های دریایی خودمان را "ماهی زنده" می نامیم. אנחנו קונים את הדגים האלה חיים. זהו דג מן ים-חזר. דג מצוי! טוב. תני לנו שתי מנות דג חי. ما این ماهی ها را زنده می خریم. این ماهی از "دریای خزر" است. ماهی عالی! ואחר-כך למנה האחרונה תני לנו מרק-פרות. היום חם מאד. וביום חם טוב מאד. امروز خیلی گرم است، در روز گرم خوب است که و پس از آن برای "خوراک آخر" (دسر) به ما کمپوت (میوه) خنک بدهید. لااכול מרק-פרות. קר. סליחה. אין לנו היום מרק-פרות. کمپوت (میوه) خنک خورد. ببخشید، امروز کمپوت (میوه) نداریم. אני נותנת לכם למנה האחרונה פרות. טוב. תני לנו. בבקשה. גם מים קרים. לשתות. من به عنوان دسر به شما میوه می دهم. خوب است، لطفاً به ما آب سرد برای نوشیدن هم بدهید.

آیך האכל. חברים? האכל מצין! גם אתמול היה האכל טוב מאד. כן. חברים. אצלנו כל-יום האכל טוב מאד! غذا چطور است، رفقا؟ غذا عالی است! دیروز هم غذا بسیار خوب بود. بله دوستان، نزد ما هر روز غذا بسیار خوب است!

* * *

افعال جدید (زمان حال)

مصدر	معنی	مفرد مذکر	مفرد مؤنث	جمع مذکر	جمع مؤنث	امر مفرد مذکر	امر مفرد مؤنث
להבין	فهمیدن	מבין	מבינה	מבינים	מבינות	בין	ביני
לתת	دادن	נותן	נותנת	נותנים	נותנות	תן	תני
להגיד	اطلاع دادن (گفتن)	מגיד	מגידת	מגידים	מגידות	הגד	הגידی

صفات و ضمیرهای ملکی

זכר מذكر	ضمایر ملکی متصل	برای - تعلق داشتن به ل-	داشتن יש ل-	نداشتن אין ل-	تعلق داشتن به של-
אני	י-	לי	יש לי	אין לי	שלי
אתה	ך-	לך	יש לך	אין לך	שלך
הוא	-	לו	יש לו	אין לו	שלו
אנחנו	נו-	לנו	יש לנו	אין לנו	שלנו
אתם	כם-	לכם	יש לכם	אין לכם	שלכם
הם	הם-	להם	יש להם	אין להם	שלהם

נקבה مؤنث

אני	-י	לי	יש לי	אין לי	שלי
את	-ך	לך	יש לך	אין לך	שלך
היא	-ה	לה	יש לה	אין לה	שלה
אנחנו	-נו	لנו	יש לנו	אין לנו	שלנו
אתן	-כן	לכן	יש לכן	אין לכן	שלכן
הן	-הן	להן	יש להן	אין להן	שלהן

کلمات جدید:

مسعدہ	میسعادا	رستوران	دگ	داگ	عاهي	میس	میسیم	آب
تفریٹ	تفریط	صورت غذا- منو	عجبניה	عگوانیا	گوجہ فرنگی	מצین	مصوبان	عالی
منہ	مانا	(پرس) غذا	یرקות	یراقوت	سبزیجات	کשה	قاشہ	سخت
تآبون	یتاوون	اشتها	פרות	پرروت	میوه جات	חי	حی	زنده- خام
مرق	ماراق	سوپ	ים	یام	دریا	מבין	رموین	فهمیدن
مشیوخ	مسوخیج	صحبت کردن	אתمول	اتمول	دیروز	אחר- כך	آخر کاخ	بعد از این
להגיד	להگید	اطلاع دادن	של	شل	مال ...	שפה	سافا	زبان
היה	هایا	بود	آیך	ایخ	چطور	כך	کاخ	اینطور
			אחרון	آخرון	آخر			

היה- היום יום שלישי. אתמול היה יום שני. היום חם. אתמול היה קר. אתמול ה א לא היה בבית. אתמול (אני) הייתי בקולנוע. הייתי בא לפן.
 של- לעזרא דוד.- הדוד שלו עובד קשה.
 קשה- קשה לעבוד ביום חם. ל א קשה ללמוד עברית. השפה העברית שפה לא קשה.

بخوان
و صحبت کن

בְּשֵׁם ה'שָׁלוֹם

به نام خدا.
سلام بچه‌ها
שָׁלוֹם ילָדִים

بچه‌ها!

حروف عبری را در این درخت پیدا کنید:



دانش‌آموزان ممتاز کلاس



کشتی نوح

خدا، اوند نگران دنیا بود زیرا مردم بسیار بد و نامهربان شده بودند. تنها خانواده‌ای که خوب مانده بود نوح و بستگان بودند.

خدا، اوند به نوح گفت: توفان بزرگی خواهد آمد. بنابراین نوح و سه پسرش کشتی بسیار بزرگی ساختند. مردم ظالم به نوح می‌خندیدند اما نوح هیچ اهمیتی به آنها نمی‌داد.

هنگامی که ساختن کشتی به پایان رسید خدا، اوند به نوح دستور داد جستجو کن و از تمام حیواناتی که روی زمین زندگی می‌کنند هر کدام دو تا به کشتی بیاور. دو فیل، دو تا گورخر، دو تا شیر، دو تا از هر نوع.

نوح می‌گفت: عجله کنید! باران دارد شروع می‌شود. هیچ کس نباید جا بماند. ای لاک‌پشت‌ها عجله کنید! یکی از فیلها نمی‌خواست سوار کشتی شود اما با کمی هل دادن و کشیدن، نوح و همسرش توانستند او را سالم به کشتی داخل کنند.

سپس باران شروع به باریدن کرد و شدید و شدیدتر شد. چک چک، شرشر، تا اینکه کشتی روی آب شناور شد. و آنها همه نجات یافتند! اما انسان‌های بد و نامهربان در آن طوفان از بین رفتند و به سزای اعمال زشتشان رسیدند.



سپیده عزیزی‌راد
کلاس سوم ابتدائی
مدرسه شهید ملاحیتر فیهیم
- ستنج - معدل ۲۰



سپهر عزیزی‌راد
کلاس اول ابتدائی
مدرسه ۱۳ آبان
- ستنج - معدل ۲۰



سیما اخوان راد
کلاس چهارم ابتدائی
مدرسه مریم
- ارومیه - معدل ۲۰



یاسمن داود طیبی
کلاس چهارم ابتدائی
مدرسه مریم
- ارومیه - معدل ۲۰



امیر داود طیبی
کلاس سوم راهنمایی
مدرسه اندیشه
- ارومیه - معدل ۱۹/۳۰



آلبرت خناساب
کلاس دوم راهنمایی
مدرسه موسی بن عمران
- معدل ۱۹/۵۲



نوشین خناساب
کلاس چهارم ابتدائی
دبستان اتفاق
- معدل ۲۰

شاد شاد

تابستونه، تابستون

بچه‌ها توی ایوون

بچه‌ها توی کوچه

هی می‌خورند آلوچه

بعدش میرن به بازی

آن بچه‌های نازی

همه هستند شاد شاد

وقتی که هستند آزاد

از درس و از مدرسه

از حساب و هندسه

وقتی که می‌گیرند بیست

خوشند که مردودی نیست.

پاسمن طیبی (از ارومیه)

ماست و خیار

یک شب، پدر و مادر من به اتفاق خواهر کوچکم که بسیار شیرین‌زبان و به قول معروف متخصص در امر آبروریزی است! به میهمانی رفتند. صاحب‌خانه هنگام پذیرایی، ظرف میوه را به پدر و مادر من تعارف کرد و آنها هم هر کدام میوه‌ای برداشتند. وقتی نوبت به خواهر کوچکم رسید، چهار- پنج عدد خیار برداشت و توی کیف کوچکی که همراهش بود ریخت و با لحن کودکانه‌ای گفت: «بابا، اگر فردا شب دوباره یادت رفت خیار بخوری ناراحت نباش، چون با این خیارها می‌توانیم ماست و خیار درست کنیم.» همگی از این کار او زدیم زیر خنده.

داود طیبی - از ارومیه

سالمند

دلم سوزد برای آن سالمند
نباش از ناراحتی‌هایش گله‌مند
دوست دارم او را
خاطرها و قصه‌هایش را
او ندارد تاب و توان
کمکش می‌کنم با دل و جان
کمکم کند در کارها
عبرت گرفتم از او بارها
درست است سخت است نگاهداشتنش
اما باز هم هستم در حال
دوست داشتنش

ملینا یدیع

عدد چیست و دو

معلم: بگو ببینم! عدد بیست و دو را چطور می‌نویسند؟

دانش‌آموز: یک عدد دو می‌نویسند و بعد یک تشدید روی آن می‌گذارند.

نیلوفر خاکشور



لباس

فیلی در یک رودخانه شنا می‌کرد. یک موش او را صدا زد، که بیرون بیاید. فیل بیرون آمد و به موش گفت: چه کارم داشتی؟
- هیچی فقط می‌خواستم ببینم مایوی من تن تو نیست!

سپیده طویی

دندانپزشک

معلم: سعید بگو ببینم فرق پزشک و دندانپزشک چیست؟
سعید: اجازه آقا! دندانپزشک وقتی دندان‌اش می‌افتد، پزشک می‌شود.
فایین مصری

مار و جوجه تیغی

یک مار و یک جوجه تیغی با هم ازدواج می‌کنند؛ بچه‌شان سیم خاردار می‌شود.

شروین یشاریم

شغل پدر

سهیلا: پدر من همیشه موقع کار کردن سوت می‌زند. سبا: حتما پدرت مرد شوخ و سرزنده‌ای است. سهیلا: نه بابا پدر من پلیس راهنمایی و رانندگی است.



سارا سنبلیان

عرض و طول

دانش‌آموز: اجازه آقا چرا همه می‌گویند: «عرضی ندارم!»؛ چرا نمی‌گویند «طولی ندارم!»؟
معلم: عزیزم اگر بخواهم برایت عرض کنم دو ساعت طول می‌کشد. الناز الیاس زاده

معما

آن چیست که نم دارد و دم دارد و دیگی به شکم دارد؟

ند آهنگینه ساز

معما

خروس روی کاه تخم می‌گذارد یا روی پنبه؟



شادی هایگانی

پیچ

مسافر به راننده که سرعتش زیاده گفت: آکر با این سرعت به یک پیچ برسی چه کار می‌کنی؟
راننده گفت: فهم می‌شوم و آن را برمی‌دارم. شاید روزی به دردم بخورد.

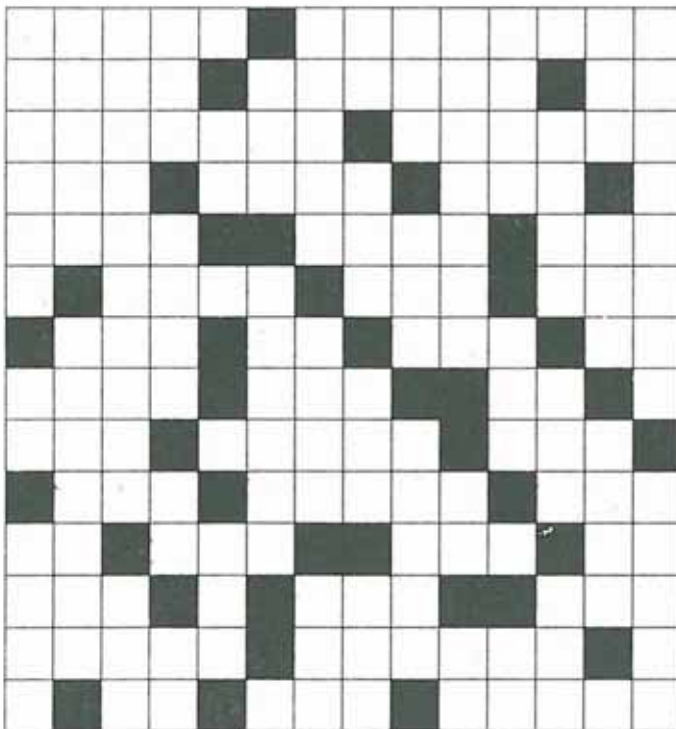
رکسانا سعید

آن چیست که شب و روز راه می‌رود ولی خسته نمی‌شود؟

صدف شلمو

خیم

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴



افقی

- ۱- روز اول سال عبری- زبان به
عبری- ۲- تعجب خانمها- جشن
شروع مشکلات برای آقایان!-
۳- فریاد خوشحالی به زبان عبری و
نام دختر خانمها ۳- بشاش و
شادمان- از شهرهای جنوب ایران
۴- نابودی و نیستی- عنصر- بله
۵- حاخام- پرندۀ شناگر- با نظم و
تربیت ۶- اگر عدد است در دست چکار می‌کند- رودی که
سبد حضرت موسی را در آن انداختند- نغمۀ آهنگین که از
دل برآید ۷- انتها- یکی از بلاهای طبیعی- از خرس‌های
آسمانی- نقره ۸- بر سرش جان می‌دهند- حیوان خوش خط
و خال- بزرگ و سرور ۹- از قلزات- هنر هفتم- آزاد و ول
۱۰- گنج و قفسه- یکی از اقوام وحشی شبیه مغول- سقف
دهان ۱۱- از حروف ندا- از صنایع دستی مردم شمال- یکی
از پسرهای یعقوب- هر چه پول بدهی بیشتر می‌خوری ۱۲-
پول خرد انگلیسی- سرد نیست- درخت بلند قامت ۱۳- نیاز
و نیازمندی- مراجع قضایی و عدالتخانه بدون حرف آخر ۱۴-
درستی و حقیقت- کمک و یاری- بار درخت و میوه .



شیرین آذری

عمودی

- ۱- فیلمی به کارگردانی بهروز افخمی- روز توبه و بخشایش در دین یهود ۲- اگر یک است چرا در حمام است؟- سنگ آسیا- پایتختی است ۳- فرا
خواندن کسی برای مهمانی- پرهیزکاری و تقوا- گلی است خوشبو ۴- مرغ حضرت سلیمان- از دیدنی‌ها- کلاه انگلیسی ۵- خوشحالی- یک
علامت بیماری- نوعی خط‌کش ۶- آرزو- خط‌آهن- بی ریا بودن ۷- زور و قدرت- فرم- زنده نیست- اهلی است ۸- قوه تشخیص و فهم-
هوشمند و خردمند- بزرگواری ۹-

پاسخ جدول شماره ۱۳

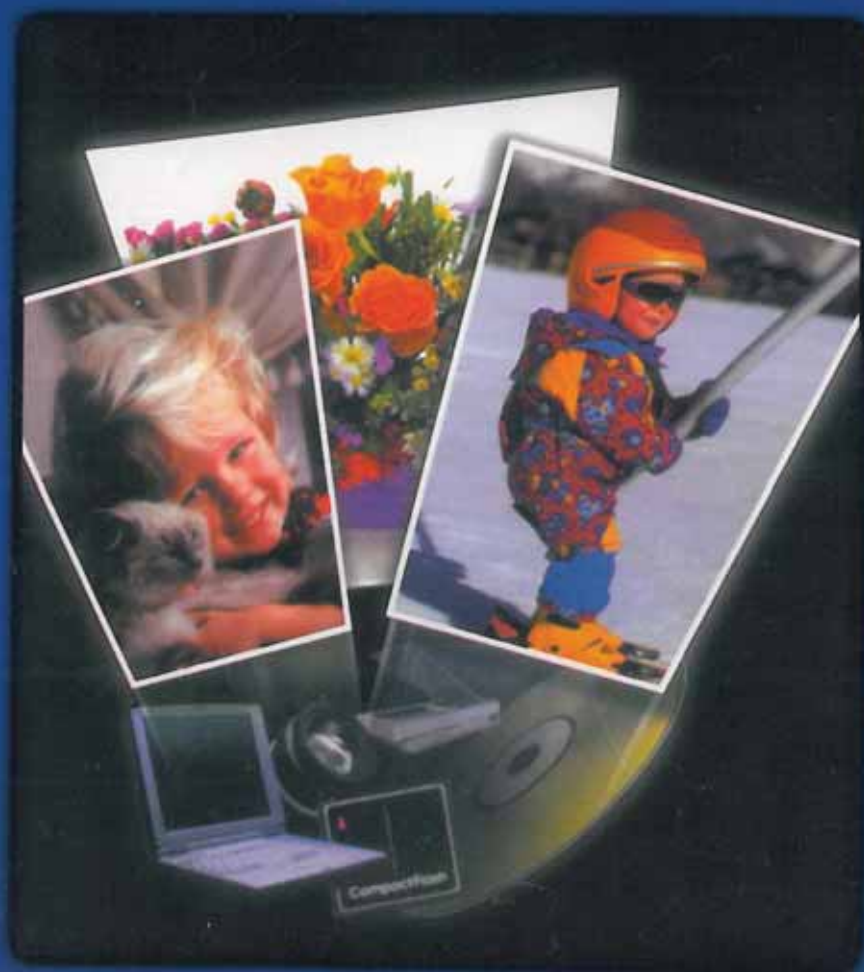
۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا	ب	س	ت	ا	ن	ا
ا	ن	ا	ب	س	ت																					



گروه هنری

گوهرنگار

به مدیریت داوود گوهریار
تلفن: ۰۹۱۱ ۳۵۱۸۰۴۳



● فیلم برداری از مجالس

● ساخت انواع تیزر

● عکاسی صنعتی

● عکاسی تبلیغاتی

● عکاسی پرتره

● تبدیل PAL به NTSC

● تبدیل NTSC به PAL

● مجری کلیه امور چاپی و تبلیغاتی



اعضای تیم فوتسال جوانان گیبور

